

بسمه تعالی
دانشگاه تهران
دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

گزارش طرح

آسیب‌شناسی دوران بلوغ و ارتباطات دختران
و پسران دانش‌آموز و راه‌کارهای آگاهی
بخشی صحیح ارتباطات

کارفرما

کمیسیون تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی

مجری

علی اصغر احمدی

۱۳۸۶

چکیده

این تحقیق با روش فرا تحلیل، بر روی تحقیقات و اطلاعات موجود، به بررسی روابط دختر و پسر در جامعه ایران پرداخته است. اطلاعات مورد نیاز در این بررسی از منابع زیر به دست آمده است.

الف - اطلاعات پراکنده و نامنسجم. ب - داده های حاصل از تحقیقات میدانی. ج - مطالب مندرج در متون تخصصی. د - دیدگاه های کارشناسی. ه - داده های بالینی.

حاصل این تحلیل ها، در چهار فصل گردآوری و ارائه شده است. در فصل اول کلیات بحث، یعنی تاریخچه ای از مسأله روابط دختر و پسر، چه در قالب دیدگاه های دینی، تالیف کتاب ها و انتشار مقالاتی که در این زمینه انجام گرفته و یا پژوهش هایی که برای بررسی موضوع به انجام رسیده است، می باشد. فصل دوم شامل تعریف روابط و علل شکل گیری و تعدی از حدود متعارف آن است. فصل سوم اختصاص به آسیب شناسی روابط دختر و پسر دارد. و بالاخره فصل چهارم به ارائه برنامه هایی که تاکنون اجرا شده و برنامه های پیشنهادی، بر اساس این تحقیق، اختصاص یافته است.

نتیجه نهایی این گزارش دلالت دارد بر این که دوستی های دختر و پسر در ایران، به دلایل متعددی، از جمله مغایرت آن با شرع، عدم پذیرش اجتماعی آن از جانب مراجع تربیتی از جمله خانواده و مدرسه و آشفتگی حاکم بر این گونه دوستی ها، یک آسیب برای طرفین، به ویژه دختران به شمار می آید. این آسیب ها، در مراحل گوناگون، به اشکال مختلفی تجلی پیدا می کند که گاه تا مرحله تشکیل خانواده و وقایع بعد از آن نیز تسری پیدا می کند.

برای نحوه مواجه شدن با این آسیب، سه رویکرد عمده مطرح شده است که نهاد های تربیتی و فرهنگی با اتخاذ یکی از آن ها، می توانند راهبردهای مواجهه با این آسیب را مشخص نمایند. در این زمینه آموزش خانواده ها، آموزش مستقیم نوجوانان و مداخله در رسانه های گوناگون، از جمله برنامه های صدا و سیما پیشنهاد می شود.

الف	چکیده
ب	فهرست مطالب
۱	مقدمه
۴	پیشگفتار
۷	فصل اول: روابط دختر و پسر در نگاهی کلی
۸	دیدگاه اسلام در مورد روابط دختر و پسر
۹	مروری بر آثار منتشر شده در زمینه روابط دختر و پسر
۹	۱- کتاب های منتشر شده در زمینه روابط دختر و پسر
۱۳	۲- نشریات الکترونی (سایت ها)
۱۵	۳- مروری بر پژوهش های انجام شده
۲۱	فصل دوم: انواع روابط دختر و پسر و کارکردهای آن
۲۲	رابطه و انواع آن
۲۸	کارکردهای روابط دختر و پسر
۳۱	علل و عوامل مؤثر بر دوستی های دختران و پسران
۳۴	علل روان شناسی بهنجار
۳۴	۱- غریزه جنسی
۳۸	۲- خوش گذرانی
۳۸	۳- تجدد طلبی
۳۹	۴- امید
۳۹	۵- عشق
۴۰	۶- ایمنی
۴۰	۷- همرنگی
۴۰	علل روان شناختی نابهنجار
۴۲	مکانیزم های روان شناختی پشتیبانی کننده دوستی ها
۴۲	۱- خیال پردازی
۴۳	۲- دلیل تراشی

۴۴	۳- هماهنگ سازی شناختی
۴۵	۴- خوش بینی
۴۵	۵- بی خیالی
۴۵	۶- کامل انگاری
۴۶	زمینه های اجتماعی تسهیل کننده دوستی ها
۴۶	۱- فقدان شرایط مراقبت
۴۸	۲- شرایط تحریک کننده و تسهیل کننده
۴۹	۳- دشواری بهره مندی های مقبول زندگی
۵۰	۴- آشفستگی در ملاک ها و معیارهای رفتار مناسب با جنس مخالف
۵۴	فصل سوم: آسیب شناسی روابط دختر و پسر در ایران
۵۵	مفهوم آسیب در روابط دختر و پسر و انواع آن
۵۸	انواع آسیب های ناشی از روابط نابهنجار دختر و پسر
۶۱	۱- آسیب های زیستی یا بدنی
۶۳	الف- پرخاشگری های محدود
۶۷	ب- پرخاشگری های حاد و جدی
۷۴	ج- سوء مصرف مواد
۷۶	د- آلودگی های آمیزشی
۷۶	۲- آسیب های روانی
۷۸	الف- آسیب دیدگی عزت نفس
۷۹	ب- افسردگی
۸۱	ج- عذاب وجدان
۸۲	د- اختلال در کارکردهای شناختی و عاطفی
۸۴	ه- شکل گیری رفتارهای ضد اجتماعی
۸۵	و- سایر آسیب های روانی
۸۶	۳- آسیب های اجتماعی
۸۶	الف- از دست دادن جایگاه اجتماعی در درون خانواده و مدرسه
۸۶	ب- جبران جایگاه از دست رفته، از طریق عضویت در گروه های انحرافی و تطابق با هنجارهای آنان
۸۷	ج- پذیرش زندگی های زناشویی شکننده، با سطح حرمت و کیفیت پایین
۸۸	۴- آسیب های معنوی و دینی
۹۱	فصل چهارم: طرح ها و برنامه های نهادهای تربیتی در زمینه مدیریت روابط دختر و پسر
۹۲	سیمای کلی روابط دختر و پسر در جهان و ایران

۹۵	رویکردهای مواجهه با مسایل ارتباطی دختر و پسر
۹۵	۱- رویکرد خود تنظیمی
۹۶	۲- رویکرد مداخله فرهنگی و آموزشی
۹۶	۳- رویکرد اعمال قدرت
۹۶	اصول حاکم بر روابط دختر و پسر
۹۷	نظریه‌هایی پیرامون روابط دختر و پسر در ایران
۱۰۲	پیشنهادها
۱۰۴	برنامه‌های اجرایی برای سامان دهی روابط دختر و پسر در ایران
۱۰۸	یادداشت‌های پایانی
۱۱۸	فهرست منابع و مراجع
۱۲۴	چکیده به زبان انگلیسی

مقدمه

مسأله بلوغ و پی‌آمدهای مثبت و منفی آن و شیوه برخورد نهادهای مهم تربیتی یعنی خانواده و مدرسه با آن، از جمله مسایل مهم هر جامعه‌ای به شمار می‌آید. شناخت ماهیت بلوغ از دیدگاه علمی، دینی و فرهنگی، یکی از دل‌مشغولی‌های عالمان، محققان و متفکران هر جامعه‌ای، از جمله جامعه ایرانی است. هم‌چنین شناخت پی‌آمدهای بلوغ، اعم از پی‌آمدهای مثبت و منفی، و نیز واکنش‌های مربیان و برنامه‌ریزان تربیتی نسبت به آن، از جمله نیازهای مهم و ضروری برای هر جامعه‌ای است. در این میان یکی از پی‌آمدهای مهم برای جامعه ما، گرایش نوجوانان به سوی جنس مخالف است. شناخت ماهیت این گرایش و عوامل تاثیر گذار بر روی آن و تعیین حدود صحیح در این روابط نیز از جمله مسایل مهم برای تعلیم و تربیت ماست. به گونه‌ای که برخی از متخصصین مسایل تربیتی معتقدند که "مسأله رابطه مناسب دختر و پسر، یکی از دغدغه‌های همه اقشار جامعه است." (نوابی نژاد، به نقل از نظری و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۷۴) دل‌مشغولی اقشار گوناگون جامعه و عدم آموزش صحیح حدود روابط باعث شده است که دست‌اندرکاران فرهنگی دانشگاه‌ها نیز وضعیت رفتاری دانشجویان را در این زمینه ناپه‌نجان دانسته و تلاش‌های گوناگونی را برای شناخت ماهیت این روابط و نحوه مناسب سازی آن در دانشگاه‌ها به انجام رسانند. به عبارت دیگر عدم توجه به موقع در مورد آموزش درست روابط در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان، مشکل را به سطح دانشگاه‌ها کشانده و موجب شده است که برخی از محققین اظهار کنند که "وضعیت موجود دانشگاه‌ها به هر حال گویای این مسأله است که ما در روابط دختران و پسران از یک ناپه‌نجاری برخورداریم که با معیارهای انسانی، اسلامی و ملی ما تطبیق پیدا نمی‌کند." (پیران، به نقل از نظری و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۸۱) عدم توجه نوجوانان به حدود ارتباطی با جنس مخالف و تعدی از آن، که اغلب در قالب دوستی‌های دختران و پسران تجلی پیدا می‌کند، مشکلات عدیده‌ای را برای آنان به ارمغان می‌آورد. مهمترین این مشکلات عبارتند از:

۱ - کمترین آسیب این است که دوست شدن دختر و پسر با یکدیگر، مقدار زیادی از وقت و انرژی طرفین را گرفته، آنان را از انجام بسیاری از وظایف مربوط به مرحله رشدی خود باز می‌دارد؛ که از جمله آن‌ها افت تحصیلی است (گلزاری، خرداد ۱۳۸۶). مدت‌ها و گاه ساعت‌ها پای تلفن نشستن، ساعت‌ها در اندیشه یکدیگر بودن، وقت‌های بسیاری را صرف حرف زدن در باره او با دوستان کردن، دچار تعارض‌های گوناگون در مورد او شدن و تلاش برای حل این تعارض‌ها، و بسیاری دیگر از این نوع وقت‌کشی‌ها که نوجوان را از انجام وظایف مربوط به مرحله رشدی خود باز می‌دارد.

۲ - از آن جایی که این گونه دوستی‌ها پیش از موعد و قبل از آماده شدن شرایط برای ازدواج انجام می‌گیرد، وابستگی‌های عاطفی، مانع قضاوت صحیح طرفین می‌شود. حتی آنانی که با استدلال شناخت یک‌دیگر برای ازدواج، دوستی‌های خود را توجیه می‌کنند، علیرغم پی بردن به عدم تناسب با یک‌دیگر، نمی‌توانند دست از هم بردارند.

۳ - این گونه دوستی‌ها خلاف شرع و عرف جامعه بوده، لذا از یک سو موجب ارتکاب گناه شده و از سوی دیگر موجب طرد اجتماعی و عوارض اخلاقی، روانی و اجتماعی ناشی از آن می‌شود (گلزاری، خرداد ۱۳۸۶).

۴ - دوستی‌های دختر و پسر قبل از فراهم آمدن امکان ازدواج، موجب تحریک جنسی آنان می‌شود؛ و این در حالی است که امکان پاسخ‌گویی به این تحریکات یا اصلاً فراهم نیست، یا به شکل ناقص فراهم است. این تحریک‌پذیری و عدم پاسخ‌گویی به آن، موجب پیدایش آسیب‌های جانبی از قبیل بروز رفتارهای پرخاشگرانه (پسری که دوست دخترش را کتک می‌زند، و یا دختر و پسری که چهار عضو خانواده دختر را می‌کشند و...)، و یا موجب تماس‌های جنسی غیر متعارف شده، به طوری که باعث بدنامی و تصور منفی دختر از خود و نیز تصور منفی دیگران از او می‌شود.

۵ - این گونه دوستی‌ها اغلب با انگیزه‌های موقت و برای بهره‌برداری‌های خود مدارانه افراد ناپخته به لحاظ روانی انجام گرفته، و در نتیجه عواقب آسیب‌زایی از خود بر جای می‌گذارد. مانند کینه‌توزی‌های حین و بعد از دوستی‌ها (تهدید و حمله‌های فیزیکی، پخش نامه و مدارک دختر و در نتیجه آبروریزی، و...) سوء استفاده‌ها در حین دوستی و بعد از آن (نگه داشتن عکس، نامه و سایر مدارک دختران به منظور تهدید و حتی سوء استفاده در مراحل بعد، از جمله بعد از ازدواج دختر، بهره‌کشی‌های جنسی و مادی از طرف مقابل و...) تلون در رابطه و رها کردن‌های آنی و نا جوانمردانه طرف مقابل (برقراری رابطه با افراد مختلف، جواب رد دادن به دوست دختر یا پسر خود و اظهار این که از این پس با کس دیگری دوست می‌شود، ازدواج با افراد دیگر به دلیل سالم بودن آنان و دست رد به سینه دختر زدن به دلیل آلودگی او، و...)

۶ - عواقب ناشی از وابستگی و اصرار بر ازدواج با دوست ناهم‌جنس، علیرغم مغایرت با ارزش‌های خانوادگی، مذهبی، فرهنگی، رفتاری و روانی و شکست‌های بعدی در چنین ازدواج‌هایی

این مشکلات، و مسایلی از این دست، موجب شده است که روابط دختر و پسر در جامعه، تبدیل به یک معضل و آسیب شود. به همین لحاظ بررسی ابعاد گوناگون این پدیده و چگونگی مواجهه با آن، یکی از ضرورت‌های غیر قابل انکار در حوزه تعلیم و تربیت و فرهنگ به شمار می‌آید. با این حال که بررسی دوستی‌های دختران و پسران از سال‌ها پیش آغاز شده است، لیکن ضرورت دارد که نگاهی فراتحلیلی به آن چه که در این زمینه، تاکنون انجام گرفته، افکنده شود و بر اساس یافته‌های به دست آمده، برنامه‌ای جامع و کاربردی طراحی شود. به این امید که اجرای دقیق و سازمان یافته چنین برنامه‌ای بتواند به تقلیل مشکلات ناشی از این دوستی‌ها بینجامد.

پیشگفتار

طرح " آسیب شناسی دوران بلوغ و ارتباطات دختران و پسران دانش آموز و راه کارهای آگاهی بخشی حدود صحیح ارتباط"، به منظور بررسی ابعاد مختلف پدیده ارتباطات دختران و پسران دانش آموز، به شیوه‌ای فراتحلیلی انجام گرفته است. این طرح به سفارش کمیسیون تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی و با اهداف زیر به انجام رسیده است:

۱- رسیدن به فراتحلیلی از پژوهش‌های انجام گرفته در ایران، در زمینه روابط دختر و پسر و پیش بینی وضعیت آینده

۲- تحلیل پی‌آمدهای مثبت و منفی نوجوانی، به ویژه تحلیل گرایش‌های نوجوانان به سوی جنس مخالف و تعیین حدود صحیح آن.

۳- رسیدن به فراتحلیلی در زمینه طرح‌های انجام گرفته در مورد تربیت، راهنمایی، مشاوره و هدایت نوجوانان در مسایل مربوط به روابط دختر و پسر.

۴- ارائه طرح‌هایی برای مدارس و خانواده‌ها در زمینه شیوه‌های مواجهه درست با مسایل نوجوانی، بالاخص روابط دختر و پسر.

برای رسیدن به اهداف فوق، داده‌های گوناگونی در سطوح مختلف، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. مهمترین منابع اطلاعاتی در این زمینه عبارتند از:

الف - اطلاعات پراکنده و نامنسجم - این دسته از اطلاعات، شامل گزارش‌های روزنامه‌ها و مجلات و برخی از کتاب‌ها، در زمینه روابط دختر و پسر است که عمدتاً از منابع انتظامی و قضایی نقل می‌شود. این دسته از اطلاعات با این حال که از اعتبار تحقیقی و علمی بالایی برخوردار نیستند، لیکن به دلیل کثرت و تنوع، نشان دهنده مشکلات مهمی در این زمینه است. ما این دسته از گزارش‌ها را به عنوان دسته‌ای از داده‌های تحقیقی مورد توجه قرار داده، لکن مستندات آن‌ها را در بخش پایانی گزارش، و با مشخص کردن منبع مربوطه نقل کرده ایم.

ب - داده‌های حاصل از تحقیقات میدانی - این دسته از تحقیقات که در حوزه مورد بررسی، بسیار اندک هم هستند، با شیوه‌های ساده پژوهشی از قبیل نگرش سنجی و زمینه یابی به انجام رسیده‌اند. یافته‌های این دسته از تحقیقات که به مهمترین آن‌ها در متن تحقیق اشاره شده است، به عنوان شواهدی بر تبیین‌ها و تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به یافته‌های این نوع تحقیقات، به دلیل مشکلات روش شناختی نمی‌توان بیش از این اتکا کرد.

ج - مطالب مندرج در متون تخصصی - به مطالب این گونه کتاب‌ها، که شامل کتاب‌های تخصصی در رشته‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و کتاب‌های تخصصی دیگر، از جمله رساله‌های عملیه و تفاسیر قرآنی است، به دلیل اتکا به روش‌های معتبر تحقیقی، بیشتر می‌توان تکیه کرد. لکن به دلیل عدم پرداخت موسع به موضوع مورد تحقیق، متأسفانه این کتاب‌ها فاقد اطلاعات کافی برای اهداف تحقیق حاضر است. کتاب‌های موجود علمی و آکادمیک در رشته‌های مربوطه، به دلیل سرچشمه گرفتن از فرهنگ

غرب، فاقد موضوعی چون روابط دختر و پسر به عنوان یک معضل اجتماعی و تربیتی است. در این کتاب ها، مسأله روابط دختر و پسر از منظری خاص، که کاملاً با دیدگاه جامعه ایرانی متفاوت و گاه متضاد است، مطرح شده است. البته در کتاب های مربوط به احکام و تفاسیر قرانی، موضوع به شکلی که مورد توجه جامعه ایرانی است، بیان شده است.

د - دیدگاه های کارشناسی - بحث روابط دختر و پسر در جامعه ایرانی، بارها و در مجال های گوناگون به بحث گذاشته شده و توسط کارشناسان مختلف، مورد تحلیل واقع شده است. دیدگاه های این کارشناسان، هر چند که به حد کافی با یک دیگر تطابق ندارد، لکن از همگرایی خوبی برخوردار است. تقریباً تمامی کارشناسانی که موضوع را مورد تحلیل قرار داده اند، به آن با دیدگاهی آسیب شناختی نگریسته اند؛ چه آنانی که مشکل را به شرایط جهانی و تهاجم فرهنگی نسبت داده و یا آنانی که مشکل را ناشی از سوء تدبیر های فرهنگی و تربیتی داخلی دانسته اند. استناد به دیدگاه های کارشناسان، به ویژه در شرایطی که داده های پژوهشی کنترل شده بسیار اندک است، یکی از مهمترین منابع استنادی این تحقیق به شمار آمده است. علاوه بر کارشناسان دانشگاهی و حوزوی، کسانی که در حوزه های انتظامی و قضایی با این مسایل مواجه هستند، منبع قابل استنادی برای این تحقیق به شمار آمده اند.

ه - داده های بالینی - بسیاری از معضلات مربوط به روابط دختر و پسر، در کلینیک های مشاوره و روان شناسی، خود را به خوبی نمایان می کنند. آن چه مراجعین به این کلینیک ها، در حضور مشاور و روان شناس بیان می کنند، به لحاظ مطالعه موردی، از اعتبار بسیار بالایی برخوردار است. بیان مشکل و پی گیری های بالینی در تشخیص و درمان، امکان بررسی همه جانبه آسیب های ناشی از روابط دختر و پسر را فراهم می آورد. یکی از منابع مهم در تحلیل آسیب های مربوط به بلوغ و ارتباطات دختر و پسر، یافته های بالینی، به ویژه مشاهدات محقق در کلینیک ها و سایر مراجعی است که برای محقق امکان حضور و تحلیل بالینی مسایل در آن ها وجود داشته است.

حاصل این تحلیل ها، در چهار فصل گردآوری و ارائه شده است. در فصل اول کلیات بحث، یعنی تاریخچه ای از مسأله روابط دختر و پسر، چه در قالب دیدگاه های دینی، تالیف کتاب ها و انتشار مقالاتی که در این زمینه انجام گرفته و یا پژوهش هایی که برای بررسی موضوع به انجام رسیده است، می باشد. فصل دوم شامل تعریف روابط و علل شکل گیری و تعدی از حدود متعارف آن است. فصل سوم اختصاص به آسیب شناسی روابط دختر و پسر دارد. و بالاخره فصل چهارم به ارائه برنامه هایی که تاکنون اجرا شده و برنامه های پیشنهادی، بر اساس این تحقیق، اختصاص یافته است.

فصل اول

روابط دختر و پسر در نگاهی کلی

دیدگاه اسلام در مورد روابط دختر و پسر

از جمله ویژگی های اخلاقی که در قران به آن اشاره شده و به خصوص در ازدواج، بر آن تاکید کرده، دوری از گرفتن دوست پنهانی از جنس مخالف است؛ همان چیزی که امروزه تحت عنوان دوست پسر و دوست دختر معروف شده است. قران به صراحت انسان را از گرفتن دوست از جنس مخالف برحذر داشته است. در آیه پنجم از سوره مائده، مردان را از گرفتن دوست دختر و در آیه بیست و پنجم از سوره نساء، دختران و زنانی را که دوست پسر می گیرند، شایسته ازدواج ندانسته است. در این دو آیه زنان و مردان را از گرفتن خدن بر حذر داشته است. خدن که جمع آن اخدان است، به معنی رفیق یا دوست است که در این جا مراد گرفتن دوست از جنس مخالف است. بر این اساس کسی که می خواهد با ملاک های اسلامی ازدواج کند، می باید توجه داشته باشد که با کسی که گرفتن دوست از جنس مخالف را مجاز دانسته و به آن عمل می کند، نباید ازدواج کند. این نکته با دوست داشتن یک فرد از جنس مخالف متفاوت است. ممکن است فردی، فرد دیگری را از جنس مخالف دوست داشته باشد. این دوست داشتن نه گناه است و نه ناپسند. بلکه اگر این دوست داشتن منجر به برقراری روابط پنهانی شده و بدون اجازه خانواده، به ویژه خانواده دختر، در حدودی خارج از شرع، ادامه پیدا کند، آن گاه معنی گرفتن دوستی که قران آن را منع کرده است به خود می گیرد؛ و از این نقطه به بعد خلاف سنت الهی خواهد شد.

معنی دیگر سلامت اخلاقی، مربوط است به دوری از روابط نامشروع. در آیه ۲۶ از سوره مبارکه نور آمده است: *الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ*. یعنی زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند و مردان ناپاک نیز متعلق به زنان ناپاک هستند. زنان پاک نیز متعلق به مردان پاک و مردان پاک نیز متعلق به زنان پاکند. اینان (مردان و زنان پاک)، از نسبت های ناروایی که به آنان داده می شود، مبرا هستند و برای آنان آمرزش و روزی پر ارزش است.

تفسیر نمونه، اصلی ترین معنی خبائث را، آلودگی های جنسی دانسته است. و این معنی با منطق اسلامی نیز سازگار است که نباید با انسانی که تن به آلودگی های جنسی می دهد، ازدواج کرد. چنین انسان هایی لایق افرادی چون خودشان هستند. انسان های ناپاک بهتر است با انسان های مشابه خود و انسان های پاک نیز با افراد مشابه خودشان ازدواج کنند. کسی که دچار هرزگی جنسی می شود، لایق فردی است که او هم مثل خودش هرزه باشد؛ و کسی که خود را پاکیزه نگه داشته است و فشارهای روانی ناشی از محرومیت را تحمل کرده است، او شایسته همسری پاک و متقی است.

به لحاظ فقهی، صحبت کردن زن و مرد نامحرم، اگر به قصد لذت و ریه نباشد، اشکالی ندارد. هر چند که صحبت کردن آن دو، اگر ضروری نباشد، مکروه است. زنان در صحبت کردن با مردان، نباید صدای خود را رقیق کرده و یا موجب فتنه انگیزی شوند. هم چنین نباید کاری کنند که مرد به گناه بیفتد؛ که اگر چنین کنند، مرتکب گناه شده اند. نگاه کردن زن و مرد نامحرم به یک دیگر، صحبت کردن و نیز خلوت کردن با هم، اگر به قصد لذت باشد حرام است. حضور زن و مرد نامحرمی که در محلی هستند که امکان ورود کس دیگری به آن جا وجود ندارد، و احتمال فساد می رود، حرام است. برخی از مراجع معتقدند که حضور مرد و زن نامحرم، در جایی خلوت، حتی اگر احتمال فساد و ریه نیز وجود نداشته باشد جایز نیست؛ در چنین

¹ - مراد از ریه یعنی خوف در فساد افتادن

شرایطی حتی اگر این دو فرد مشغول نماز خواندن نیز باشند، نمازشان اشکال دارد. هر گونه تماس بدنی بین دو نفر نامحرم، از جمله دست دادن، حتی اگر با قصد لذت نیز نباشد، حرام است. (معصومی، ۱۳۸۶)

SCC.ir

مروری بر آثار منتشر شده در زمینه روابط دختر و پسر

از آن جایی که روابط دختر و پسر در ایران، از حساسیت خاصی برخوردار است، لذا این موضوع تا کنون در قالب های گوناگونی، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این بررسی ها در قالب مقاله، کتاب، میزگرد، همایش، گزارش های پژوهشی و صفحات الکترونی، در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است. ما در این قسمت مروری داریم بر مهمترین محورهای مورد بحث در این زمینه.

۱ - کتاب های منتشر شده در زمینه روابط دختر و پسر

تا کنون چندین کتاب به بررسی مستقیم و یا غیر مستقیم روابط دختر و پسر پرداخته است. پیش از انقلاب اسلامی ایران، این موضوع به طور مستقیم مورد بحث واقع نشده است. بعد از انقلاب به دلیل تعارض برخی از رفتارهای دو جنس در ارتباط با یک دیگر، با هنجارهای فرهنگی حاکم بر جامعه، موضوع از حساسیت بیشتری برخوردار شد. از این رو بررسی و قلم فرسایی در این زمینه آغاز شد.

اولین اثری که در این زمینه به شکل مدون به چاپ رسید، کتابی بود با عنوان تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران. چاپ اول این کتاب که توسط محقق و مؤلف همین اثر (علی اصغر احمدی) به رشته تحریر درآمده بود، در سال ۱۳۷۱ توسط انتشارات تربیت در ده هزار نسخه به چاپ رسید. بعد از این چاپ، این کتاب توسط انتشارات انجمن اولیا و مربیان وزارت آموزش و پرورش به چاپ رسید. تاکنون دوازده چاپ دیگر از این کتاب توسط این انتشارات انجام گرفته است که آخرین آن در اسفند ماه ۱۳۸۵ در دوازده هزار نسخه است.

این کتاب مروری دارد بر حدود روابط دختر و پسر و بررسی رفتارهای بهنجار و نابهنجار در این زمینه. در مجموع مؤلف معتقد است که دوستی های دختر و پسر در ایران، یک آسیب روانی اجتماعی و تربیتی را متوجه آنان، به ویژه دختران می کند.

مطالب موجود در این کتاب شامل پنج فصل می باشد که ضرورتها، واقعیتها و شکل های مطلوب در برخورد و رودررویی دو جنس مخالف را مورد بحث قرار می دهد. در اینجا به اختصار در مورد مطالب هر فصل توضیحاتی ارائه می شود و امید است مطالعه ی دقیق و کاربرد مطالب این کتاب مفید واقع گردد.

فصل اول: ضرورت بحث در خصوص روابط دختر و پسر

نویسنده در این فصل چهار ضرورت مهم را برای بحث در خصوص روابط دختر و پسر بیان می دارد که عبارتند از: ۱- وظیفه ی تعلیم تربیت در هویت یابی جنسی نوجوان، ۲- اصالت خانواده در جامعه ایرانی، ۳- هماهنگی در شیوه ی تربیتی و ۴- اتخاذ روش هایی جهت تحقق عملی کرامت زن در جامعه ایران.

فصل دوم: انواع برخوردهای اجتماعی بین دختر و پسر در جامعه امروز

در این فصل هشت برخورد اجتماعی شامل: ۱- برخورد مبتنی بر شناخت و احترام متقابل، ۲- برخورد مبتنی بر شرم افراطی، ۳- برخورد دستپاچه و هیجان زده، ۴- خشک و محدود، ۵- برخورد مبتنی بر پرخاشگری، ۶- روابط پنهانی، ۷- برخوردهای غیر عادی و ناپخته و ۸- افراط در معاشرت را توصیف کرده و شیوه های برخورد بین دو جنس را در میان نوجوانان و جوانان ایرانی، دسته بندی کرده است.

فصل سوم: عوامل به وجود آورنده‌ی برخوردهای نامطلوب میان دختران و پسران
این فصل علل و عوامل گوناگونی را که در بروز رفتارهای نادرست در روابط دختران و پسران نقش دارد بیان می‌کند که به سه دسته تفسیم شده‌اند: ۱- نوجوان افکار غیر واقعی او، ۲- خانواده و شیوه‌های برخورد با نوجوان، ۳- شیوه‌های برخورد جامعه با نوجوان.

فصل چهارم: وضعیت مطلوب در روابط دختر و پسر

در این فصل مروری فشرده بر برخوردهای مورد پذیرش، بین دو جنس مذکر و مؤنث و به عبارت دقیق‌تر بین دختران و پسران، می‌شود. این برخوردهای مطلوب دارای هشت ویژگی هستند که عبارتند از: ۱- شناخت واقعیت‌های جنس مخالف، ۲- اجتناب از خیال پردازی و تصور رویایی در مورد جنس مخالف، ۳- از بین بردن ترس‌ها، دلهره‌ها، هیجان‌ها، احساس خصومت و خشونت نسبت به جنس مخالف، ۴- کنترل خونسردی و صلابت شخصیت به هنگام برخورد با جنس مخالف، ۵- برخورد مبتنی بر احترام، ۶- فقدان روابط پنهانی با جنس مخالف و مشورت با والدین در این گونه موارد، ۷- اجتناب از برقراری روابط صمیمانه با جنس مخالف قبل از عقد ۸- نداشتن رفتار سبک، خودنمایی و جلب توجه جنس مخالف در مجامع مختلف.

فصل پنجم: دوستی‌های دختران و پسران

در این فصل نویسنده تعریفی از دوستی دختران و پسران ارائه داده و سپس ویژگی‌های و تبعات آن را مورد شناسایی و تحلیل قرار داده است. او این دوستی‌ها را در جامعه‌ی ما، یک آسیب روانی، اجتماعی و تربیتی به شمار آورده است.

"از هوس تا عشق (دوست دختر، دوست پسر)"، کتاب دیگری است که توسط آقای بهمن افلاطون، تالیف شده و چاپ دوم آن در سال ۱۳۸۲ توسط دفتر نشر مصطفی منتشر شده است. کتابی است که در آن واقعیت‌های جامعه زیر ذره بین گذاشته شده و با شفاف کردن مطالب، تلاش می‌کند راه کارهای عملی ارائه دهد.

مطالب این کتاب در شش فصل طبقه بندی شده است که عنوان فصول عبارتند از:

فصل اول: دختران و پسران (ارائه تعریف و انواعی از رابطه‌ی بین دوستی دختران و پسران و ...)

فصل دوم: از هوس تا عشق (بررسی تفاوت هوس با عشق)

فصل سوم: بزرگان و جوانان (ارائه سخنانی از بزرگان درباره‌ی جوانان)

فصل چهارم: حکایت‌های عفاف (بیان حکایت‌هایی از حیا و پاکدامنی برخی جوانان و نتایج آن)

فصل پنجم: شعرهای جوانی (ارائه اشعاری از شاعران گذشته و معاصر درباره‌ی جوانان)

فصل ششم: ازدواج (بیان فواید ازدواج و اینکه کانون گرم خانوادگی بزرگترین پناهگاه مطمئن برای جوانان است)

"دختران؛ دوستی‌ها و عبرت‌ها"، کتاب دیگری است که به قلم آقای محمدعلی کریمی نیا به رشته تحریر در آمده است. در بخشی از این کتاب آمده است: آدمی در تمام دوران زندگی، نیازمند رفاقت و دوستی با دیگران است. انسان‌ها نه تنها با هم انس می‌گیرند و با مصاحبت و هم‌نشینی، وسایل شادمانی و شادی یک دیگر را فراهم می‌سازند بلکه هر دوستی به مقدار ارتباط و هم‌نشینی، در روح و روان رفیق خود نفوذ می‌کند و بر عقاید و اخلاق و گفتار و کردار او اثر می‌گذارد برای آنکه نیروی فکری دختران تقویت شود و از فرصت جوانی کمال استفاده را ببرند باید از حوادث و داستان‌های آموزنده آگاه شوند و از تجزیه و تحلیل آنها

تجربه اندوزی کنند و زندگی خود را بر اساس یک برنامه‌ریزی صحیح و حساب شده استوار نمایند. چه عبرت گرفتن از یک داستان واقعی و یک رویداد آموزنده گاه مسیر زندگی آدمی را دگرگون می‌سازد. کتاب «دختران؛ دوستی‌ها و عبرت‌ها»، مجموعه‌ی سرگذشت‌هایی است که آثار زیان بار هم نشینی و معاشرت با دوستان ناباب را برای دختران جوان ترسیم می‌نماید. این‌ها، حوادثی است که در زندگی دختران اتفاق افتاده و از زبان آن‌ها به رشته تحریر درآمده است و در پایان برخی از داستان‌ها، تحلیلی روانشناسی بر آن آمده است.

هم چنین از این نویسنده کتاب دیگری با عنوان «پسران؛ دوستی‌ها و عبرت‌ها» در همین زمینه به چاپ رسیده است.

آقای اسدالله محمدی نیا نیز کتابی تحت عنوان "روابط دختران و پسران" تالیف کرده اند که چاپ اول آن در سال ۱۳۸۱، توسط انتشارات سبیط اکبر، منتشر شده است. در این کتاب آثار روابط دختر و پسر در ابعاد مختلف بررسی شده است، تا دختران و پسران، رفت و آمد و روابطشان را بهتر تنظیم نمایند. بخش دیگری از کتاب، پاسخ به پرسش‌های جوانان می‌باشد و با پاسخ دادن به برخی پرسش‌ها، ابهامات جوانان را در برخی موارد رفع می‌کند. در قسمت دیگری از کتاب با عنوان «در معرض خطر»، به ارائه داستان‌هایی واقعی از روابط دختران و پسران می‌پردازد که می‌تواند موجب کسب تجربه‌ای برای خواننده شود. روابط دختر و پسر در جامعه‌ی کنونی نوشته‌ی: نسرين علم مهرجردی، از جمله کتاب‌هایی است که در سال‌های اخیر در این زمینه به چاپ رسیده است.

علاوه بر این کتاب‌ها، که بحث روابط دختر و پسر را به شکل مستقیم مورد توجه قرار داده اند، کتاب‌های گوناگونی نیز به مبحث روابط دختر و پسر در ایران به شکل غیر مستقیم پرداخته اند. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب دختران آفتاب، از انتشارات سروش اشاره کرد که در بخش‌هایی از آن، به روابط دختر و پسر اشاره شده و در این زمینه با توجه به دیدگاه قرآن در مورد روابط زن و مرد، و با استناد به جمله قرآنی "و عاشروهن بالمعروف"، سعی کرده است برای تعیین حدود رفتاری بین دختر و پسر، علاوه بر حدود مشخص شرعی و عقلی، به عرف رایج در هر جامعه‌ای تکیه کند.

۲ - نشریات الکترونی (سایت‌ها)

در کنار آثار مطبوع، آثاری نیز در قالب نشریات الکترونی تهیه و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. این گونه نشریات هرچند که با علاقه‌مندی زیادی آغاز به کار کرده اند، لیکن نتوانسته اند دوام زیادی داشته باشند. یکی از این نشریات، دو هفته‌نامه موازی بود که مدتی منتشر و بعد از آن به دلایل نامشخصی متوقف شد. اطلاعات فشرده‌ای از این سایت، در کادر زیر به چشم می‌خورد:

دو هفته‌نامه الکترونیک موازی، به همت جمعی از جوانان دختر و پسر وبلاگ‌نویس و با موضوع روابط دختر و پسر، دوشنبه‌ها یک هفته در میان، منتشر می‌شود.

اولین شماره این نشریه روز دوشنبه ۹ شهریور مصادف با میلاد با سعادت حضرت علی (ع) منتشر شد.

آدرس سایت نشریه: <http://web.archive.org/web/۲۰۰۴۱۰۱۰۰۱۴۹۲۲/http://www.movazi.com>

همچنین وبلاگ اعضای نشریه موازی در آدرس:

<http://web.archive.org/web/۲۰۰۴۱۰۱۰۰۱۴۹۲۲/http://www.movazi.com/weblog> قابل دسترسی است.

بسیج دانشجویی دانشگاه پیام نور نیز در اقدامی خودجوش، تلاش کرد بحث روابط دختر و پسر را مورد پی گیری قرار دهد. بخشی از کارهایی که این گروه از دانشجویان انجام داده اند را در توضیحاتی که خود نوشته اند در زیر می خوانیم:

"ارتباط دختر و پسر، در جامعه ما همواره به عنوان یک مسئله و معضل اجتماعی مطرح بوده است. امروز نیز با توجه به وضع موجود جامعه و آسیبهایی که نوجوانان و جوانان ما بدلیل عدم آگاهی و عدم آموزش مناسب دچار شده اند؛ و نیز پدیده های جدیدی مانند دختران فراری، زنان خیابانی، پسران ولگرد، و مشکلاتی چون بیکاری، فقر، اعتیاد و دهها معضل دیگر که ماحصل کمبود کار کارشناسانه و علمی در این مقوله و عدم اطلاع رسانی و الگو دهی صحیح و مناسب در این زمینه است، پرداختن به این امر ضروری به نظر می رسد. با توجه به این ضرورت و نیز عدم پرداختن نهادهای مرتبط به طور شایسته، حرکتی دانشجویی با عنوان «آسیب شناسی روابط دختر و پسر» توسط بسیج دانشجویی دانشگاه پیام نور تهران از مهرماه ۸۱ آغاز گردیده و تاکنون نیز ادامه یافته است. این حرکت خودجوش بر آن است تا با بهره گیری از نیروی بالقوه جوانان و نخبگان حاضر در دانشگاه و نیز جایگاه ممتاز علمی و فرهنگی این مرکز، بار اصلی این مهم را به دوش می کشند.

برگزاری نشست مقدماتی در آذرماه ۸۱ در دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی و نشست اول و دوم در اردیبهشت ماه ۸۲ در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به همراه استقبال بی نظیر جوانان، مقدمه ای و انگیزه ای گشت تا این مجموعه فعالیت خود را گسترده تر نموده و با همکاری فرهنگسرای دانشجو، «ستاد مطالعات آسیب شناسی روابط دختر و پسر» را در تابستان ۸۳ تاسیس نماید.

ستاد مطالعات آسیب شناسی روابط دختر و پسر در راستای برنامه های خود، به برگزاری نمایشگاه عکس و کاریکاتور در مهرماه، برپایی نشست سوم همایش در آذرماه، کارگاههای آموزشی ازدواج موفق، و هفته فیلم کوتاه در اسفند ۸۳ خواهد پرداخت

تلفن فرهنگ سرای دانشجو: ۸۸۷۰۶۸۶۷ اسدآبادی ۵-۸۸۷۲۲۱۱۴ اسدآبادی

۸۸۷۱۷۱۹۵ روابط عمومی اسدآبادی

۸۸۷۱۷۱۹۶ واحد آموزش اسدآبادی

با فرهنگ سرا تماس گرفته شد، گفتند بیش از یک سال است که فعالیت این ستاد متوقف شده و هیچ اطلاعی هم از سرنوشت آن ها نداشتند. و همچنین گفتند که نمی دانیم از کجا آمده بودند تنها فعالیت هایشان در این مکان بوده است.

علاوه بر سایت هایی که به شکل مستقیم به موضوع روابط دختر و پسر پرداخته اند، سایت magiran.com که به معرفی نشریات کشور پرداخته است، مقالات متعددی را در زمینه روابط دختر و

پسر در ایران معرفی کرده است. این سایت به دلیل پوشش دادن به نشریات کشور، در میان مقالات مجلاتی که معرفی می کند، هر از گاه مقالاتی را نیز در موضوع مورد نظر ما، ارائه می دهد.

۳ - مروری بر پژوهش های انجام شده

آقای حاجیلری از جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۴، به سفارش نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، در تحقیقی نگرش سنج، نگرش دانشجویان ایرانی، اعم از دانشگاه های دولتی و آزاد را در مورد وضعیت روابط دختر و پسر، مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق از هشت مرکز استان، در مجموع ۲۰۰۰ دانشجو به عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه تحقیق بر روی آنان اجرا شده است. مراکز استانی انتخاب شده عبارتند از: تبریز، مشهد، رشت، اهواز، زاهدان، تهران، اصفهان و شیراز. سؤال های تحقیق عبارت بودند از:

- ۱ - نگرش دانشجویان نسبت به شکل و نوع روابط دختر و پسر در شرایط موجود دانشگاه چگونه است؟
 - ۲ - نگرش دانشجویان نسبت به انگیزه، شرایط و پیآمدهای برقراری رابطه با جنس مخالف در دانشگاه چیست؟
 - ۳ - دانشجویان به چه میزان به حدود شرعی روابط دختر و پسر آگاه هستند؟
- نتایج این پژوهش به طور خلاصه به این شرح است:
- گروه نمونه در مورد شرایط و وضعیت مؤثر در برقراری رابطه با جنس مخالف، به عوامل و شرایط زیر اشاره کرده اند:

جدول شماره ۱ - شرایط مؤثر بر برقراری رابطه دوستی بین دانشجویان دختر و پسر

ردیف	نوع رابطه	درصد	نوع رابطه	درصد	شرایط و وضعیت های مؤثر در برقراری رابطه با جنس مخالف
۱	عدم سخت گیری های شدید نسبت به رابطه دو جنس در دانشگاه	۱۰/۳٪	۲۲/۹٪	۳۳/۲٪	
۲	جوان و مجرد بودن اکثر دانشجویان	۱۸/۳٪	۴۰/۱۶٪	۵۸/۹٪	
۳	محدودیت های موجود در خصوص رابطه دو جنس قبل از دانشگاه	۲۲/۷٪	۳۲/۴٪	۵۵/۱٪	
۴	مختلط بودن کلاس ها و سایر اماکن دانشگاه	۱۰/۱۶٪	۲۲٪	۳۰/۱۶٪	
۵	فراهم نبودن امکانات و شرایط لازم برای ازدواج آسان	۲۳/۷٪	۲۴/۶٪	۴۸/۳٪	

آزمون استنباطی نشان می دهد که عوامل فوق، برای برقراری رابطه با جنس مخالف، در میان مردان به شکل معناداری مؤثرتر از زنان است. هم چنین بررسی های تکمیلی نشان می دهد که دو عامل "عدم سخت گیری های شدید نسبت به رابطه دو جنس در دانشگاه" و نیز "مختلط بودن کلاس ها و سایر اماکن دانشگاه"، رابطه معنا داری با سطح تحصیلی دانشجویان دارد. یعنی هر قدر سال های تحصیلی دانشجویان بالاتر می رود، مدخلیت این دو عامل در برقراری رابطه با جنس مخالف نیز کمتر می شود. بقیه عوامل رابطه معنا داری با سطح تحصیلی دانشجویان ندارد.

جدول شماره ۲ - نگرش دانشجویان در مورد میزان شیوع سطوح مختلف ارتباطی بین دانشجویان دختر و پسر

اصلا	خیلی کم	کم	در حد متوسط	زیاد	خیلی زیاد	سطوح روابط بین دختر و پسر در دانشگاه
%۶/۴	%۷/۱	%۱۶/۸	%۳۱/۲	%۲۵/۵	%۱۲/۴	۱ گفتگوی دوستانه با جنس مخالف
%۲۳	%۲۰/۶	%۲۱/۱	%۱۷	%۱۰/۶	%۶/۷	۲ تفریح و گردش دو نفره با جنس مخالف
%۲۳	%۲۰/۶	%۲۱/۱	%۱۷	%۱۰/۶	%۶/۷	۳ دست دادن با جنس مخالف
%۳۲/۲	%۲۶/۱	%۱۶/۱	%۱۱	%۶/۱	%۴/۶	۴ روابط جنسی

جدول شماره ۳ - نگرش دانشجویان در مورد میزان موافقت یا مخالفت با سطوح مختلف ارتباطی بین دانشجویان دختر و پسر

کاملا مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملا موافقم	سطوح روابط بین دختر و پسر در دانشگاه
%۲/۹	%۵/۷	%۹/۱	%۲۹/۶	%۵۲/۲	۱ گفتگوی دوستانه با جنس مخالف
%۱۷/۷	%۲۴	%۲۲/۲	%۲۰/۴	%۱۵/۳	۲ تفریح و گردش دو نفره با جنس مخالف
%۲۷/۴	%۲۲/۸	%۱۷/۸	%۱۵/۴	%۱۶/۱	۳ دست دادن با جنس مخالف
%۵۹/۳	%۱۵/۶	%۱۲/۸	%۵/۶	%۶	۴ روابط جنسی

در مورد سطوح روابط، تنها در مورد روابط جنسی، تفاوت معناداری بین جنسیت و این سطح وجود دارد. در مورد بقیه عوامل تفاوت دیدگاهی معناداری بین دختران و پسران دیده نمی شود. در واقع پسران بیش از دختران معتقدند که رابطه جنسی بین دانشجویان وجود دارد. از میان گویه های فوق، در تمامی موارد فوق، پسرها موافقت بیشتری نسبت به دخترها نشان داده اند.

جدول شماره ۴ - نگرش دانشجویان در مورد ارزش ها و هنجارهای اجتماعی مرتبط با روابط بین دو جنس

کاملا مخالفم	مخالفم	بی نظرم	موافقم	کاملا موافقم	ارزش ها و هنجارهای اجتماعی مرتبط با روابط بین دو جنس
%۲/۱	%۷/۴	%۱۱/۸	%۳۹/۲	%۳۸/۹	۱ نباید روابط دختر و پسر را در دانشگاه محدود کرد
%۱۸/۱	%۲۸/۵	%۱۸	%۲۲/۳	%۱۲/۸	۲ نداشتن رابطه با جنس مخالف نشانه ضعف روابط عمومی فرد است
%۱۴	%۳۶/۵	%۲۰/۷	%۱۹/۷	%۸/۱	۳ نیازی نیست که روابط دو جنس با عرف حاکم بر جامعه متناسب باشد
%۶/۸	%۱۳/۳	%۲۳/۴	%۳۴/۲	%۲۱/۴	۴ حدود روابط دختر و پسر باید در چارچوب های دینی و شرعی تعریف شود
%۷/۶	%۲۰/۶	%۱۷/۷	%۳۲/۶	%۲۰/۵	۵ حدود و چارچوب های روابط بین دو جنس، توسط طرفین تعیین می شود

۶	داشتن رابطه های جنسی با جنس مخالف برای ارضای نیازهای غریزی ضروری است	%۷/۷	%۱۵/۶	%۱۷/۸	%۲۴	%۳۳/۶
۷	داشتن رابطه با جنس مخالف، نشانه عدم متانت و ناپاکی شخص است	%۴/۱	%۷/۵	%۱۳/۹	%۳۲/۷	%۴۰/۹
۸	وضعیت روابط دو جنس در دانشگاه اشکالی ندارد	%۱۸/۴	%۲۸/۹	%۲۷/۲	%۱۶/۲	%۷/۵

بر اساس یافته های تحقیق، بین متغیر جنسیت و نگرش پاسخ گویان، نسبت به گویه های ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، رابطه معنا داری وجود دارد. در مورد چهار گویه ۱، ۲، ۳ و ۶، پسرها موافقت بیشتری نسبت به دخترها نشان داده اند و این در حالی است که دخترها با گویه شماره ۴ یعنی "حدود روابط دختر و پسر باید در چارچوب دینی و شرعی تعریف شود"، بیشتر موافق بوده اند. هم چنین بین مقطع تحصیلی و نگرش دانشجویان در باره "تناسب روابط دو جنس با عرف حاکم بر جامعه" و "محدود کردن روابط دو جنس"، در محیط دانشگاه تفاوت معناداری مشاهده می شود. این تفاوت به این صورت است که هرچه مقطع تحصیلی پاسخ گویان بالاتر می رود، میزان موافقت آنها با موارد فوق بیشتر می شود. علاوه بر این، داده های تحقیق نشان می دهد که بین نگرش دانشجویان در باره این مسأله که داشتن رابطه با جنس مخالف، نشانه عدم متانت و ناپاکی شخص است و مقطع تحصیلی آنان، تفاوت معنی داری مشاهده می شود. این تفاوت به این صورت است که هرچه مقطع تحصیلی پاسخ گویان بالاتر می رود، میزان مخالفت آنان با این گویه بیشتر می شود.

جدول شماره ۵ - میزان اطلاع دانشجویان از حدود شرعی روابط دختر و پسر

ردیف	حدود شرعی روابط	مردان	زنان	میانگین
۱	دیدن بیشتر از مقدار صورت و دست های دختران مسلمان	%۲۵/۶	%۶۰/۶	%۱۱/۵
۲	راه رفتن و نشستن دو جنس در کنار یک دیگر در محیط دانشگاه بدون قصد لذت و شهوت	%۷۶/۸	%۱۰/۴	%۱۰/۵
۳	گفت و گوی دو جنس با قصد لذت بردن	%۱۰/۵	%۷۶/۹	%۱۰/۳
۴	لمس کردن و تماس اعضای بدن دو جنس باهم به قصد لذت و شهوت	%۵/۲	%۸۵/۶	%۶/۹
۵	انجام فعالیت های تفریحی و سرگرمی به صورت مختلط	%۵۸/۱	%۲۱/۱	%۱۸/۱
۶	نامزدی با جنس مخالف بدون صیغه محرمیت	%۲۵/۳	%۵۴/۴	%۱۷/۹
۷	خواندن صیغه موقت بین دو جنس بدون اجازه پدر	%۱۵	%۶۳/۴	%۱۸/۹
۸	ناز و عشوه کردن هنگام صحبت با جنس مخالف	%۱۱/۶	%۷۱/۱	%۱۴/۵
۹	گفت و گوی دو جنس در خلوت بدون حضور دیگران	%۳۷/۸	%۴۱/۴	%۱۸/۱
۱۰	رابطه جنسی بدون عقد شرعی	%۵/۹	%۸۳/۹	%۷/۸

در مورد میزان آگاهی دانشجویان از حدود شرعی روابط بین زن و مرد، در مورد گویه های ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹ و ۱۰، رابطه معناداری بین جنسیت و شرعی دانستن آن ها مشاهده می شود. به این معنا که گویه های ۳، ۴، ۷، ۸، ۹ و ۱۰، در نظر پسرها، بیش از دخترها شرعی می باشد. و این درحالی است که گویه "انجام فعالیت های تفریحی و سرگرمی به صورت مختلط"، در نظر دخترها، بیش از پسرها، شرعی به شمار می آید. در مورد رابطه بین شرعی دانستن رفتارهای فوق، و مقطع تحصیلی، تنها در مورد سه گویه تفاوت معنادار مشاهده می شود. یعنی دانشجویان هر قدر سطح تحصیلاتشان بالاتر می رود، بیشتر معتقد می شوند که "انجام فعالیت های تفریحی و سرگرمی به صورت مختلط" و "نامزدی با جنس مخالف بدون صیغه محرمیت" و "راه رفتن و نشستن دو جنس در کنار یک دیگر در محیط دانشگاه بدون قصد لذت و شهوت"، غیر شرعی نیست.

تحقیق دیگری در سال ۱۳۸۵، با عنوان "مناسب سازی روابط دختران و پسران، در محیط های دانشگاهی"، توسط آقایان بهروز نظری، دکتر احسان الله محمدی و میریوسف پیرانی، از جهاد دانشگاهی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و به سفارش نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، به انجام رسیده است. داده های اصلی این تحقیق، از طریق انجام مصاحبه هایی با تعدادی از متخصصین این حوزه، به دست آمده است. نام و سوابق این متخصصین، که مجموعاً در ۵ نشست تخصصی، موضوع روابط دختر و پسر را مورد بررسی قرار داده اند، در جدول زیر آمده است. دیدگاه های این متخصصین یکی از منابع استنادی تحقیق حاضر است.

جدول شماره ۶ - کارشناسان شرکت کننده در میزگردهای تخصصی در حوزه روابط دختر و پسر در تحقیق نظری و همکاران (۱۳۸۵)

ردیف	نام و نام خانوادگی	حوزه تخصصی	سوابق
۱	احراری، فروغ	الهیات	معاون سابق دفتر امور مشارکت زنان
۲	احمدی، علی اصغر	روان شناسی	عضو هیأت علمی گروه روان شناسی دانشگاه تهران
۳	اصغرنژاد، علی اصغر	روان شناسی	عضو هیأت علمی انیستیتو روان پزشکی
۴	ایمانی، محسن	تعلیم و تربیت	عضو هیأت علمی گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس
۵	بهرامی احسان، هادی	روان شناسی	عضو هیأت علمی گروه روان شناسی دانشگاه تهران
۶	تاجیک اسماعیلی، عزیزالله،	برنامه ریزی درسی	عضو هیأت علمی گروه روان شناسی دانشگاه تربیت معلم
۷	خدابخش، روشنگر	روان شناسی	عضو هیأت علمی گروه روان شناسی دانشگاه الزهراء
۸	علیایی زنده شهبین	روان شناسی	عضو هیأت علمی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی
۹	فرهمندپور، فهیمه	الهیات	عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران
۱۰	قوی، نیره	الهیات	مسؤل نهاد ازدواج دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری
۱۱	گودرزی دیباج، مرتضی	جامعه شناسی	مسؤل پژوهشگاه هنر وزارت ارشاد
۱۲	محمدی، احسان الله	پزشکی	محقق در زمینه عصب شناسی و علوم دینی
۱۳	مرادی، علی رضا	روان شناسی	عضو هیأت علمی گروه روان شناسی دانشگاه تربیت معلم
۱۴	نوایی نژاد، شکوه	مشاوره و روان شناسی	عضو هیأت علمی گروه مشاوره دانشگاه تربیت معلم

فصل دوم

انواع روابط دختر و پسر و کارکردهای آن

SCC.ir

رابطه و انواع آن

مقصود از رابطه هرگونه درگیری روانی و رفتاری با هر شیئی یا شخص است. وقتی فکر انسان به چیزی مشغول شده و به لحاظ عاطفی بر روی آن سرمایه گذاری کرده و به دنبال آن، رفتارهایی را در جهت تاثیر گذاری بر روی آن از خود نشان می دهد، با آن شیئی رابطه برقرار کرده است؛ این یک رابطه روانی و رفتاری است. وقتی موضوع این رابطه فردی از جنس مخالف، آن هم قبل از ازدواج باشد، سخن از رابطه بین دختر و پسر است.

رابطه بین دختر و پسر، می تواند در طیفی از فقدان هر گونه مواجهه، تا برقراری رابطه ای همه جانبه و نامحدود، گسترده باشد. هر جامعه ای با توجه به هنجارهای خود، نقطه ای را بر روی این طیف، به عنوان نقطه آغاز ناهنجاری انتخاب می کند؛ از آن نقطه به بعد، رفتار دختر و پسر با یک دیگر، شکل نامقبول و ناهنجار به خود می گیرد. هنجار شکنی در این زمینه، آغازگر آسیب هایی خواهد بود که با درجات کم و زیاد می تواند دامن گیر دختر و پسر در درجه اول و سایر افراد نزدیک به آنان در درجه های بعد باشد. با توجه به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مورد انتظار جامعه که از آن نقطه به بعد، رابطه دختر و پسر را ناهنجار به شمار می آورد، می توان اشکال گوناگون ارتباط آسیب زا را به شکل زیر از یکدیگر تفکیک کرد:

۱ - رابطه یک سویه : با این حال که رابطه، مفهومی دوسویه را القاء می کند، لیکن ضرورتاً چنین نیست. در روابط بین دختر و پسر، گاه رابطه ای یک سویه و بدون آگاهی طرف مقابل شکل می گیرد که می تواند رابطه ای بهنجار یا ناهنجار باشد. وقتی دختر یا پسری، فرد دیگری را دوست دارد، بدون این که آن فرد مطلع باشد، رابطه ای شکل گرفته، لکن تنها یک سو دارد. چنین رابطه ای می تواند در سطح بهنجار باقی مانده و می تواند تبدیل به یک منشاء آسیب زا شود.

اشکال آسیب زای این نوع ارتباط در بین دختران و پسران ایرانی به صورت زیر قابل مشاهده است:

- علاقه مندی و وابستگی عاطفی - در این نوع از رابطه نوجوان، چنان به فرد دیگر علاقه مند می شود که ناگزیر از سرمایه گذاری روانی زیاد بر روی او می شود. درگیری خیالی با تصویر ذهنی او؛ صرف وقت زیاد برای فکر کردن به او و نقشه کشیدن برای نزدیک شدن به وی؛ نوشتن نامه و یا نوشتن متن هایی که در آن ضمن اظهار تنهایی و افسردگی و غم، انتظار رسیدن به معشوق به نوعی موج می زند و نقشه کشیدن برای اقدام عملی در جهت رساندن مقصود و مراد خود به معشوق، از جمله علائمی است که این نوع وابستگی را نشان می دهد.

این نوع وابستگی با این حال که بین دختران و پسران مشترکاً رواج دارد، لیکن فراوانی آن در بین دختران بیشتر است. این نوع وابستگی با یک فراوانی نسبتاً زیاد، متوجه افرادی از هم جنس دختران، خواه از دوستان و دانش آموزان و خواه از معلمین، می شود. این نوع علاقه مندی با اصطلاحات مختلفی از جمله "بارانی شدن"، نامیده می شود.

در مورد ماهیت این نوع وابستگی می توان طیفی از گرایش های کاملا بدنی و جنسی تا گرایش های قلبی و معنوی را یافت. بدیهی است هر قدر گرایش ها متعلق به سطوح پایین تر رشدی باشد، آسیب زایی آن بیشتر خواهد شد (احمدی، ۱۳۸۴ ب).

وقتی این نوع وابستگی از کشش جنسی نسبت به فردی سرچشمه بگیرد، بسیار مستعد آن است که تبدیل به پرخاشگری شود. ناکامی در رسیدن به معشوق، بسیار زود آن را تبدیل به کینه می کند. کینه ها نیز می تواند به اشکال گوناگون برون ریزی شده و افراد گوناگون، از جمله خود فرد را هدف قرار دهد. ما آسیب زایی چنین گرایش هایی را در بحث آسیب های زیستی و در قالب انواع پرخاشگری ها مورد بررسی قرار خواهیم داد.

این نوع وابستگی ها، تا وقتی که جنبه یک سوپیه داشته و واکنش تایید کننده ای از طرف مقابل نداشته باشد، در این دسته قرار می گیرد. بدیهی است که چنین رابطه ای خود منشاء آسیب هایی است که در بخش بررسی آسیب ها، به بحث پیرامون آن خواهیم پرداخت.

- اقدام عملی برای اظهار علاقه مندی و وابستگی - برخی از نوجوانان علی رغم کشش شدید نسبت به فردی دیگر، هرگز جرات اقدام عملی برای نشان دادن گرایش خود را پیدا نمی کنند. هر چند که بارها نقشه می کشند، بارها نامه می نویسند و می خواهند به نوعی آن را به معشوق خود برسانند و حتی ممکن است در باره او با دوست خود نیز صحبت کنند، لکن هرگز این تمایل به عمل منتهی نمی شود. از جایی که نوجوان و یا جوان اقدامی عملی را برای نشان دادن تمایل خود انجام می دهد، این رابطه وارد مرحله ای جدید می شود.

اقدامات عملی در این زمینه به شکل دادن نامه، دادن شماره تلفن، تلفن زدن، بر سر راه معشوق ایستادن، به دنبال او راه افتادن، سوار شدن به اتوبوس و یا وسیله نقلیه ای که معشوق سوار می شود، تلاش برای سر صحبت را باز کردن، دادن هدیه و امثال آن، تجلی پیدا می کند. در این زمینه، گاه برخی از دوستان نوجوان نیز او را یاری کرده و با ایفای نقش های گوناگونی چون پستچی، پیغام گیر و پیغام رسان، واسطه مذاکره و امثال آن، او را یاری می کنند.

چنین رفتارهایی، اغلب همراه با کمی دلپره و گاه هیجان خواهی و نیز بعضا با احساسی از بزرگ شدن و برای خود کسی شدن، مدتی دوام پیدا کرده و سرانجام به خاتمه می رسد.

مشکل در مواردی وجود دارد که فرد با روش های ناپخته و نسنجیده ای به دنبال رساندن پیام خود به طرف مقابل است. خودنمایی برخی از پسران به وسیله انواع وسایل نقلیه از دوچرخه گرفته تا ماشین، که بعضا خطراتی را نیز می آفریند؛ تلاش های گوناگون برای به دست آوردن معشوق با روش های پرخاشگرانه و آسیب زننده، همچون تهدید او و خانواده او و یا آدم ربایی و نیز اجیر کردن دیگری برای ترساندن و یا آسیب زدن به معشوق و امثال این ها، آغازی است برای آسیب زدن به دو طرف. نمونه بارز آن در سال های اخیر پسری بود که در حوالی خیابان دردار تهران، با کمک دوستش، به صورت دختری که خواهان ازدواج با او بوده و با مخالفت پدرش مواجه شده بود و خواهر او، اسید پاشیده و به چهره هر دو آن ها آسیبی جدی وارد کرده بود. این آسیب با اعدام هر دو جوان، به کمال خود رسیده بود.

به هر حال در روابط یک سوپیه، یک طرف گاه با تلاش های ناپخته و نابجا، موجب آسیب زدن به دیگری و آسیب دیدن خود می شود.

۲ - **رابطه دو طرفه**: رابطه وقتی شکل تعاملی به خود می گیرد و دو طرف در آن به نقش آفرینی می پردازند، تبدیل به ارتباط یا مرابطه می شود. معمولاً این گونه روابط از یک رابطه یک سو به آغاز شده و با واکنش متقابل طرف دیگر، به شکل رابطه ای دو طرفه در می آید. این گونه روابط با دو انگیزه کلی ازدواج و دوستی شکل می گیرند. یعنی تعدادی از دختران و پسران با این انگیزه که می خواهند با یک دیگر ازدواج کنند، دست به برقراری ارتباط می زنند و تعدادی نیز با نام دوست شدن با یک دیگر دست به این کار می زنند. هر قدر برقراری ارتباط قبل از ازدواج در نزد دختر و پسر، از قباحت بیشتری برخوردار باشد، آنان بیشتر تمایل دارند ارتباط خود را با طرح انگیزه ازدواج در آینده ای نزدیک، دست کم برای خود تطهیر کنند؛ و هر قدر برقراری چنین رابطه ای در نزد آن دو، از قباحت کمتری برخوردار باشد، بیشتر تمایل پیدا می کنند که بر رابطه خود نام دوستی بگذارند. نکته قابل توجه این است که در سال های اخیر نسبت بیشتری از این گونه روابط به صراحت به عنوان دوستی بین دو جنس نامیده می شود، در حالی که در گذشته وقتی ارتباط بین دختر و پسر برقرار می شد، طرفین با طرح انگیزه ازدواج، سعی می کردند، جنبه مثبت عمل خود را نشان داده و یا به بیان روشن تر، عمل خود را برای خود، توجیه کنند. این خود یک تغییر در هنجارهای موجود در بین نوجوانان را نشان می دهد.

حد و عمق رابطه نیز در بین افراد گوناگون متفاوت است. برخی از روابط در حد صحبت تلفنی و یا ملاقات های کوتاه مدت و برخی موارد رد و بدل کردن نامه و امروزه رد و بدل کردن پیام های کوتاه (SMS) و یا انواع ارتباطات رایانه ای از پست الکترونیک (E-MAIL) گرفته تا چت و وبلاگ نویسی، محدود می شود؛ و برخی از روابط نیز بسیار پیشرفت کرده و گاه تا برقراری روابط کامل زناشویی پیش می رود. بدیهی است هر قدر این روابط از گستردگی و عمق و در عین حال پنهان کاری های بیشتری برخوردار باشد، آسیب زایی آن نیز بیشتر خواهد بود. چنان که بعداً نیز خواهیم گفت این گونه روابط متمرکز خواهد شد بر صدمه دیدن بنیادهایی که انسان را از رسیدن به یک زندگی کیفی و عمیق باز خواهد داشت. اگر برای انسان زندگی ایده آلی در این دنیا و در آخرت، وجود نداشت، نمی توانستیم چنین رفتارهایی را آسیب زا به شمار آوریم.

در برقراری چنین رابطه هایی، به تفاوت نگرش دختر و پسر باید توجه داشت. اغلب دختران با یک نگرش عاطفی و با امیدواری به شکل گیری یک زندگی رضایت بخش در آینده، به موضوع نگاه می کنند؛ در حالی که پسران بیشتر به گذران زمان حال و لذت بردن از این لحظات، متمرکز هستند. پسران در صحبت های خود اغلب در همراهی کردن با دختر، آرزوهای او مبنی بر تشکیل زندگی و ازدواج را مورد تایید قرار می دهند، لکن این تایید یک کنش واقعی فکری نیست، بلکه واکنشی است در مقابل آرزوهای دختر. بسیاری از همراهی های فکری و عاطفی پسران با دختران، در مرحله نیازمندی پسر به دختر، همین ویژگی را دارد. حتی در مراسم خواستگاری، در صورت شدت یافتن نیاز پسر به دختر، بسیاری از همراهی او، حتی بدون خودآگاهی او، جنبه واکنشی دارد، و از تفکرات عمقی وی سرچشمه نمی گیرد.

با چنین ویژگی، در این جا این دختر است که اغلب بازیچه پسر واقع شده و بعد از یک خوردگی جدی رها شده و با مشکلات خود باقی می ماند. همین پسری که در زمان نیازمندی خود به دختر، نه تنها نعمه های عاشقانه سر می داد، که خود را آماده پاکبازی تا حد جانبازی نشان می داد، به هنگام مواجه شدن با کوچک ترین مشکلات از قبیل مخالفت خانواده اش با ازدواج با دختر مورد علاقه اش، به سادگی پا پس کشیده و با انواع توجیه ها، خود را بی تقصیر نشان می دهد. چنین پسرهایی، گاه پس از انجام ازدواجی که

خانواده اش برایش تعیین کرده اند، باز به سراغ دوست دختر سابقش رفته و از او تقاضای ادامه ارتباط می کند؛ جالب این که بسیاری از دختران، باز فریب وعده های پسر را خورده و به امید برهم خوردن ازدواجی که انجام گرفته است، به برقراری ارتباط با او ادامه می دهند.

تفاوت نگرش زن و مرد به موضوع رابطه، تنها در بین دختران و پسران مشاهده نمی شود، بلکه پدیده ای است مستمر که دامن زنان و مردان را در مراحل بعد در جوانی و میان سالی نیز می گیرد. متأسفانه برخی از زنان، به ویژه آنانی که زندگی زناشویی مستحکمی را بنا نکرده اند، و در عین زندگی با همسر خویش و یا پس از جدایی از او و یا مرگ او، آماده برقراری رابطه با مردان دیگر هستند، این آسیب را مکرراً می خورند. آنان در انتظار دریافت محبت و عواطف مثبت از طرف مرد، به او نزدیک می شوند و خود را در اختیار او می گذارند، در حالی که مرد با گرفتن کام جنسی از زن، او را رها کرده و به دنبال کار خویش می رود. چنین مردانی، در حال شدت یافتن نیاز جنسی خود، نغمه های عاشقانه سر می دهند و همین نغمه ها، زن را فریب می دهد؛ لیکن تعبیر و الفاظ عاشقانه تا زمانی ادامه پیدا می کند که نیاز جنسی مرد مرتفع نشده است؛ به محض برطرف شدن نیاز جنسی، دیگر خبری از این الفاظ عاشقانه نیست؛ و نه تنها از الفاظ عاشقانه خبری نیست، که الفاظ پرخاشگرانه و تحقیرآمیز جای آن را می گیرد.

۳ - رابطه چند جانبه: این نوع رابطه نوع پیچیده ای از روابط دو جانبه است. با پیشرفت هنجار شکنی در روابط دختر و پسر، گاه یک دختر با چندین پسر به طور همزمان طرح دوستی ریخته و یا یک پسر به شکل متقابل با چندین دختر رابطه دوستی برقرار می کند. ویژگی مهم این نوع ارتباط ها پنهان کاری هریک از این روابط از دیگری است. برخی از نوجوانان با هوشمندی های خاصی، ضمن داشتن رابطه دوستی با یک فرد، افراد دیگری را هم در این رابطه وارد کرده و در زمان واحد با چندین نفر رابطه دوستی برقرار می کنند.

مسلم است که این نوع دوستی ها هر قدر متعددتر و متکثرتر باشد، از عمق و عواطف کمتری برخوردار خواهد بود. از خواص دیگر این دوستی ها، مهارت بخشیدن به نوجوان در زمینه ایفای نقش های چندگانه، دروغ گویی های مکرر، تنوع طلبی در استفاده از امتیازات طبیعی جنس مخالف و عادت به هنجار شکنی های اجتماعی است.

۴ - گروه و باند: برخی از نوجوانان به دلایل عدیده ای روابط خود با غیر هم جنس را با تشکیل گروه هایی که اهدافی فراتر از برقراری رابطه با جنس مخالف دارد، دنبال می کنند. رابطه با جنس مخالف در این گروه ها، یکی از شرایط یا یک ویژگی لاینفک گروه است. به عبارت دیگر در بررسی روابط دختر و پسر در این گروه ها، باید آن را در قوانین حاکم بر گروه جستجو کرد، نه در رابطه جنسیتی بین آن ها.

تعدادی از نوجوانان به دلایل گوناگونی چون بریدگی از خانواده، بی پناهی و سرگردانی، سرخوردگی های اجتماعی و تحصیلی، بی هدفی و گم گشتگی هویت و دلایلی مشابه، گرد یک دیگر جمع شده و گروه هایی را تشکیل می دهند. این گروه ها، گاه با الگو گیری از گروه های خارجی، با عاریه گرفتن نام ها و اهداف مشابهی از آن ها، به فعالیت خود ادامه داده و گاه به شکل خود جوش فعالیت ها و اهدافی را برای خود تعیین کرده و با تعیین ضوابطی برای خود، به فعالیت می پردازند. پایبندی به گروه و رازداری و همکاری نکردن با دیگران از جمله همکاری نکردن با پلیس، یکی از ویژگی های مشترک این گونه گروه هاست. اصطلاح آدم فروشی در نزد آن ها، قابل قیاس با کفر در نزد مومنان است. برای گروه های خشن و پرخاشگر،

آدم فروشی و خیانت، در حکم مهدورالدم بودن است. ریختن خون چنین افرادی، در نزد چنین گروه هایی، نه تنها مباح، که واجب است.

بررسی های گوناگونی که بر روی چنین گروه هایی، در شهر هایی مانند تهران انجام گرفته است، دسته های مختلفی را مورد شناسایی قرار داده است. آقای مجید ابهری در کتاب علل و عوامل بروز آسیب های اجتماعی و راه کارهای مقابله با آن، دسته هایی از گروه های موجود در خیابان های تهران را چنین توصیف می کند: "کودکان در خیابان . این گونه کودکان معمولاً در طول روز در خیابان هستند و شب ها به خانه بر می گردند. در ایران این گروه با اصطلاحاتی نظیر بچه های پارک، بچه معروف، بچه های کلوپ باب شده اند.

بچه های پارک بیشتر اوقات خود را در پارک های بزرگ و معروف مثل لاله، ساعی، جمشیدیه، قیطریه به سر می برند. این گروه به دو بخش کاسب و کارگزين (رابط) تقسیم می شوند.

بچه معروف، نوجوانانی هستند که اغلب از وضع اقتصادی خوب و بعضاً عالی برخوردارند و بیشتر اوقات با لباس های شیک و خارجی و مد روز و پول توجیبی فراوان و سوار بر ماشین های گران قیمت و مدل بالا، در بالای شهر جولان داده و کورس می گذارند یا در پاساژها و اماکن تجاری ویا کافی شاپ ها پرسه می زنند.

بچه های کلوپ معمولاً متعلق به خانواده های بسیار ثروتمند، اما متزلزل و ناسازگار هستند. تربیت آن ها مبتنی بر رفاه بیش از حد و عدم تنبیه کودک است. از دید خانواده های این کودکان، همه چیز را می توان با پول خرید و ناسازگاری یا مشکلات روحی و روانی کودک را با دادن امتیازات و امکانات زیاد پاسخ داد" (ابهری، ۱۳۸۰).

در کنار این گروه ها، گروه هایی نیز وجود دارند که کودکان و نوجوانان فراری و بی سرپرست را سازماندهی کرده و برای مقاصد خاصی مورد استفاده قرار می دهند. اخبار گوناگونی که در نشریات مختلف از این نوع فعالیت ها وجود دارد دال بر وجود این نوع گروه هاست.^۲

در بین این گروه ها، وجود رابطه های دوجانبه و چند جانبه بین دختران و پسران امری عادی است. در اصل آسیب ناشی از روابط بین دوجنس، در میان اعضا این گروه ها، بخشی از آسیب اجتماعی و روانی است که متوجه آنان می شود.

کارکردهای روابط دختر و پسر

عواملی که موجب شکل گیری دوستی ها، بین دو جنس می شود، برای بررسی، دارای ابعاد و مناظر گوناگونی است. این عوامل بعضاً برانگیزاننده ای پیش آیندی و بعضاً عواملی پس آیندی هستند؛ تعدادی از آن ها نیز زمینه ای هستند که فراهم کننده تسهیلاتی برای این دوستی ها می باشند. ما قبل از آن که در مورد انگیزه ها و عوامل پیش آیندی و زمینه ساز صحبت کنیم، قصد داریم در مورد نتایج یا کارکردهای دوستی ها که به صورت پس آیندی از دوستی ها عمل می کنند، سخن بگوییم.

^۱ - Children on the street

یکی از معانی کارکرد، نتیجه و برآیندی است که از وجود چیزی حاصل می شود. وقتی کاری انجام می گیرد و یا چیزی تولید می شود و یا به کار گرفته می شود، از همه آن ها، انتظار نتیجه ای می رود. همین نتیجه، کارکرد آن کار یا آن چیز خواهد بود. با این تفسیر، باید از خود پرسیم، کارکرد دوستی های دختران و پسران چیست؟ یا به عبارتی باید پرسیم که دختران و پسران از این دوستی ها چه نتیجه ای می گیرند؟ در پاسخ به چنین سؤالی، قطعاً دو دسته از نتایج را می توان تصور کرد؛ اول نتایج مثبت و مطلوب، دوم نتایج و پی آمدهای منفی و نامطلوب. واضح است که بدون وجود نتایجی مطلوب و دلنشین، دوستی ها نمی تواند شکل بگیرد. این دوستی ها در قدم اول حاوی همین نتایج مطلوب است؛ و این نتایج چنان قوی هستند که در بسیاری مواقع، پی آمدهای منفی آن، که بعدها بروز خواهد کرد را در نظر جوانان پنهان و بی اثر جلوه می دهد.

با توجه به این تقسیم بندی، ما نتایج و پی آمدهای مطلوب را تحت عنوان کارکردهای دوستی ها و نتایج و پی آمدهای منفی آن را تحت عنوان آسیب شناسی روابط دختر و پسر مورد بحث قرار خواهیم داد. به این ترتیب در این جا بحث پی آمدهای مطلوب، با همین عنوان، یعنی کارکردها مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. پی آمدهای منفی یا آسیب شناسی روابط نیز در فصلی مجزا مورد تجزیه و بررسی قرار خواهد گرفت. مهمترین کارکردهای دوستی های دختران و پسران عبارتند از:

۱ - احساس آرامش - انسان با ورود به دوره نوجوانی، به دلیل تغییرات گسترده ای که در جسم و روح او به وقوع می پیوندد، دچار آشفتگی ها و سرگشتگی های گوناگونی می شود. دوره نوجوانی، به دلیل همین تغییرات، دوره ای است همراه با بهم خوردن تعادل های رفتاری و روانی که متناسب با آن دوره و کاملاً طبیعی و بهنجار است.

این آشفتگی و بهم خوردن تعادل، برای خود نوجوان از یک سو و برای مربیان از سوی دیگر، انواعی از ناآرامی و نگرانی را به دنبال دارد. نوسان های رفتاری و خلقی، شرایطی ناپایدار و شکننده و گاه متشنج را بر نوجوان و اطرافیان، تحمیل می کند. از این روست که دوره نوجوانی، از طرف مربیان و والدین، دوره ای ناآرام و متشنج، همراه با عصبانیت و پرخاشگری توصیف می شود.

یکی از پی آمدهای دوستی های بین دو جنس در این دوره، کسب آرامشی موقت است. نوجوان ناآرام و سرکش و طغیانگر، وقتی دوستی از جنس مخالف پیدا می کند، به آرامشی می رسد که در درجه اول برای خودش مایه راحتی و در درجه بعد برای خانواده موجب سکونی بعد از یک طوفان است. مادران بسیاری هستند که بعد از تحمل ناسازگاری های طولانی مدت پسر یا دختر نوجوانشان، وقتی او دوستی از جنس مخالف می گیرد، او را بسیار آرام توصیف می کنند؛ همین نکته باعث می شود که بعضی از مادران، زمینه های لازم برای ادامه ارتباط فرزندشان با دوست دختر و یا پسرش را به امید استمرار این آرامش، فراهم می آورند.

چنین دوستی در این شرایط، حکم مُسکِنی را دارد که بعد از یک دوره طولانی، به دردی که تحمیل شده بوده پایان داده است. همان گونه که از داروی مُسکِن، انتظار درمان نمی رود، در مورد این آرامش نیز نمی توان انتظار پایداری و دوام داشت، زیرا طولی نمی کشد که پی آمدهای منفی این ارتباط، ناآرامی های پیشین را تشدید می کند

۲ - احساس معنوی - یکی دیگر از پی آمدهای مطلوب این دوستی ها، احساسی از معنویت و نزدیکی به خداست. برخی از نوجوانان، به ویژه دختران، گزارش می کنند که بعد از آشنایی با فلان پسر یا

دختر، احساسی از معنویت و نزدیک شدن به خدا را در خود یافته اند. چنین احساسی، گاه با شدت گرفتن و زیاد شدن عبادات همراه است. در چنین شرایطی دختر یا پسر به طرف اعمالی چون نمازها و روزه های مستحبی کشیده می شود.

چنین احساسی، ناشی از جهت یافتن بسیاری از نیروهای غریزی است که پیش از این در وجود فرد، حالت سرگردان داشته و با این آشنایی به شکلی سامان یافته در می آیند. همان احساسی که در بسیاری از جوانان با ازدواج به وجود می آید.

چنین احساسی نیز، به دلیل ناپایداری این گونه ارتباطات، از دوام زیادی برخوردار نیست.

۳ - شناخت متقابل - از پی آمدهای دوستی ها، رسیدن به نوعی شناخت از جنس مخالف است.

بالاخره هرآشنایی، به دنبال خود نوعی شناخت را به همراه خواهد داشت. این شناخت، در درجه اول متوجه گسترده تر شدن میدان ارتباطی نوجوان با دیگران است. نوجوان با وارد شدن به حیطه های مختلف اجتماعی، احساسی از بزرگ تر شدن و یافتن ارتباطات جدید را تجربه می کند. علاوه بر گستردگی ارتباطات، شناخت پیدا کردن نسبت به جنس مخالف نیز از این طریق امکان پذیر می شود. همان چیزی که برخی از افراد، برای توجیه ضرورت ارتباط بین دو جنس، مطرح می کنند.

لازم به ذکر است که شناخت های حاصل از این ارتباط، شناخت های معتبری به شمار نمی آیند و نمی توان بر اساس چنین شناخت هایی، تصمیم های درستی اتخاذ کرد.

علاوه بر کارکردهای فوق، کارکرد های دیگری را نیز می توان برای این دوستی ها برشمرد، که برخی از آنها در جدول شماره ۷، آمده است. مهمترین این کارکردها، که در آن جدول به شکلی مخلوط با علل روان شناختی دوستی ها آمده است عبارتند از: رهایی از افسردگی؛ به دست آوردن وجهه اجتماعی در میان اطرافیان؛ رسیدن به آرامش روحی و روانی؛ کسب تجربه از بودن با جنس مخالف؛ هم رنگ جماعت شدن و دور ماندن از تمسخر و ریشخند دیگران؛ برطرف کردن نیازهای جنسی؛ خوشگذرانی و شاد بودن؛ رهایی از تنهایی

علل و عوامل مؤثر بر دوستی های دختران و پسران

علت یا علل شکل گیری دوستی ها بین دو جنس، از جمله مباحثی است که برای شناخت این پدیده می باید مورد بررسی قرار گیرد. این دسته علل و عوامل، نقش پیش آیندی یا زمینه ساز در دوستی ها را ایفا می کنند. یکی از تفاوت های مهم عوامل پیش آیندی با کارکردها در این است که کارکردهای مثبت و مطلوب، اغلب جنبه آگاهانه دارند، لیکن علل و عوامل پیش آیندی ضرورتاً به آگاهی فرد در نمی آیند. ممکن است دختر و یا پسری، تاحدودی از پیش آیندهای رفتار خود آگاهی داشته باشد، لیکن این آگاهی لازمه شکل گیری آن رابطه نخواهد بود. بسیاری از دختران و پسرانی که بدون آگاهی از علل و عوامل برانگیزاننده دوستی ها، اقدام به برقراری این دوستی ها می کنند. همین افراد آگاهی خوبی نسبت به نتایج مثبت و مطلوب این دوستی ها دارند.

داده هایی که در برای بررسی علل و عوامل به وجود آورنده دوستی ها، در دست است، از منابع گوناگونی به دست آمده است. به لحاظ پژوهش میدانی، یکی از آن ها، تحقیق نگرش سنجی است که آقای حاجیلری (۱۳۸۴) انجام داده است. خلاصه ای از این پژوهش در زمینه علت برقراری دوستی ها به شرح زیر است:

در زمینه انگیزه دوستی ها، ۱۴/۸ درصد دانشجویان در حد خیلی زیاد و ۲۴/۴ درصد نیز در حد زیاد، رهایی از افسردگی را انگیزه دوستی ها به شمار آورده اند. وجود امکان ازدواج با فرد دلخواه در آینده نیز انگیزه حدود ۴۰ درصد از کسانی که دوستی از جنس مخالف دارند را تشکیل می دهد (۱۵/۱ درصد در حد خیلی زیاد و ۳۰/۸ درصد نیز در حد زیاد). به همین ترتیب به دست آوردن وجهه اجتماعی، با ۲۴/۲ درصد (۷/۲ درصد در حد خیلی زیاد و ۱۷ درصد نیز در حد زیاد) رسیدن به آرامش روحی و روانی، با ۴۰/۳ درصد (۱۵/۱ درصد در حد خیلی زیاد و ۲۵/۲ درصد نیز در حد زیاد) کسب تجربه از بودن با جنس مخالف، با ۴۵/۲ درصد (۱۷/۲ درصد در حد خیلی زیاد و ۲۸ درصد نیز در حد زیاد) هم رنگ جماعت شدن و دور ماندن از تمسخر و ریشخند دیگران، با ۱۳/۹ درصد (۴/۳ درصد در حد خیلی زیاد و ۹/۶ درصد نیز در حد زیاد) برطرف کردن نیازهای جنسی، با ۲۵ درصد (۹/۵ درصد در حد خیلی زیاد و ۱۵/۵ درصد نیز در حد زیاد) خوشگذرانی و شاد بودن، با ۴۰ درصد (۱۵ درصد در حد خیلی زیاد و ۲۵ درصد نیز در حد زیاد) رهایی از تنهایی، با ۴۵/۶ درصد (۱۹/۸ درصد در حد خیلی زیاد و ۲۵/۸ درصد نیز در حد زیاد)، در برقراری دوستی ها در دانشگاه مؤثر دانسته اند. خلاصه علل دوستی ها در بین دانشجویان را می توان در جدول زیر مشاهده کرد:

جدول شماره ۸ - علل برقراری رابطه دوستی بین دانشجویان دختر و پسر

ردیف	پسرها	دختران	علل برقراری رابطه دوستی با جنس مخالف در میان دانشجویان
۱	۱۴/۸٪	۲۴/۴٪	رهایی از افسردگی
۲	۱۵/۱٪	۳۰/۸٪	وجود امکان ازدواج با فرد دلخواه در آینده
۳	۷/۲٪	۲۴/۲٪	به دست آوردن وجهه اجتماعی در میان اطرافیان
۴	۱۵/۱٪	۴۰/۳٪	رسیدن به آرامش روحی و روانی
۵	۱۷/۲٪	۴۵/۲٪	کسب تجربه از بودن با جنس مخالف
۶	۴/۳٪	۱۳/۹٪	هم رنگ جماعت شدن و دور ماندن از تمسخر و ریشخند دیگران

۷	برطرف کردن نیازهای جنسی	%۹/۵	%۱۵/۵	%۲۵
۸	خوشگذرانی و شاد بودن	%۱۵	%۲۵	%۴۰
۹	رهایی از تنهایی	%۱۹/۸	%۲۵/۸	%۴۵/۶

آزمون استنباطی نشان می دهد که عوامل فوق، به استثنای عامل دوم، برای برقراری رابطه با جنس مخالف، در میان مردان به شکل معناداری مؤثرتر از زنان است. این آزمون ها نشان داده است که در مورد وجود امکان ازدواج با فرد دلخواه در صورت برقراری ارتباط، تفاوت معناداری بین دختران و پسران وجود ندارد. هم چنین بررسی های تکمیلی نشان می دهد که دو عامل "همرنگ جماعت شدن و دور ماندن از تمسخر و ریشخند دیگران" و نیز "به دست آوردن وجهه اجتماعی در میان اطرافیان"، رابطه معناداری با سطح تحصیلی دانشجویان دارد. یعنی هر قدر سال های تحصیلی دانشجویان بالاتر می رود، مدخلیت این دو عامل در برقراری رابطه با جنس مخالف نیز بیشتر می شود. بقیه عوامل، رابطه معناداری با سطح تحصیلی دانشجویان ندارد.

در تحقیق بالا نمی توان آن چه که به دست آمده است را به عنوان تنها علل یا انگیزه های حقیقی برقراری دوستی ها به شمار آورد؛ علت این نکته در چند چیز است. اول این که تحقیقات نگرش سنج نشان گر کل حقیقت نیستند، بلکه تنها بیان گر دیدگاه گروهی هستند که به عنوان نمونه انتخاب شده اند. دوم این که وقتی پرسشنامه به شیوه بسته تهیه می شود، پاسخ دهندگان تنها در چارچوب همان گویه ها پاسخ می دهند، نه به شکل بیان تمامی واقعیت. سوم این که گویه های موجود در جدول فوق، از هم پوشی بالایی برخوردار است. به عبارت دیگر از داده های این جدول نمی توان سهم هر یک از عوامل را در شکل گیری دوستی ها استنباط کرد و چند عامل می تواند در آن واحد، علت یک دوستی به شمار آید.

علاوه بر این داده ها، دیدگاه های کارشناسی و نیز داده های بالینی، مجموعه ای از علت ها را نشان می دهد که می توان آن ها را در دسته بندی خاصی ارائه کرد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که در برقراری دوستی بین دختران و پسران، عوامل و علل گوناگونی نقش آفرینی می کنند. برخی از علل، جنبه روان شناختی داشته و از درون، فرد را به برقراری دوستی ها سوق می دهند. این دسته از عوامل، تشکیل دهنده علل روان شناختی دوستی ها هستند. تعدادی از همین عوامل، جنبه بهنجار و طبیعی داشته و برخی دیگر جنبه مرضی دارند. علاوه بر علل روان شناختی مستقیم، برخی از زمینه ها و مکانیزم های روان شناختی نیز به کمک تبیین این دوستی ها می آیند. ما این دسته از عوامل را مکانیزم های کمک کننده برای برقراری دوستی ذکر کرده ایم. بجز این موارد، زمینه های فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر این دوستی ها را نیز نباید از یاد برد. به این دسته از عوامل نیز در دنبال علل و عوامل مؤثر بر دوستی های دختران و پسران خواهیم پرداخت.

علل روان شناختی بهنجار

۱ - **غریزه جنسی** - مهمترین عامل گرایش دو جنس به یک دیگر، غریزه جنسی است. در هسته مرکزی این غریزه، نیاز دو جنس برای تماس بدنی و ارضا حاصل از آن قرار دارد. به رغم مرکزیت چنین

رفتاری، در انسان غریزه جنسی تنها به این رفتار محدود نمی شود. در انسان طیف گسترده ای از نیاز، اعم از نیازهای بصری، سمعی، لمسی، عاطفی و حتی شناختی، تشکیل دهنده این غریزه هستند. به عبارت دیگر غریزه جنسی در انسان، هم به لحاظ تنوع رفتاری و هم به جهت گستره زمانی، با آن چه در حیوان ها شاهدیم، بسیار متمایز و متفاوت است.

این غریزه نیروی بسیار زیادی را برای گرایش دو جنس به سمت یک دیگر ایجاد می کند؛ و طبیعی است که انسان برای پاسخ گویی به آن، از رفتارهایی طبیعی بهره گیری کند و این گرایش خدادادی را به شکلی سازنده، بادوام، روبه رشد و لذت بخش، تا پایان عمر ادامه دهد. چنین فرایندی نیازمند مراقبت و رعایت نکاتی است که می توان از آن با عنوان بهداشت جنسی نام برد.

به رغم طبیعی و سازنده بودن این غریزه در زندگی انسان، در جامعه ما، به ویژه در شهرهای بزرگ و نقاطی که امکان پرده پوشی ها و پنهان کاری ها زیاد است، لایه هایی از رفتارهای به ظاهر مخفی شکل گرفته است که موجب نوعی بی هنجاری در بروز رفتار جنسی شده است. بسیاری از نوجوانان و جوانان کشور ما، به دلیل عدم برخورداری از آموزش مناسب در این زمینه، نگرش های نابهنجار و مخربی را در مورد رفتار جنسی، شکل داده اند که در بسیاری مواقع، موجب آسیب پذیری و آسیب دیدگی خود و سایرین شده است. در یک روند پنهان، غریزه جنسی، با مفاهیمی چون قدرت، تجدد، زرنگی، جذابیت، انتقام و پرخاشگری، گره خورده است. آمیزش غریزه جنسی با این مفاهیم، موجب شده رفتارهای گوناگونی از نوجوانان و جوانان، در زمینه رفتار جنسی به ظهور برسد که بسیاری مواقع، ماهیت و کیفیت طبیعی غریزه جنسی را به کلی دگرگون کرده است. برای مثال، داشتن رفتار جنسی بدون لذت بردن از آن، در شرایطی کاملاً نامطلوب، از جمله این پدیده هاست. زنان و دخترانی با مراجعه به کلینیک، گزارش از برقراری رابطه های مکرر جنسی می دهند، بدون این که هیچ گونه بهره مادی و یا بدنی و یا رضایت روانی برای آنان در بر داشته باشد. این افراد، خود را فریب خوردگانی توصیف می کنند که جز عذاب وجدان، احساس گناه و احساس طرد شدگی، نصیبی نبرده اند. جالب این جاست که چنین افرادی باز در معرض فریب خوردن و مورد سوء استفاده قرار گرفتن مجدد و مکرر، قرار دارند. این خود، نمونه ای است از دور شدن غریزه از هدف طبیعی و اصلی خود.

نمونه ها و شواهد بسیاری از نابهنجاری، و بهتر است بگوییم بی هنجاری در رفتار جنسی، از طریق کسانی که به اشکال گوناگون با رفتار جنسی نوجوانان و جوانان مواجه هستند، گزارش می شود. موردی که به شکل یک پژوهش زمینه یاب، انجام گرفته است را دکتر عزیزالله تاجیک اسماعیلی، این گونه گزارش می کند:

" ما آمدم در این چارچوب یک کاری انجام دادیم. وارد فضای مجازی و چت شدیم و با حدود ۲۰۰ نفر، به عنوان یک فرد چت کردیم. حالا اگر طرف دختر بود سعی می کردیم پسر باشیم. و اگر طرف پسر بود، سعی می کردیم دختر باشیم، و با او طوری چت کنیم که بکشونیمش به مسایل جنسی. می خواستیم ببینیم، در فضای ذهنی جوان ها چقدر این مسأله می تونه نگران کننده باشه. جالبه که یک چیزی حدود ۷۰ یا ۷۵ درصد، از دخترها و چیزی حدود ۸۰ یا ۸۵ درصد از پسرها (آمارها را دقیقاً حفظ نیستیم)، گفته بودند به نحوی با جنس مخالفشون، ارتباط دارند. و خیلی از این ها، گزارش هایی از نوع روابط، داده بودند که از نظر روش شناسی، ما می گیم، غیر واقعیست یعنی دروغه؛ حداقل ۳۰ یا ۳۵ درصد این ها، نوع ارتباطاتی که می گویند دروغه. اما از یک نظر جالبه، چرا وقتی جوان و نوجوان ما، وارد فضای چت می شه، و دروغ می گه دروغی می گه که از نظر تجربیات جنسی، احساس بکنه که از دیگران عقب نمونده. نمیداد با شهامت بگه من آدم

سالمی هستیم. من آدمی هستم که ارزش های اخلاقی دارم. تک و توک داشتیم دخترهایی را که می گفتن ما روابط هم جنس بازانه داریم برای این که به پسرها اعتماد نداریم. پسرها از ما سوء استفاده می کنند ولی روابط خودمون رو داریم. ببینید این فضا، یک نوع جهت گیری و یک تمایل رو نشون می ده که اصلاً ممکنه واقعیت نباشه، بخش عمده اش رؤیا بافی و تخیل است، ولی وجود یک چنین تخیلی، در جامعه، نگران کننده است. این حکایت از این دارد که شما ببینید پسر و دخترتون، وقتی وارد فضاهایی می شه، که می تونه از کنترل خارج بشه، هویتش نظام ارزشی اش طور دیگری شکل می گیره. (تاجیک اسماعیلی، به نقل از نظری و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۸۰)

شکل گیری رفتارهای نابهنجار در میان جوانان و نوجوانان، ناشی از عدم وجود آموزش صریح و روشن در این زمینه است. علاوه بر عدم آموزش، عدم مواجهه نظام دار و کارشناسانه با جرایمی که در این زمینه ها وجود دارد، خود موجب گسترش انواعی از نابهنجاری در رفتار جنسی شده است. نمونه ای از این رفتارها را که می توان آن را نوعی هرجایی گری مردانه نامید، در حال گسترش روزافزون در جامعه است.

در شهرهای بزرگ، به خصوص در تهران تعداد زیادی مرد پیدا شده اند که به یک زیادت طلبی بیمارگونه در روابط جنسی روی آورده اند. آنان تقریباً به هیچ چیزی جز تکثر در ارتباط جنسی نمی اندیشند. از مهمترین خصوصیات این افراد این است که در طول روز با هر زن و دختری که مواجه می شوند، با ظاهری آراسته و زن پسند، با الفاظی دل فریب برای زنان، و در صورت لزوم یاری رساندن های کوچک به آنان، در صدد آشنا شدن با آنان بر می آیند. این گروه از مردان، از اظهار عشق و نیز تعریف و تمجید از زیبایی ها و نجابت آن دختر و زن، کم نمی گذارند. در بسیاری موارد، همین مقدار از تعریف و تمجید و زبان بازی، زنان و دخترانی را فریفته و آنان را به برقراری تماس های بعدی متمایل می سازد. در صورت لزوم این مردان برای رسیدن به مقصود خویش، از تماس های مکرر بعدی نیز ابایی ندارند. خود را مجرد و طالب ازدواج معرفی کردن نیز شگرد دیگر این افراد است. تمامی این تلاش ها به آن جایی ختم می شود که آن دختر یا زن می پذیرد که به خانه آن مرد برود. ورود او به آن خانه، آغاز تلاش مرد برای برقراری رابطه جنسی با آن زن است. البته ابتدا با رفتارهای زن پسند، و بعد از آن در صورت لزوم استفاده از زور و خشونت. چهره این مردان در این حالت، چهره ای کاملاً متفاوت از چهره ای است که تا قبل از آن از خود نشان می دادند. بسیاری از این مردان، تنها با یک بار برقراری رابطه جنسی به مقصود خود می رسند؛ هر چند که ممکن است بعضی از آنان این رابطه را چند بار دیگر تکرار کنند. لیکن هدف همین برقراری ارتباط جنسی با یک زن است. بعد از این ارتباط، آن زن به شکل توهین آمیزی طرد شده و مورد بی توجهی قرار می گیرد. از آن پس چنین زن و دختری، دیگر امکان برقراری تماس با آن مرد را نمی یابد. مرد هدفش از این ارتباط تنها گرفتن یک کام جنسی از این زن یا دختر است و بس.

متأسفانه تعداد مراجعین زن یا دختری که این گونه مورد سوء استفاده قرار گرفته اند، روز به روز در حال افزایش است. یکی از این نمونه ها، دختری ۲۴ ساله و کارمند بانک است که تا کنون توسط چهار مرد، آن هم با شگردی واحد، فریب خورده و توسط آنان مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته است. این دختر در تمامی موارد، در آرزوی یافتن همسری مورد اطمینان و اتکا، تحت تأثیر الفاظ و رفتار ظاهری این مردان قرار گرفته و علی رغم خوشایند نبودن آن مردان، بالاخره سر از خانه آنان در آورده است. از آن جایی که چنین مردانی می دانند که چنین دخترانی، به دلایل عدیده، از جمله ترس از آبروی خویش، اقدام به شکایت و طرح

دعوا نخواهند کرد، لذا آنان را شکارهای بی خطری می دانند، و رفتار خود را به شکلی نسبت واحد، ادامه می دهند.

نمونه دیگری از این موارد، زنی حدوداً چهل ساله و بیوه است که تا کنون توسط چندین مرد، با همین شگرد فریب خورده و سر از خانه آنان در آورده است. او نیز بدون این که خود لذتی برده باشد، یک یا چند بار مورد سوء استفاده این مردان قرار گرفته و سپس به شکلی بسیار توهین آمیز، طرد شده است. جالب این جاست که چنین مردانی، شکارهای خود را پس از استفاده، به افرادی چون خود، ارجاع می دهند. همین زن در چند مورد، توسط دوستان و یا فامیل های مردان قبلی مورد سوء استفاده قرار گرفته است. وجود چنین مواردی، موجب نوعی بی هنجاری در زمینه تشخیص مرز سلامت و روسپیگری شده است. زنی که مکرراً خود را تسلیم لذات مردان می کند، از کجا به بعد نام روسپی به خود می گیرد؟ این گونه زنان، هر چند که هر از گاهی، در مورد خود شائبه هرزگی را مطرح می کنند، لیکن خود را روسپی به شمار نمی آورند. به شمار آوردن یا نیاوردن خود به عنوان روسپی، نمی تواند فرد را با این عنوان مشخص کند یا نکند. به هر حال وجود مواردی این گونه در جامعه، خود بر بی هنجاری در زمینه رفتارهای جنسی، بیش از پیش دامن می زند.

شکل گیری رفتار این مردان، از چهار مرحله مشخص تشکیل می شود: ۱ - **دام گستری**؛ شامل برقراری ارتباط کلامی، برخورد بسیار محترمانه و تحسین انگیز، اجازه خواستن برای برقراری ارتباط مجدد و گاه خرید یک هدیه و یا یک وسیله مورد نیاز زن یا دختر. ۲ - **تسلیم**؛ در این مرحله زن یا دختر، نشانه هایی از نرمی و پذیرش را نشان می دهد. پاسخ تلفن مرد را دادن، خود به فرد تلفن زدن، اجازه تماس بدنی به مرد دادن، واکنش پذیرنده به هنگام بوسیدن و در آغوش گرفتن از خود نشان دادن و... ۳ - **بر قرار تماس جنسی**؛ در این مرحله، مرد با برانگیختگی جنسی، زن را تصاحب کرده و حتی ممکن است علی رغم میل او، با شدت عمل و خشونت این کار را انجام دهد. ۴ - **طرد**؛ آخرین مرحله طرد زن یا دختر است. در این مرحله مرد نه تنها دیگر با زن یا دختر تماس نمی گیرد، که تا آن جا که ممکن باشد تلفن های او را بی پاسخ می گذارد و اگر در مواردی هم به تلفن جواب دهد، بهانه های گوناگونی از اشتغال و داشتن مشکلات را ارائه می کند. حتی گاهی اوقات زن یا دختر را با الفاظی بسیار رکیک از خود می راند. چنین مردی، دیگر در پی ارتباط با زنی که یک بار با او تماس جنسی داشته نیست؛ او در پی یافتن شکاری جدید است.

متأسفانه اگر بخواهیم نا بهنجاری های جنسی در این زمینه را در این جا مورد توصیف قرار دهیم، باید رساله ای دیگر را تدارک ببینیم؛ از این رو به این مقدار اکتفا می کنیم که رفتار جنسی را جامعه ما، به سمت یک بیماری فراگیر در حال تمایل است و اگر چاره ای اندیشیده نشود، باید منتظر بحرانی در این زمینه باشیم.

۲ - خوش گذرانی - دومین عاملی که موجب می شود، دختران و پسران علاقه مند به برقراری

ارتباط با یک دیگر باشند، نوعی هیجان خواهی، مبتنی بر خوش بودن و خوش گذرانی است. التقاط دختر و پسر، به دلیل ایجاد تنوع و در عین حال به دلیل برآورده شدن طیف گسترده ای از نیازها، می تواند شادی آفرین باشد. همان گونه که برخی از جوانان برای شاد بودن به دنبال هر چیزی که بتواند تأمین کننده این خواسته باشد، هستند، به دنبال برقراری ارتباط با جنس مخالف نیز می باشند. در تحقیق حاجیلری (۱۳۸۴)، ۴۰٪ دانشجویان خوشگذرانی را در حد زیاد و خیلی زیاد، در دوستی های دختران و پسران مؤثر دانسته اند.

این تمایل به دلیل نهادینه نشدن شیوه های خوش گذرانی در جامعه ما به ویژه برای جوانان، قابل تأمل است. جوانان در شرایط فعلی برای شاد بودن، الگوی مطلوب و قابل قبولی را دریافت نمی کنند، از این رو به دنبال روش هایی هستند که بتواند هیجان شادی طلبی آنان را پاسخ گو باشد؛ از جمله این موارد، برقراری دوستی با جنس مخالف است.

۳ - تجدد طلبی - نوگرایی و تجددطلبی، تمایل دیگر نوجوانان و جوانان است. آنان به اشکال گوناگون نشان می دهند که به دنبال آخرین ها هستند. در لباس، موسیقی، فیلم، ورزش و هر چیزی که به نوعی در ارتباط با نوجوان و جوان است، آنان نشان می دهند که طالب آخرین ها هستند. در مورد علت گرایش آنان به آخرین ها، دلایل گوناگونی را می توان برشمرد. از جمله این که جوانی، رو به آینده دارد و از گذشته می گریزد؛ رو کردن به آینده یعنی به آخرین ها توجه کردن. علت دیگر گرایش نوجوانان و جوانان به پدیده های نو و جدید، این است که آنان به دلیل ماهیت این سن، می توانند پیوسته در جریان چیزهای نو و جدید قرار گیرند؛ و این در حالی است که این کار برای بزرگ ترهای آنان، از جمله پدر و مادر و بسیاری از معلمین آنان، امکان پذیر نیست. همین مطلب می تواند یک تمایز و تفکیک و شاید به زعم خودشان، برتری را نسبت به بزرگ ترها، برای آنان به ارمغان بیاورد. با خبر بودن از تازه ها، یعنی برتری و توانمندی.

یکی از مصادیق این نوجویی را برخی از جوانان، در داشتن دوست دختر و پسر می دانند. آنان نسل گذشته را به دور از واقعیت های جدید جهان دانسته و چنین می اندیشند که اگر بزرگ ترها با دوستی آنان با جنس مخالف، مخالفت می کنند، ناشی از این نکته است که چنین رفتار و تمایلی در عصر گذشته، زمانی که پدران و مادران آنان جوان بوده اند، معنی نداشته است؛ چنین رفتاری پدیده ای است جدید و نو. برخی از آنان خطاب به پدر و مادر خود به صراحت چنین دیدگاهی را مطرح می کنند.

در این زمینه خاص، بی اطلاعی مشکل اصلی جوانان است. هر چند که باید گفت انسان برای توجیه عمل خود، ناگزیر از دلیل تراشی های گوناگون است که از جمله آن ها می توان به همین استدلال اشاره کرد، لیکن بهتر است جوانان بدانند که پدیده دوست دختر و دوست پسر، پدیده ای بسیار قدیمی و کهنه است. با مراجعه به برخی از منابع مربوطه می توان به شواهد متعددی دست یافت که برخی از افراد که اینک سانشان از هشتاد نیز فراتر است، از جمله اشرف دختر رضا شاه، دارای دوست پسر های متعدد بوده است. (فردوست، ۱۳۷۰، ص ۲۳۲ تا ۲۳۷)

۴ - امید - تعداد زیادی از جوانان به امید تشکیل یک زندگی مطمئن در آینده، اقدام به برقراری ارتباط با جنس مخالف می کنند. در تحقیق حاجیلری (۱۳۸۴)، حدود ۴۶ درصد دانشجویان، امید به ازدواج را در برقراری ارتباط با جنس مخالف، در حد خیلی زیاد و زیاد مؤثر دانسته اند. امید به ازدواج یک تمایل بهنجار برای هر جوانی است، لیکن در بسیاری موارد، این امید، ثمری جز یأس به دنبال ندارد. جوانانی که به امید ازدواج، اقدام به دوستی با جنس مخالف می کنند، با تهدیدهای گوناگونی مواجه خواهند شد. به برخی از این موارد، در فرازهای گوناگون این نوشتار اشاره شده است.

۵ - عشق - عشق پدیده بسیار دلنشین و احیاگر روح و روان انسان است. در مواردی از دوستی های دختر و پسر، شاهد حاکمیت عشق در روابط هستیم. در چنین شرایطی، عاشق خود را پاک باخته معشوق می داند؛ او خود را فدایی معشوق معرفی می کند. از این رو، ملاقات و مشاهده معشوق، یک آرزو و تمایلی است که از عمق وجودش سرچشمه می گیرد.

در این که عشق میان یک دختر و پسر، واقعی است یا ناشی از تمایلات دیگر، از جمله تمایل جنسی، به سادگی نمی توان قضاوت کرد، لیکن دوست داشتن شدید و غیرقابل کنترل، یکی دیگر از علل گرایش بعضی از دختران و پسران به سمت یک دیگر است.

۶- ایمنی - در شرایط ناایمن، دختر و پسر با پناه بردن به یک دیگر، ایمنی می یابند. دختری بی پناه و در کوچه و خیابان رها شده، می تواند با اطمینان کردن به یک یا چند پسر، نوعی ایمنی در کنار آنان احساس کند. در مواردی همین پسر یا پسرانی که مورد اعتماد این دختر قرار گرفته اند، خود منشاء تهدید و ناایمنی همین دختر به شمار می آیند، لیکن پناه بردن به آنان، دست کم ایمنی بخش دختر از برخی از رفتارهای تهدید کننده آنان خواهد شد.

در مورد برخی از دانشجویانی که در شهرستان های دیگر، به دور از خانواده خود به سر می برند، این قاعده صدق می کند. دوستی با یک یا چند پسر، چتری از ایمنی را به سر آن دختر باز می کند.

۷- همرنگی - تعدادی از دختران و پسران، دوستی با جنس مخالف را بدون هیچ گونه رضایت خاطری دنبال می کنند. برخی از آنان به صراحت بیان می کنند که از ارتباط با جنس مخالف، هیچ گونه بهره یا لذتی نمی برند، تنها به دلیل همرنگی با دیگران است که اقدام به چنین کاری می کنند. آنان از این که از قافله دوستان و هم سالان خود دور نمانند، اقدام به دوستی با جنس مخالف می کنند. این عامل در میان دانشجویان، در حدود ۱۴٪ از دوستی ها را تبیین می کند (حاجیلری، ۱۳۸۴). این عدد نسبت به سایر اعدادی که در جدول علل گرایش به سمت دوستی های برون جنسی مشاهده می شود، از خلوص بیشتری برخوردار است. زیرا سایر عللی که برای دوستی ها ذکر شده است، دارای هم پوشی بسیاری با یک دیگرند؛ مثلاً می تواند امید به ازدواج، همراه با خوشگذرانی و برطرف کردن نیاز جنسی، در آن واحد در یک دوستی نقش آفرینی کند. در حالی که وقتی فردی برای همرنگی با جماعت چنین کاری را انجام می دهد، نشان گر این نکته است که خود او، از این رابطه بهره زیادی نمی برد، بلکه تنها برای حفظ روابط اجتماعی خود با دیگران، اقدام به دوستی برون جنسی می کند.

علل روان شناختی نابهنجار

عللی که در بالا مورد بحث قرار دادیم، علت هایی بهنجار بودند که می توانند در هر انسان سالمی وجود داشته باشند؛ هر چند که در همان بحث نیز، نمونه هایی از عدول از بهنجاری و ورود به مرز نابهنجاری را مورد توجه قرار دادیم. آن چه علل فوق را با مشکل مواجه می کند، چگونگی رفتاری است که در پاسخ به آن عوامل در پیش می گیریم. برای مثال اگر در مورد هر یک از علل فوق، انسان با استفاده از ازدواج رسمی، شرعی و قانونی اقدام کند، نه تنها رفتار نادرستی انجام نداده است، که عملی بسیار شایسته و پسندیده را نیز، به انجام رسانده است. بنابراین، علل فوق طبیعی و بهنجار است، لیکن ممکن است نحوه واکنش به آن ها نابهنجار باشد.

در کنار علل بهنجار بالا، هنجار شکنی در روابط دختر و پسر، می تواند از علت هایی غیر طبیعی و نابهنجار سرچشمه بگیرد. نمونه هایی از این علل را در این جا، مورد توجه قرار می دهیم.

تضادورزی و لجابت، می تواند موجد دسته ای از این هنجار شکنی ها باشد. چنین رفتاری، به طور معمول، واکنشی است در مقابل انواعی از رفتارهای تحکم آمیز محیطی. برخی از نوجوانان و جوانان، در مقابل کنترل های مکرر والدین و مربیان، در مقابل تحکم کردن های مکرر و سلطه گرایانه اطرافیان، از جمله مردم عادی و مأموران انتظامی و قضایی، و در مقابل شدت عمل چنین افرادی، به موضعی لجابت آمیز و تضادورزانه می افتند. این موضع، موجب می شود فرد به شکل مرضی، در جهت عکس دستورات و خواسته های اطرافیان عمل کند. این گونه افراد، در صدد آنند که درست برخلاف خواسته های مراجع قدرت، از جمله والدین، عمل کنند؛ به این ترتیب، موضعی هنجار شکنانه به خود می گیرند. این هنجارشکنی می تواند در زمینه های مختلفی، از جمله در زمینه نحوه رفتار با جنس مخالف باشد.

شکل تبلور یافته این رفتار، در نوعی اختلال روانی به نام تضادورزی مقابله ای، بروز پیدا می کند. در این اختلال، نوجوان مبتلا، به نحو آشکار و برجسته ای با دستورات و خواسته های بزرگ ترها، به مقابله و ستیز برمی خیزد.

از جمله اختلالات دیگر روانی که می تواند موجب بی مبالاتی هایی در زمینه رفتار با جنس مخالف باشد، اختلالی است به نام اختلال سلوک یا اختلال رفتار ارتباطی. در این اختلال نیز کودک یا نوجوان مبتلا، رفتارهای هنجار شکنانه ای، از جمله فرار از مدرسه، دزدی، دروغ گویی، استفاده از مواد و الکل و بی مبالاتی های جنسی را از خود بروز می دهد. دسته ای از زندانیان مراکز اصلاح و تربیت را مبتلایان به این اختلال تشکیل می دهد.

علائم مربوط به اختلال سلوک، اگر قبل از ۱۸ سالگی مشاهده شود، با همین عنوان تشخیص داده می شود؛ در صورتی که همین علائم بعد از ۱۸ سالگی مشاهده شود، تشخیص دیگری با عنوان شخصیت ضد اجتماعی، بر روی آن گذاشته می شود. مشخصه شخصیت ضد اجتماعی نیز هنجارشکنی های گسترده در رفتارهای خود است. این هنجار شکنی می تواند شامل رفتارهای جنسی و نحوه رفتار با جنس مخالف باشد.

مکانیزم های روان شناختی پشتیبانی کننده دوستی ها

انسان موجودی، پیچیده و همه جانبه است. بسیاری از حیوان ها، تحت تأثیر عوامل محدود، و حتی گاه تحت تأثیر عاملی منفرد، دست به رفتار می زنند. برای بسیاری از حیوان ها، گرسنگی می تواند تنها عامل برای جستجوی غذا باشد. در انسان اغلب انجام رفتار ساده ای چون غذا خوردن، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله عوامل شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی قرار می گیرد. انسان گرسنه، بسیاری اوقات به دلایلی چون دلایل اجتماعی و اخلاقی، از غذا خوردن امتناع می کند. او اگر بخواهد به چنین موانعی غلبه کند، باید از مکانیزم هایی روانی برای توجیه عمل خویش استفاده کند. حتی مجرمین، وقتی می خواهند اعمال مجرمانه خود را به انجام برسانند، ناگزیر از استفاده از مکانیزم های کمک کننده برای انجام عمل خویشند. (گلمن، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱)

^I - Oppositional Defiant Disorder

^{II} - Conduct Disorder

^{III} - Antisocial Personality Disorder

در روابط میان دختران و پسران، مکانیزم های گوناگونی به کار گرفته می شوند تا این گونه رفتارها را، به رغم وجود مشکلات گوناگون، توجیه پذیر و قابل قبول نگه دارند. مهمترین این مکانیزم ها عبارتند از:

۱ - خیال پردازی - انسان به دلایل گوناگون، از مکانیزم خیال پردازی استفاده می کند. خیال

پردازی کارکردهای گوناگونی برای او دارد.

در زمینه دوستی های دختران و پسران، خیال پردازی برای توجیه عمل، تلذذ بیشتر، جبران کاستی ها و آسیب ها مورد استفاده قرار می گیرد. نوجوانان به ویژه دختران، با رفتن به عالم خیال، از رابطه خود با جنس مخالف، دنیایی رؤیایی و به دور از هر گونه کمی و کاستی می سازند. آنان، به هنگام تنهایی و به دور از سایرین، در گوشه ای نشسته و رابطه خود را به شکلی منزّه، رؤیایی و الهی ترسیم می کنند؛ و گاه دوست پسر یا دختر خویش را در جایگاهی فراتر از جایگاه انسانی، به مثابه یک فرشته، ترسیم و تجسم می کنند. آنان به کمک این مکانیزم، هرگونه مشکل و کاستی و نارسایی را در خیال خود، از بین می برند.

به این ترتیب، خیال پردازی می تواند رابطه با جنس مخالف را لذت بخش تر از آن چه که در واقعیت وجود دارد، نشان دهد. در عالم خیال می توان با دوست خود یا معشوق خویش، به کارهایی پرداخت که در عالم واقعیت امکان آن ها وجود ندارد. انسان در عالم خیال، همراه با دوست پسر یا دختر خویش می تواند به هر نقطه ای از جهان که بخواهد، سفر کند. با او می تواند در تنهایی ها، در هرجایی که بخواهد، به طور نامحدود، به سربرد. لذت حاصل از این خیال پردازی، به سادگی با آن چه در واقعیت اتفاق می افتد قابل مقایسه نیست.

خیال پردازی کارکرد دیگری نیز برای چنین افرادی دارد. در مواردی که دوست دختر یا پسر، خیانت یا خطایی بزرگ نسبت به دوست خود مرتکب می شود، فرد مقابل خود را در عمل، با ناکامی مواجه می کند. وقتی خیانتی به عینه واقع می شود، دیگر نمی توان دوست دختر و یا پسر را فردی رؤیایی و فرشته صفت تجسم کرد. در چنین مواردی، فرد به کمک خیال، رابطه آسیب خورده را، از نقطه ای که آسیب دیده است، بازسازی کرده، آن را به گونه ای که دوست دارد، تکمیل می کند. دختران و پسرانی که شاهد خیانت آشکار طرف مقابل خویش هستند، گزارش هایی از این نوع خیال پردازی ارائه می کنند. دختری که دوستش او را به خانه خویش برده و در آن جا قصد برقراری رابطه جنسی با او داشته و با مخالفت دختر مواجه شده است و به همین دلیل توسط او طرد شده است، مدت های مدیدی بعد از این واقعه، آن را از نقطه ای که قطع شده است، در ذهن بازسازی کرده و آن را به شکل برقراری رابطه جنسی، تکمیل می کرد. او چنان تحت تأثیر این خیال پردازی قرار گرفته بود که آرزوی مهمش این بود که یکبار دیگر آن موقعیت تکرار شود و او این بار تسلیم خواسته های پسر شود.

موردی دیگر که در آن دختر مورد استفاده جنسی مرد قرار گرفته و بعد از آن توسط او طرد شده بود، به کمک خیال، ارتباط آسیب خورده و خیانت کارانه مرد را به شکل مثبت و ادامه یافته، تجسم می کرد. در این جا خیال، تکمیل کننده یک مدار آسیب خورده در رابطه بین آن دو بود. چنین کارکردی از خیال پردازی در موارد متعددی در زندگی روزمره انسان ها به وقوع می پیوندد. آن جا که مردم وقتی با مشکل یا آسیبی مواجه می شوند، می گویند یکبار دیگر چنین می شد یا چنان نمی شد. در این جا خیال، کامل کننده یک واقعه نامطلوب به شکلی مطلوب و دلخواه است.

۲- دلیل تراشی - دلیل تراشی نیز مکانیزمی است که بسیاری از تمایلات و رفتارهای

نامطلوب فرد را برایش توجیه پذیر می‌کند. از این مکانیزم، انسان‌ها در فرازهای گوناگونی استفاده می‌کنند. دختری پس از مورد سوء استفاده قرار گرفتن توسط مردانی که روزی دوستشان می‌داشته و همگی او را پس از تجاوز، طرد کرده‌اند، می‌گفت که بالاخره آنان مرد هستند و نیاز جنسی بیشتری دارند. از این دست توجیه‌ها، در روابط دختران و پسران به فراوانی وجود دارد.

یکی از دلایلی که برخی از نوجوانان و جوانان و حتی خانواده برخی از آنان برای دوستی‌های بین دو جنس ذکر می‌کنند، شناخت بهتر دو جنس از یک دیگر است. در اغلب موارد، چنین استدلالی نوعی توجیه و دلیل تراشی است تا ارائه دلیلی حقیقی. زیرا بسیاری از کسانی که به منظور شناخت بهتر یک دیگر دوست می‌شوند، چنان به یک دیگر وابسته می‌شوند که به رغم پی بردن به عدم تناسب آن‌ها با یک دیگر، به رابطه خود ادامه داده و نمی‌توانند از یک دیگر جدا شوند.

۳- هماهنگ سازی شناختی - انسان به شیوه‌ای نسبتاً ناهشیار، بین اجزا شناختی خود،

هماهنگی ایجاد می‌کند. و این به این معناست که اگر گزاره‌هایی در ذهن انسان وجود داشته باشد که در تعارض با یک دیگر باشند، ذهن در طول زمان، به گونه‌ای آن‌ها را تغییر می‌دهد که در نهایت بین آن گزاره‌ها نوعی توافق و هماهنگی به وجود آید. مثلاً اگر انسان معتقد باشد فردی است که حقوق انسان‌ها را مراعات می‌کند و در عین حال نیز در عمل در مواردی، حقوق دیگران را ضایع کرده باشد، به شیوه‌ای ناخودآگاه، تلاش می‌کند بین این دو گزاره نوعی تطابق ایجاد کند. مثلاً ممکن است معتقد شود که درست است که در آن مورد خاص، حقوق فردی را ضایع کرده است، لیکن آن عمل حقوق انسان و یا انسان‌های دیگری را احیا کرده است. او در طول زمان، به جای اعتقاد به تضییع حقوق دیگری، معتقد به احیا حقوق کسانی دیگر خواهد شد. در اصل، براساس قاعده هماهنگی شناختی، فرد بین عناصر ذهنی خود، نوعی تلفیق و یک پارچگی ایجاد خواهد کرد.

در زمینه روابط دختران و پسران نیز، شاهد چنین مکانیزمی هستیم. در تحقیق حاجیلری، بخشی از سؤال‌ها متوجه میزان آگاهی دانشجویان از حدود شرعی روابط بین دختر و پسر بوده است. حاصل این تحقیق در زمینه میزان هماهنگی بین این آگاهی‌ها و نیز انگیزه دانشجویان برای برقراری دوستی‌ها، چنین است: "بررسی نسبت بین نگرش در مورد میزان تأثیرگذاری هر یک از انگیزه‌های دانشجویان در برقراری رابطه با جنس مخالف، با شرعی و غیرشرعی دانستن رفتارهای مذکور، در جدول مربوطه، گویای آن است که افرادی که آگاهی کمتری از حدود شرعی داشته‌اند و رفتارهای غیرشرعی را نیز شرعی دانسته‌اند، خوش‌گذرانی و شادبودن با جنس مخالف، کسب تجربه از بودن با جنس مخالف و برطرف کردن نیازهای جنسی را، از انگیزه‌های مؤثر در برقراری ارتباط با جنس مخالف دانسته‌اند." (حاجیلری، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳)

از تحلیل این نتیجه می‌توان به این نکته اشاره کرد که دانشجویی که از سد کنکور گذشته و توانسته است وارد دانشگاه شود، قطعاً اطلاعات دینی او در حدی خواهد بود که بدانند نکاتی چون: گفت و گوی دو جنس با قصد لذت بردن؛ لمس کردن و تماس اعضای بدن دو جنس باهم به قصد لذت و شهوت؛ خواندن صیغه موقت بین دو جنس بدون اجازه پدر؛ ناز و عشوه کردن هنگام صحبت با جنس مخالف و یا رابطه جنسی بدون عقد شرعی، از مصادیق رفتار غیر شرعی است. لذا بیشتر از آن که بتوانیم قائل به این نکته شویم که دانشجویان به دلیل آگاهی نداشتن از حدود شرعی، اقدام به برقراری

انواع رابطه بین خود و جنس مخالف می کنند، باید قائل به این تفسیر شویم که دانشجویان به صورت مختلف، آن چه راجع به شرع می دانند را تحریف کرده، تا بین اعمالشان و شناخت های آنان نوعی هماهنگی ایجاد شود.

۴ - خوش بینی - انسان برای گریز از عواقب سوء عمل خویش، می تواند به شکل غیرواقعی

بینانه ای خوش بین باشد. وقتی تحت تمایلات شدید، به سوی هدفی سوق پیدا می کند، برای جلوگیری از تلخ کامی های احتمالی آینده، ناگزیر از حذف جنبه های منفی عمل خود و عکس العمل های ناشی از آن است. دختران و پسرانی که تحت انگیزه های روان شناختی، به شکل غیرقابل کنترلی به سمت هم کشیده می شوند، بسیاری از پی آمدهای احتمالی را حذف و نادیده می گیرند و تنها به جنبه های دلنشین و خوشایند، فکر کرده، دل می بندند. آنان بسیاری از نکات ناپسند را حذف و گاه انکار می کنند. انکار مکانیزمی است که می تواند به کمک این خوش بینی آمده و آن را بیش از پیش ثمربخش کند.

۵ - بی خیالی - حذف عواطف منفی و عدم واکنش نسبت به آن ها، بی خیالی نامیده می

شود. گاه در اثر انجام عملی، یا قرار گرفتن در شرایطی، انسان عواطف منفی و آزار دهنده ای، از قبیل ترس، اضطراب، شرم و حقارت را تجربه می کند. بی خیالی نسبت به آن ها، نوعی واکنش در مقابل آن هاست. ویژگی مهم این مکانیزم در این است که بی خیالی، جنبه افراطی یافته و غیرعادی بودن آن به خوبی آشکار می شود. گاهی اوقات در رفتار دختران و پسرانی که به شکل هنجار شکنانه ای با یک دیگر رفتار می کنند، شجاعت، بی شرمی و بی باکی افراطی آشکاری، مشاهده می شود.

۶ - کامل انگاری - مکانیزم دیگری که انسان ها برای مواجه شدن با پدیده های ناساز، به

کار می گیرند، کامل انگاری یا به تعبیری کمال جویی است. بسیاری از دختران و پسران، در مواجهه با کسی که دوستش دارند، او را بی عیب و نقص به شمار می آورند. کامل انگاری در فرازهایی، گرایش فرد به سوی پدیده ها و اهداف کامل و بی نقص است؛ لیکن در این جا به معنای بی نقص و کامل دیدن فرد مورد علاقه است.

زمینه های اجتماعی تسهیل کننده دوستی ها

علاوه بر انگیزه ها و علل روان شناختی و مکانیزم های تسهیل کننده این رفتارها، وجود عوامل و شرایط مناسب محیطی، در شکل گیری و بروز رفتارهای نامناسب بین دو جنس مؤثر است. در اصل، بدون وجود شرایط مناسب اجتماعی، انگیزه ها یا شکل نمی گیرد و یا نمی تواند فرد را به سمت انجام رفتارهایی خاص سوق دهد. به این ترتیب، شناخت عوامل محیطی و اجتماعی در بروز رفتارهای نامناسب بین دو جنس از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. مهمترین این زمینه ها عبارتند از:

^I - Denial

^{II} - Isolation Of Affect

^{III} - Perfectionism

۱ - فقدان شرایط مراقبت - انسان در شرایطی که تحت مراقبت عمومی اجتماعی قرار دارد،

بسیاری از رفتارهای غیرهنجاری را از خود بروز نمی دهد. انسان در جامعه، به ندرت شاهد بروز رفتارهای ناهنجار در موقعیت های عمومی است. از جایی که مراقبت کاهش یافته و یا از بین برود، زمینه برای بروز بسیاری از ناهنجاری ها فراهم می آید. سهل انگاری در انجام مراقبت های تربیتی، اولین زمینه شکل گیری ناهنجاری های ارتباطی بین دختر و پسر است.

خانواده ها ممکن است به دلایل عدیده ای در مراقبت و کنترل مناسب فرزندان، کوتاهی کنند. بی خبری از کارهایی که فرزندان انجام می دهند، تنها گذاشتن های مکرر و طولانی مدت فرزند در خانه، خوش بینی های افراطی نسبت به فرزندان، مشغول بودن بیش از حد والدین به سرگرمی ها و کارهای خود و بسیاری موارد مشابه، زمینه ساز لغزش های نوجوان در جهت برقراری رابطه با جنس مخالف است. مادری که به انگیزه شرکت در انواع میهمانی ها، مدت ها دخترش را در خانه و در مسیر مدرسه، بدون مراقبت رها کرده بود، پس از آگاهی از روابط پیشرفته دخترش با پسری فاقد صلاحیت، تا حد آمیزش های جنسی در درون خانه دختر، با تاثر و ناراحتی شدید، از درماندگی خودش سخن می گفت. او تصمیم گرفته بود دیگر اجازه ندهد دخترش با کسی ازدواج کند.

مورد دیگری که ناشی از مشغله زیاد والدین است، گزارش پدری است که با واقعه ای خاص روبرو می شود. او که به دلیل شاغل بودن خود و همسرش، تنها دختر خود را کلاً در خانه تنها گذاشته بود، روزی اتفاقی وارد خانه شده و دو پسر جوان را در خانه مشاهده کرده بود. دختر با مشاهده پدر، فریاد استمداد برمی آورد که این دو برای دزدی به خانه ما آمده اند. دو پسر با مشاهده این وضعیت با تعجب می گویند: " دزدی چیست؟ ما با دعوت دختر به این خانه آمده ایم. او خود با تلفن ما را به خانه دعوت کرده است." پدر با مشاهده این وضعیت، صلاح را در این می بیند که موضوع را فیصله داده و به نوعی قائله را جمع کند.

نمونه دیگر خانمی حدوداً چهل ساله بود که چندی پیش، با حالتی نزار، به کلینیک آمد. او اظهار می کرد که برای رساندن خود به کلینیک، مقدار زیادی قرص خورده تا بتواند خود را سرپا نگه دارد. شکایت اصلی او این بود که دختری دارد حدوداً شانزده ساله. او قبل از واقعه ای که اینک می خواست تعریفش کند، دختری بوده بسیار مقید و مراعات کننده حدود ارتباطی با نامحرم. این دختر در موقعیتی که در خانه تنها بوده، دچار وسوسه شده و شروع کرده به بازی با تلفن. در یکی از این شماره گیری ها، تلفن مردی گل فروش را گرفته و پس از رد و بدل شدن حرف های اولیه، سر دوستی بین او و این مرد باز شده تا جایی که پس از مدتی، یک دیگر را ملاقات کرده و اینک به اظهار خود دختر، آن دو با یک دیگر محرم شده و زن و شوهر به شمار می آیند. و این در حالی است که آن مرد سنی بالاتر از سن پدر این دختر را دارد و همو دختری دارد بزرگ تر از این دختر. چنین مشکلی ناشی از خوش بینی افراطی خانواده به فرزند بوده است.

این گونه سهل انگاری ها، یکی از زمینه های برقراری رابطه بین دختر و پسر است و هر قدر سهل انگاری بیشتر باشد، امکان گسترش و عمق یافتن رابطه نیز بیشتر خواهد شد.

یکی دیگر از دلایل برقراری این نوع رابطه، ناتوانی های تربیتی والدین است. والدینی که به اشکال گوناگون از عهده انجام وظایف تربیتی خویش بر نمی آیند، گاه خود زمینه ساز برقراری رابطه دختر و یا پسر نوجوان خویش با فرد دیگری می شوند. مادری که از کنترل تربیتی پسر ۱۶ ساله اش بر نمی آید، با حيله گری و دروغ گویی های مکرر به مادر یکی از دختران فامیل، دختر را به منزل خود کشانده و به بهانه هایی چون کمک درسی به پسرش توسط دختر، مقدمات ارتباط آن دو را فراهم آورده بود. زمینه ساز این گونه

ارتباطات، اغلب همین کم مهارتی والدین در اعمال کنترل تربیتی بر روی فرزندان است. چنین والدینی، همچون این مادر، بی مهارتی خود در تربیت صحیح پسرش را با استفاده از دختری بی خبر از همه جا، جبران می کند؛ جبرانی که ادامه دهنده اشتباهات قبلی او در تربیت فرزندش است.

فقدان جو مراقبت تنها به خانه و خانواده محدود نمی شود. امروزه روابط دختر و پسر در جامعه، دانشگاه و حتی محیط های اداری و دولتی، بدون مراقبت لازم انجام می گیرد. در تحقیق حاجیلری (۱۳۸۴)، حدود ۳۳٪ از دانشجویان، عدم کنترل از طرف دانشگاه را در حد زیاد و خیلی زیاد، در شکل گیری دوستی ها بین دختران و پسران مؤثر دانسته اند.

مراقبت را نباید تنها در کنترل نوجوانان و جوانان خلاصه کرد، بلکه باید در توجه به نیازمندی های آنان و تنها نگذاشتن آنان نیز جستجو کرد. تنها ماندن نوجوان و جوان در خانه و در محل تحصیل، و دوری دانشجویان از خانواده و عدم پاسخ گویی به نیازهای عاطفی آنان در محیط غربت، می تواند زمینه ساز برقراری دوستی های خارج از چارچوب هنجاری شود. خانواده ای که به رغم تمکن مالی، دخترش را به شهری غریب برای تحصیل فرستاده و در طول تحصیلش، حتی یک بار هم به او سر نزده بود، موجب شده بود که دخترش با یکی از هم کلاسی های خود، علی رغم تمایز و شکاف فرهنگی بسیار، دوست شده و به مدت یک سال با او در خانه ای استیجاری متعلق به پسر زندگی کند. این دختر احساس تنهایی و دوری از خانواده را عامل اصلی گرایشش به سوی آن پسر ذکر می کرد.

۲ - شرایط تحریک کننده و تسهیل کننده - دومین عامل اجتماعی برای شکل گیری دوستی

های دختران و پسران، وجود شرایط تحریک کننده و تسهیل کننده در جامعه است. مشاهده جوانانی که دست در دست یک دیگر در کوچه و خیابان گرم گفتگوی با یک دیگر هستند؛ مشاهده فیلم ها و سریال هایی که در آن ها دختران و پسرانی که پیوسته در حال گفتگو و مرادده دوستانه هستند، و وجود کتاب ها، مجلات، صفحات الکترونی در اینترنت و بسیاری شرایط دیگر، تحریک کننده جوانان به سمت برقراری روابط دوستی با یک دیگر است.

وجود نقاط ایمن و به دور از نظارت مردم در خیابان ها، پارک ها، محیط های خلوت و کم رفت و آمد، کوه ها و دره های اطراف شهرها و حتی پشت زباله دانی ها، شرایطی را برای تسهیل ارتباطات فراهم می آورد. علاوه بر این ها، وجود تلفن های ثابت و همراه، وجود خانه هایی که توسط خانواده و برخی از اعضا فامیل در اختیار جوانان قرار گرفته است نیز تسهیل کننده روابط خارج از هنجار بین دختران و پسران است.

۳ - دشواری بهره مندی های مقبول زندگی - انسان در دوره کودکی و نوجوانی، به امید

رسیدن به استقلال و بهره مندی از زندگی بزرگسالی، دست به تلاش و کوشش می زند. در این دوره ای که به بزرگ ترها وابسته است، پیوسته در آرزوی روزی است که بتواند به حدی از رشد و بالندگی برسد که خود اداره امور خود را در دست گرفته، آن گونه ای که خود می خواهد زندگی کند. در آرزوهای بسیاری از کودکان و نوجوانان، طرح های گوناگونی برای بزرگ سالی وجود دارد. هر کودک و نوجوانی، به فراخور اندیشه و تجربه های زندگی خود، آرمان ها و ایده آل هایی را برای سال های بزرگ سالی، در ذهن می پروراند. عنصر مشترک تمامی این اندیشه ها، رسیدن به سطحی از زندگی است که بتواند خود برای خود تصمیم بگیرد.

یکی از موضوع هایی که ذهن بسیاری از دختران و پسران را به خود مشغول می کند، ازدواج و تشکیل خانواده است. کودک و نوجوان، به دلایل و انگیزه های گوناگون، در اندیشه یافتن یک زوج مطلوب و ایده آل خویش است. او در تخیلات خویش، ویژگی ها و شرایط گوناگونی را برای همسر آینده و ایده آل خود، ترسیم

می کند. این دنیای ایده آل، دنیای دل نشین و زیبایی است. لذا برای رسیدن به این دنیای خیالی، دست به تلاش می زند. در این راه درس می خواند تا بزرگ شود و به استقلال لازم برسد. حتی برخی از بچه ها خود اظهار می کنند که غذا می خورند تا بزرگ شده و مثلاً فلان کار را انجام دهند.

این ایده آل پردازی و آرزوی رسیدن به استقلال بزرگ سالی تا کجا می تواند ادامه پیدا کند؟ یک نوجوان و جوان تا کی باید صبر کند تا به آن ایده آل ها برسد؟ در پاسخ به این پرسش ها باید گفت که در شرایط حاضر جامعه، رسیدن به این ایده آل ها، بسیار دشوار و نیازمند زمان هایی بسیار طولانی است. جوان امروز اگر در سنین بیست یا بیست و چند سالگی، موضوع ازدواج را با خانواده اش در میان بگذارد، بلافاصله با این پاسخ مواجه خواهد شد که: "حالا زود است؛ هنوز خیلی مانده تا به سن ازدواج برسی. فعلاً درست را بخوان، کاری پیدا کن و بعد." چنین پاسخی، رسیدن به ایده آل های جوان را به تاریخی نامعلوم احاله می دهد. او در درون خویش از خود می پرسد: "تا کی باید صبر کنم؟ تا کی باید تلاش کنم و درس بخوانم و یا کار کنم؟ کجاست زمانی که بتوانم خود زندگی مستقلی برای خود ترتیب دهم؟"

وجود این سؤال ها و ابهام ها، در شرایطی است که برقراری ارتباط با جنس مخالف در جامعه، کاری است ساده و راحت. وقتی جوانی می بیند که رسیدن به سطح زندگی به هنجار و مقبول اجتماعی، برای دسترسی به زوجی برای خود، این قدر دشوار و صعب الوصول است و این در حالی است که رسیدن به فردی از جنس مخالف، در قالب رفتارهای غیرهنجاری، این همه ساده و سهل الوصول، به ناچار تن به ارتباط هایی از نوع سهل الوصول آن خواهد داد. امروزه بسیاری پدران و مادرانی که اگر برای دخترشان خواستگاری پیدا شود، چنان شرایط دشواری را در پیش پای خواستگار قرار می دهند که عملاً ازدواج را برای او غیرممکن می کنند؛ و این در حالی است که برای همین خواستگار، برقراری انواع ارتباط، تا حد برقراری رابطه جنسی با همین دختر، بسیار سهل الوصول تر است. ایجاد چنین شرایط دشواری، پیامی ساده و روشن به جوانان می دهد و آن این است که به جای اندیشیدن به ازدواج، در اندیشه برقراری روابط پنهانی با غیر هم جنس خود باشید. چنین پیامی، شرایط ضمنی دیگری را نیز در پی دارد؛ و آن این که در برقراری چنین ارتباطی، لازم نیست تنها به یک نفر پای بند باشید؛ شما می توانید در آن واحد با چندین نفر ارتباط داشته باشید. در عین حال می توانید تمامی سنت ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی خود را، با توجیهات گوناگونی همچون تجدد طلبی، روشنفکرانمایی، علم گرایی، مبارزه با افکار متحجر و کهنه و امثال این ها، به زیر سؤال ببرید. با این کار عمل خود را نیز عقلانی و توجیه پذیر خواهید کرد. پیام ضمنی دیگر این شرایط، فرار از ازدواج قانونی است. زیرا به میان کشیدن شرایط سخت برای ازدواج، در صورت عدم سازگاری، قطعاً دشوار کردن جدایی را هم به دنبال خواهد داشت. وقتی مهریه ای سنگین برای یک ازدواج تعیین می شود، لاجرم جدا شدن زن و شوهر را در صورت عدم سازگاری، با دشواری زیادی مواجه خواهد کرد. و یا وقتی هزینه های زیادی صرف مراسم عقد و عروسی و تهیه جهیزیه و امثال این ها می شود، انفصال یک ازدواج را با ضررهای زیادی همراه خواهد کرد. با وجود چنین شرایطی، ذهن اقتصادی انسان حکم می کند که به جای صرف چنین هزینه ها و تحمل چنین شرایط دشواری، بهتر است به عملی اقدام شود که هیچ یک از این سختی ها را به دنبال نداشته باشد. بهتر است آشنایی ها در کوچه و خیابان و محل کار و تحصیل صورت گیرد؛ ملاقات ها در پارک و خیابان و سینما و بعضاً در خانه ای خلوت، متعلق به پسر یا دختر، انجام گیرد و بالاخره اگر روزی از هم خسته شدند، به سادگی یک خداحافظی از هم جدا شوند.

این چنین است که شرایطی که جامعه برای ازدواج و تشکیل خانواده در نظر گرفته است، خود تسهیل کننده برقراری روابط پنهان و دوستی های خارج از هنجارها می شود.

۴ - آشنفتگی در ملاک ها و معیارهای رفتار مناسب با جنس مخالف - یکی از مهمترین

زمینه های بروز مشکلات در ارتباط بین دو جنس، عدم وجود یک سلسله ملاک ها و معیار های مشخص فرهنگی و رفتاری در زمینه نحوه رفتار بین دو جنس در جامعه و اعمال منظم و نظامدار آن، از طریق مؤسسات مربوطه است. این مشکلی است که به جد می باید مورد توجه قرار گرفته و به شیوه ای معقول و علمی به عمل پیوندد.

از جمله عوامل شکل گیری این آشنفتگی، ورود و نفوذ فرهنگ غرب از طرق گوناگون به کشور است. فرهنگ غرب با محمل قرار دادن امیال جوانان ایرانی، اذهان آنان را به اشکال گوناگون، تحت سلطه خود می گیرد. فرهنگ غرب در زمینه روابط دختر و پسر و زن و مرد، دارای منش ها و هنجارهایی است که با آن چه که متعلق به جامعه ماست، فاصله بسیار دارد. نمونه ای از این تبادل را در صفحه ای الکترونیکی که سایت موازی منتشر شده است شاهدیم. آقای به نام حمید علیزاده، با فردی کانادایی به نام ژان میشل، آشنا می شود. او در مبادلاتی که با ژان دارد، سؤال هایی را از او در مورد روابط دختر و پسر و زن و مرد می پرسد. پاسخ های ژان را ترجمه کرده و در این سایت قرار می دهد؛ البته ترجمه ای شکسته بسته. شما می توانید نامه ژان و ترجمه آن را در قسمت ضمایم^۳ ببابید، لیکن می توان گفت که تمامی آن چه که در این نامه آمده و به عنوان هنجارهای رایج در جامعه کانادایی، به عنوان نمونه ای از فرهنگ غرب، در تضاد بسیار بارز و آشکار با هنجارهای جامعه ما دارد. سؤال های آقای علیزاده از ژان عبارتند از:

۱. Can u explain me the relationship between boys and girls in Canada
- is there any limitations (whether legally or traditionally & culturally) in this case or not?
- if there is limitations, is there any freedom in that limitations?
۲. Who is a boyfriend or girlfriend in your culture? Have u any?
۳. About women, are they free, limited, viewed as a human or as a female, equal to men or not?
۴. Is it good to have free sexual relationships or not?
۵. Does free sexual relationship affect marriage and family structure negatively?
۶. Please talk about marriage in your country; is it important? Are people eager for it or not?
۷. What's the rate of divorce in Canada?! What's the reason of it?
۸. About religion, it's role in life, in communications, in social life and whatever...

پاسخ های ژان به این سؤال ها را می توانید در بخش ضمایم مطالعه کنید. من در این جا بخشی از

پاسخ او را به سؤال ۲ ترجمه می کنم:

به طور معمول دوست پسر یا دوست دختر کسی است که الف) شما او را دوست داشته باشید ب) با او رابطه جنسی داشته باشید و ج) تمایل داشته باشید با او رابطه ای موفقیت آمیز داشته باشید .

گرایش به فرهنگ غرب نه تنها از طریق همانند سازی نوجوانان و جوانان با فرهنگ غرب انجام می گیرد، که آموزش های بنهان و آشکاری در جامعه رواج دارد که به نفوذ فرهنگ غرب را در زمینه های مختلف از جمله روابط دختر و پسر دامن می زند. مورد زیر، گزارشی است از این دست:

تعدادی از مراجعین کلینیک های روانشناختی، از وجود محلی پنهان و غیررسمی که توسط خانمی دندانپزشک، اداره می شود، گزارش می دهند. این خانم براساس نظریه یونگ، کلاس هایی را با عنوان خودشناسی دایر کرده است. از جمله آموزش هایی که در این کلاس داده می شود، برون ریزی عقده هایی است که در طول زندگی انسان در او شکل گرفته است. یکی از مهمترین عقده ها در این زمینه، عقده های مربوط به ارتباط با جنس مخالف است. او برای آشکار شدن و حل این عقده ها، شرکت کنندگان در کلاس های خود را به برقراری رابطه با افراد مختلفی از جنس مخالف دعوت می کند(همان گونه که خود یونگ نیز شخصاً چنین می کرده است^۱). شرکت کنندگان در کلاس این خانم، که اعم از مجرد و متأهل هستند، ملزم به کشف حجاب بوده و می توانند روابط راحتی را با یک دیگر داشته باشند. در این کلاس، رد و بدل کردن تلفن بین دختران و پسران و زنان و مردان، حتی در حضور همسرانشان و با اطلاع آنان، یک هنجار به شمار می آید. چنین فضایی از روابط، تنها بر اساس فرهنگ غرب قابل فهم و درک می تواند باشد، نه بر اساس فرهنگ اسلامی و ایرانی ما.

نشانه آثار سوء چنین آموزش هایی در آسیب هایی است که برخی از شرکت کنندگان در این گونه کلاس ها متحمل شده و برای رفع مشکل خود به مراکز درمانی روان شناختی مراجعه می کنند. گزارش فوق براساس اظهارات زوج جوانی که بعد از مراجعه به این کلاس، و انجام توصیه های خودشناسانه آن خانم، دچار مشکل زناشویی عمیقی شده بودند، تنظیم شده است. این زن و شوهر، به خصوص مرد، مدتی تحت تاثیر آموزش های آن خانم، روابط صمیمانه و گرمی را با فردی از جنس مخالف برقرار کرده بودند. ایشان با فرض این که در یک فضای لیبرالیستی و کاملاً خالی از تعصب های زناشویی به سر می برند، اقدام به انجام کارهایی کرده بودند. از جمله این که مرد، هر روز صبح، تمامی تداعی های ذهنی خود را بدون هیچ سانسوری، در صفحات صبحگاهی یادداشت می کرده است. او با همین فرض قرار گرفتن در یک فضای خالی از هر گونه تعصب و حسادت و حساسیت، از زنش قول می گیرد که این یادداشت ها را نخواند. زن هم قول می دهد؛ غافل از آن که زن علی رغم شرکت کردنش در آن کلاس ها، نمی توانسته جلوی کنجکاوی و حسادت های طبیعی خود را بگیرد و تمامی آن چه شوهرش در این صفحات می نوشته را، در فرصت مناسبی می خوانده است. حاصل این روند به آن جا ختم می شود که یکی از شب های زمستان سال ۱۳۸۵، شوهرش را به اتفاق دختر دوساله اش از خانه بیرون کرده، به گونه ای که گریه های این دختر تا صبح در آغوش پدر در پشت در خانه نیز نتوانسته بود دل مادر را به رحم آورده و موجب شود که دست کم فرزند را به خانه راه دهد. این زوج، بعد از مبتلا شدن به تعارضی شدید بین آموزه های فرهنگ غرب، با فرهنگ و تعالیم خود، برای حل مشکلات زناشویی خود، به روانشناس مراجعه کرده اند.

¹ - Generally speaking a "girlfriend" or "boyfriend" is someone whom you a) love b) have sex with and c) want to build a successful relationship with

SCCcr.ir

فصل سوم

آسیب شناسی روابط دختر و پسر در ایران

SCC.ir

مفهوم آسیب در روابط دختر و پسر و انواع آن

پدیده های انسانی و اجتماعی، اغلب دارای وجوه بهنجار و نابهنجار، طبیعی و غیر طبیعی و یا به عبارتی مقرون به سلامت و یا همراه با آسیب است. شناخت سلامت و بیماری هر پدیده و یا تشخیص بهنجاری از نابهنجاری و طبیعی بودن از غیر طبیعی بودن، برای کنترل و مداخله به موقع در مورد این پدیده ها، الزامی است. در مورد روابط دو جنس، از آن جمله روابط دختر و پسر، شناخت رفتار بهنجار و رفتار نابهنجار، برای مداخله صحیح، از جمله برای تربیت درست، ضروری است. وقتی دختر و پسری، بر اساس معیارهای پذیرفته شده اجتماعی، دینی و اخلاقی، زندگی مشترک خویش را آغاز کرده و یک عمر زندگی سعادت‌مندانانه و لذت بخش را در کنار یکدیگر سپری کرده و از کنار زندگی آنان، خانواده های سعادت‌مند دیگری، همچون آنان جدا شده و شکل می گیرند، می توان گفت که زندگی این دو، به شکل بهنجار و طبیعی شکل گرفته و استمرار یافته است. و این درحالی است که برقراری رابطه ای بین یک دختر و پسر، که به شکل نامطلوب به لحاظ اجتماعی و دینی شکل گرفته و همراه با هنجار شکنی های متعدد است، ممکن است به آینده این دو فرد لطمه زده و نه تنها موجب رنج و تعب برای آن ها باشد که ممکن است دامنه این رنج به سایر اعضا خانواده آنان نیز تسری پیدا کند.

وجود آسیب در روابط دختران و پسران، در کنار رفتار بهنجار، از مسلمات در نزد اکثر قریب به اتفاق متفکران و دانشمندان علوم و معارف بشری، اجتماعی و اخلاقی است. لیکن آن چه در این حیطه مستلزم روشن شدن است، ارائه تعریفی از آسیب است که بر اساس آن بتوان نابهنجار را از بهنجار و سلامت را از بیماری تشخیص داد.

متفکران و محققینی که در زمینه آسیب های روانی و اجتماعی فعالیت کرده اند، در تعریف و مشخص کردن مفهوم بهنجار و نابهنجار، تلاش هایی را صورت داده اند. برخی هنجارها را از نظر آماری به دو گروه هنجارهای فرهنگی و هنجارهای رفتاری تقسیم کرده اند. (فرجاد، ۱۳۶۳) در این جا مقصود از هنجارهای فرهنگی آن چیزی است که مردمان فکر می کنند و می گویند و یا می توان از مشاهده پاداش ها و کیفرهایی که برای اعضای جامعه اعمال می کنند، استنباط کرد. چنین مفهومی از هنجار، زمینه ساز بحث پیرامون روابط دختر و پسر است. در اصل حد و حدود این روابط در بستر فرهنگ یک جامعه است که تعریف شده و به شکل بهنجار و نابهنجار تجلی پیدا می کند. جامعه در این زمینه، مانند سایر رفتارهای اجتماعی، رفتارهای بهنجار را تقویت و تشویق کرده و رفتارهای نابهنجار را کیفر می دهد.

مشخص کردن بهنجار و تفکیک آن از نابهنجار به لحاظ منطقی دشواری های زیادی دارد؛ یعنی علی رغم ارائه تعاریفی در این زمینه احصاء دقیق ناهنجاری ها از هنجارها به سادگی قابل اجرا نیست. از این رو برخی ناگزیر شده اند تنها به توصیف کلی آن اکتفا کنند؛ مثلا در مورد ناهنجاری های رفتاری گفته اند که: " نابهنجاری یک اصطلاح کلی است که نشان دهنده این است که رفتار یا شخصیت فرد از نظر روانی اشکال دارد و بهنجاری صرفا فقدان نابهنجاری است." (هالجین و کراس، ۱۳۸۳)

راه حلی که می توان بر اساس آن، تاحدی از ابهام در مورد ارائه تعریفی در زمینه بهنجاری و نابهنجاری در رفتار بشری، خارج شد طرح یک مدل از تحول بهنجار در رفتار بشری است. بدون وجود یک مدل از تحول بهنجار، نمی توان نابهنجار را مشخص کرد. مثلا وقتی ما سخن از پدیده ای مانند عقب ماندگی ذهنی

در کودک می‌گوئیم، زیربنای سخن ما وجود مدلی از تحول بهنجار ذهنی است که به کمک آن می‌توانیم مشخص کنیم کودکی عقب مانده است یا نه. در زمینه رفتارهای درست و نادرست و یا سالم و ناسالم در روابط دختر و پسر نیز وجود چنین مدلی ضروری است.

روان‌شناسان در تحلیل رفتارهای انسانی، ابعاد مختلف آن را از یک دیگر تفکیک می‌کنند. یکی از این ابعاد شامل جنبه‌های زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی رفتار است. به عبارت دیگر در تحلیل زندگی انسانی، می‌باید این چهار بعد به شکل مجزا و در عین حال متعامل در نظر گرفته شود. هر یک از این ابعاد، بخشی از دنیای روانی انسان، یا به عبارتی بخشی از شخصیت انسانی را می‌سازند. این ابعاد، ضمن این که خود در فرایند تحول زندگی انسان، یک تغییر طبیعی و قابل پیش‌بینی را طی می‌کنند، به لحاظ فرهنگی و تربیتی نیز اهدافی را دنبال می‌کنند. یعنی این ابعاد از یک سو در درون خود و بر اساس یک تحول نوعی، تغییراتی را پشت سر می‌گذارند و از سویی دیگر بر اساس انتظارات فرهنگی و اجتماعی می‌باید به سمت اهدافی هدایت شوند. این اهداف، یکی از منابع اهداف تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای است و خود به نوعی تعریف‌کننده بهنجاری و نابهنجاری خواهد بود. وقتی جامعه‌ای، بکارت دختر را برای ازدواج، ارزش می‌شمرد، لذا تلاش می‌کند تا دختر را با به حفظ بکارت خویش به ازدواج برساند. این قاعده ممکن است در جامعه‌ای چنین نباشد. این یک هنجار اجتماعی و فرهنگی برای جامعه یا جوامعی خاص به شمار می‌آید، نه قاعده‌ای نوعی.

با این ترتیب، باید برای تعیین رفتار بهنجار و نابهنجار، در روابط دختر و پسر، علاوه بر تحول نوعی انسان، انتظارات فرهنگی و اجتماعی را نیز مد نظر قرار داد. بر این مبنای، در تعریف آسیب در روابط دختر و پسر باید گفت: هر نوع رابطه‌ای بین دختر و پسر که رسیدن آنان به مراحل بالاتر تحول نوعی و فرهنگی - اجتماعی، در هریک از ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی را غیر ممکن و یا دشوار کند، آسیب نامیده می‌شود. مقصود از دشواری، تلاش مضاعف همراه با هزینه‌ای زیاد و در عین حال بهره‌اندکی است که با هزینه‌کرد و بهره‌مندی رفتار پیشین قابل قیاس نباشد. یا به عبارت دیگر بین بهره‌مندی و هزینه‌کرد نزد فرد و یا اکثر اطرافیان او تناسب وجود نداشته باشد. وقتی کسی برای رسیدن چند دقیقه زودتر به مقصد، چنان رانندگی می‌کند که تصادف کرده و خسارت جدی به اتومبیلش وارد می‌شود؛ ناگزیر از هزینه‌کردی است که همراه با دشواری است؛ یا به عبارت دیگر این خود یک جبران دشوار است. در این جا فرد خود و یا اطرافیانش چنین قضاوت می‌کنند که چند دقیقه زودتر رسیدن به چنین خسارتی نمی‌ارزید. ولی اگر در اثر چنین عجله‌ای، راننده جریمه مختصری شود، ممکن است برایش این زود رسیدن در قبال پرداخت چنین جریمه‌ای، مقرون به صرفه باشد. جبران آسیب ناشی از تصادف در این جا به دشواری امکان‌پذیر است، ولی جبران هزینه جریمه ممکن است به سادگی صورت گیرد.

در روابط دختر و پسر در هر جامعه‌ای، از آن جمله در جامعه ایرانی، هر نوع رفتاری که موجب نرسیدن و یا دشواری در رسیدن به اهداف رشدی آن‌ها باشد، آسیب نامیده می‌شود. دختری که به دلیل برقراری روابط پنهانی با پسری، جایگاه مطلوب اجتماعی خود را در نزد خانواده خود، به شکل معناداری از دست می‌دهد، او از چنین رابطه‌ای آسیب دیده است. ما انواع آسیب‌های موجود در جامعه ایرانی را در صفحات بعد، با

¹ - Bio-Psycho-Socio And Spiritual Aspects Of Behavior

^{II} - Phylogenetical Development

تفصیل بیشتری توضیح خواهیم داد؛ لیکن این جا بهتر است به نکات دیگری در زمینه تعریف و مشخص کردن مفهوم آسیب در روابط دختر و پسر اشاره کنیم تا مطالب بعدی را با دیدگاهی روشن تر بیان کنیم. تعریف فوق از آسیب، تعریفی فرد محور است. یعنی در این تعریف ما با در نظر گرفتن زندگی تحولی فرد، تعریفی از آسیب ارائه کرده ایم. بدون در نظر گرفتن یک خط تحولی در زندگی فردی انسان، آسیب معنایی نمی تواند داشته باشد. اینک از منظری دیگر نیز به آسیب می نگرییم و آن منظر اجتماعی است. اگر رفتاری در جامعه رایج شود، به گونه ای که به جامعه به عنوان یک ارگانیزم لطمه بزند، در این جا نیز با یک آسیب، از نوع اجتماعی آن مواجه خواهیم بود.

مسلم است که جامعه، مانند فرد از یک سازمان برخوردار است. ساختارهای اجتماعی در کنار فرایندهای آن، در مقایسه با ساختار ارگانیک و روانی و فرایندهای مربوطه در فرد، از استقلال و اهمیت بالایی برخوردارند. روابط دختر و پسر می تواند در جهت حفظ سلامت جامعه و یا بالعکس در جهت آسیب زدن به آن صورت پذیرد. با در نظر گرفتن جامعه، می توانیم برای روابط دختر و پسر تعریف دیگری از آسیب را ارائه کنیم. بر این اساس: هر گونه رابطه ای که موجب شکستن هنجارهای بنیادی و اصلی اجتماعی و فرهنگی شده و یا موجب شکل گیری هنجارهایی شود که رسیدن جامعه و آحاد آن را به اهداف خود، غیر ممکن ساخته و یا با دشواری مواجه کند، آسیب نامیده می شود. برای مثال، در خرده گروه های اجتماعی که رفتارهای جنسی لجام گسیخته، به صورت یک هنجار قابل قبول در می آید، بنیان خانواده در میان چنین گروه ها و یا گروه های مرتبط با آن ها، به جد لطمه خواهد دید. آسیب خوردن روابط خانوادگی، پی آمدهای جبران ناپذیری را بر جامعه تحمیل خواهد کرد.

انواع آسیب های ناشی از روابط نابهنجار دختر و پسر

وضع هنجارهای رفتاری در جامعه، براساس ملاحظات است که اغلب متوجه مصالح جامعه و آحاد آن است. پایداری تعادل اجتماعی؛ تامین مصالح دراز مدت افراد جامعه، در حد فکر و فرهنگ حاکم در هر جامعه؛ تامین خواست ها و نیازمندی های جامعه و افراد و ضرورت هایی از این دست، زیربنای شکل گیری هنجارهای رفتاری افراد در هر جامعه است. در زمینه تعیین حدود رفتاری بین دختر و پسر در هر جامعه ای، چنین ملاحظاتی موجب شده است تا جوامع برای این نوع رفتارها، حدودی را تعیین کند. تخطی از این حدود، به نسبت میزان عدول از آن ها، آسیب هایی را متوجه افراد آن جامعه می کند.

برای بررسی آسیب های ناشی از روابط غلط دختر و پسر، در جامعه ایرانی، بر اساس مدل تحلیلی زیستی- روانی- اجتماعی و معنوی و دینی، آسیب ها را مورد تحلیل قرار می دهیم. لازم به ذکر است که علی رغم تفکیک موضوعی این مقوله ها و بحث ذیل هر موضوع، آسیب ها جنبه تعاملی داشته و هر آسیبی معمولاً جنبه های مختلفی از رفتار انسانی را درگیر می کنند. وقتی سخن از آسیب زیستی به میان می آید، بدون شک دامنه این نوع آسیب، جنبه های روانی و اجتماعی و معنوی یا دینی فرد را هم در بر می گیرد. لیکن هر آسیبی را به شکل غالب می توان در ذیل یکی از مقوله ها مورد بحث قرار داد.

در زمینه آسیب های ناشی از دوستی های دختر و پسر، تحقیقات زیادی به انجام نرسیده است. به ویژه آن که انجام پژوهش های تجربی و شبه تجربی در این زمینه، با مشکلات عدیده ای مواجه است. با این حال حاجیلری (۱۳۸۴)، در تحقیق نگرش سنج خود که بر روی دانشجویان انجام داده است، در زمینه پی آمدهای دوستی های دانشجویان، پرسش هایی مطرح کرده است. حاصل این پرسش در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۹ - نگرش دانشجویان در مورد پی آمدهای دوستی های دختران و پسران

کاملاً مخالفم	مخالفم	تا بیشتر	مؤقتاً مخالفم	کاملاً مؤقتاً مخالفم	پی آمدها	
%۳/۶	%۸/۹	%۱۰/۹	%۳۸/۸	%۳۷/۴	دخترها بیشتر از پسرها از رابطه دوستانه جنسی متضرر می شوند	۱
%۱۲/۸	%۳۳/۵	%۲۲/۱	%۲۳/۱	%۸/۱	رابطه دوستانه با جنس مخالف، باعث کاهش حیثیت اجتماعی شخص در دانشگاه می شود	۲
%۷/۲	%۱۶/۶	%۱۸	%۳۴/۲	%۲۳/۱	روابط دوستانه و جنسی دختر و پسر، فرد را در آینده با مشکلاتی روبرو می کند	۳
%۱۲/۵	%۱۲/۵	%۳۰/۴	%۲۷/۷	%۱۰/۷	رابطه با جنس مخالف، باعث افزایش بهره وری علمی و درسی دانشجویان می شود	۴

این داده ها در قدم اول، نشان گر میزان موافقت یا مخالفت دانشجویان با ۴ گویه است. این گویه ها، موارد بسیار محدودی از آسیب ها را در بر می گیرد و کاملاً جنبه کلی و نامشخص دارند. با این حال تاحدی می تواند منعکس کننده وجود مشکل در بین جوانان داشته باشد. وقتی بیش از ۷۶ درصد دانشجویان اظهار می کنند که دختران از رابطه دوستی با جنس مخالف، بیش از پسرها آسیب می بینند، این خود نشانگر وجود یک مشکل جدی در این زمینه است. در بررسی های تکمیلی، تفاوت دختران و پسران در زمینه چگونگی اظهار نظر در مورد هر یک از گویه ها نیز مشخص شده است. داده های تحقیق نشان می دهد که بین متغیر جنسیت و نگرش دانشجویان در باره پی آمدهای رابطه با جنس مخالف، تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت به این صورت است که میزان موافقت دخترها با ۳ گویه اول بیشتر از مردهاست در حالی که موافقت مردها در مورد گویه چهارم، یعنی نقش دوستی های دو جنس در افزایش بهره وری علمی و درسی، بیش از دختران است. در مورد رابطه بین مقطع تحصیلی و پی آمدهای دوستی ها، تنها در مورد گویه دوم یعنی تاثیر دوستی ها بر کاهش حیثیت اجتماعی فرد، رابطه معنادار مشاهده می شود. یعنی میزان مخالفت با این گویه با افزایش سنوات تحصیل نیز بیشتر می شود.

در تحلیل دیگری که از بررسی و خلاصه برداری حدود ۲۰۰۰ نامه رسیده به برنامه آینده سازان رادیو، در سال ۱۳۶۳، انجام گرفته است، مهم ترین پی آمدهای دوستی با جنس مخالف، توسط خود نوجوانان به شکل زیر خلاصه شده است. لازم به ذکر است که ۸۵٪ نامه ها را دختران با گروه سنی ۱۲ تا ۲۵ سال نوشته اند. و ۱۵٪ نامه ها را پسران در دامنه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال نگاشته اند (گلزاری، خرداد۱۳۸۶):

۱ - هیجان عشق: آمیزه ای از رؤیاپردازی، پریشان خاطری، شور و شوق و ناآرامی.

۲ - اضطراب: دلهره و تشویش، نگران آشکار شدن موضوع و ترس از برخوردهای اطرافیان.

۳ - افت تحصیلی: به خاطر کاهش انگیزه، نداشتن تمرکز و اتلاف وقت.

۴ - درگیری های خانوادگی: سرزنش و تندخویی والدین، ایجاد محدودیت در رفت و آمدها،

تنبیهات بدنی.

۵ - روان رنجوری: غمگینی و بدتر از آن افسردگی ناشی از ترک و بی وفایی محبوب، فکر

خودکشی و گاه اقدام به آن.

۶ - دستگیری به وسیله مأموران انتظامی: دستگیری و جلب به قرارگاه ها و کلانتری ها،

احضار بزرگ ترها، آبروریزی و متعاقب آن محرومیت و برخوردهای تند خانوادگی.

۷ - سست شدن پایه های دین: کم فروغ شدن دینداری و معنویت، ترک کردن واجبات و

اعمال مذهبی.

۸ - انحراف اخلاقی: کشیده شدن به تماس گناه آلود، فرورفتن در منجلاب باج خواهی و مجبور

شدن به تکرار و تداوم رابطه.

۹ - ازدواج زود هنگام و ناخواسته: مجبور شدن دختر و پسر جوان به ازدواج.

۱۰ - زندگی آشفته و طلاق: روبه رو شدن با بدبینی، پرخاشگری و مراقبت افراطی همسران.

گذشته از این ها، تحقیقات قابل توجه دیگری در زمینه بررسی پی آمدهای دوستی ها، در میان دختران و پسران، به انجام نرسیده است؛ و این در حالی است که شواهد متعددی نشان گر آسیب های گوناگونی است

که از این طریق به نوجوانان و جوانان می‌رسد. اولین گواه این نوع آسیب‌ها، گزارش‌های مکرر گزارش‌گران در روزنامه‌هاست. مهمتر از این نوع گزارش‌ها، و مستندتر از آن‌ها، داده‌های بالینی است که در کلینیک‌های مشاوره و روان‌شناسی، توسط خود مراجعه‌کنندگان ارائه می‌شود. در تحلیل آسیب‌هایی که در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرند، بیش از همه بر شواهد بالینی تکیه می‌شود. و این کار تنها براساس یک ترجیح روش‌شناختی انجام نمی‌گیرد، بلکه عمده‌ترین علت آن، فقدان اطلاعات مورد نیازی است که از سایر روش‌های تحقیقی به دست آمده باشد.

بر این اساس، آسیب‌های ناشی از روابط ناپه‌نجان دختر و پسر را بر اساس مدل بالا و مبتنی بر داده‌های عمدتاً بالینی، مورد بحث قرار می‌دهیم:

۱ - آسیب‌های زیستی یا بدنی

وقتی رفتارهایی از حدود هنجارهای اجتماعی عدول می‌کند، انجام آن‌ها با تبعات از قبیل اضطراب، نالیمنی، سرزنش‌ها و تنبیه‌ها و طردهای اجتماعی، پی‌گیری‌های جزایی قانونی و حتی جزاهای شدید حقوقی، همراه خواهد بود. هر یک از این تبعات می‌تواند با آسیب‌هایی از نوع زیستی یا بدنی همراه باشد. در زمینه روابط دختر و پسر، عدول از هنجارهای پذیرفته‌شده، اغلب اضطراب و تعارض‌زاست. این‌گونه تعارض‌ها و اضطراب‌ها می‌تواند انواع پی‌آمدها را در بر داشته باشد. برای تحلیل موضوع، با محوریت اضطراب و تعارض‌زایی‌های غریزه‌جنسی و پی‌آمدهای ناشی از آن، به بحث پیرامون این پدیده می‌پردازیم.

باید توجه داشت که عوامل متعددی دختر و پسر و زن و مرد را به سوی یک‌دیگر می‌کشاند که یکی از مهمترین‌های آن غریزه جنسی است. کشاننده‌هایی چون تمایل به هم‌صحبتی، نیاز به توجه و دریافت تحسین از دیگری، نیاز به داشتن تکیه‌گاه و نیازهایی از این دست، عوامل مهمی هستند که دو جنس را به شکل طبیعی به سوی یک‌دیگر می‌کشاند. تحریک هر یک از این نیازها می‌تواند تبعات گوناگونی را در پی داشته باشد. ما در این‌جا، با تحلیل تحریک غریزه جنسی، پی‌آمدهای ممکن آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ و متذکر می‌شویم که این تحلیل با درجات گوناگون می‌تواند در مورد سایر کشاننده‌های موجود بین دختر و پسر نیز به کار رود.

دختر و پسر پیش از آن‌که با یک‌دیگر رابطه‌ای فراتر از هنجارهای پذیرفته‌شده برقرار کنند، به شکل طبیعی دارای غریزه جنسی می‌باشند. این غریزه می‌تواند در اثر عوامل گوناگونی تحریک شده و با شدتی بیش از حد طبیعی آن، نوجوان و جوان را تحت تاثیر خود قرار دهد. قطعاً تحریک این غریزه، نمی‌تواند تاثیری مساوی با عدم تحریک آن داشته باشد. غریزه جنسی در حد خود یک انگیزه است ولی وقتی تبدیل به انگیزش می‌شود، یعنی وقتی برانگیختگی جنسی ایجاد می‌کند، تاثیری بسیار متفاوت بر فرد می‌گذارد. وقتی دختر و پسر به تدریج با یک‌دیگر، رابطه برقرار کرده و تماس‌های اندکی بین آنان برقرار می‌شود، این غریزه، شروع به تحریک می‌کند. تحریک این غریزه، خود مستلزم توسعه یافتن تماس‌ها بین دو جنس می‌شود. در کنارهم قرار گرفتن دختر و پسر، موجب تحریک حدی از غریزه جنسی می‌شود که به دنبال آن گرفتن دست یک‌دیگر ضروری می‌شود. گرفتن دست، خود تحریک جدیدی می‌شود برای تماس‌های بیشتر. هر تماسی، خود مقدمه‌ای است برای تحریک‌های بیشتر و بیشتر؛ تا جایی که برقراری رابطه کامل جنسی را بین آن دو اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ و این در حالی است که اغلب، شرایط برای انجام چنین کاری

فراهم نیست. فقدان شرایط مکانی و زمانی و اجتماعی، موجب می شود که گزینه جنسی تحریک شود، بدون امکان ارضاء آن. یعنی یک تحریک وقتی به ارضاء منتهی نشود، منجر به یک ناکامی می شود؛ و ناکامی نیز به نوبه خود پی آمدهایی را به دنبال خواهد داشت.

از این نقطه به بعد است که رفتارهای نابهنجار دیگری شروع به خود نمایی می کند. دو فردی که بخشی از تحریک کنندگی گزینه جنسی یک دیگر را بر عهده دارند، با مشاهده شرایط نامناسب برای ارضای جنسی، یعنی احساس ناکامی در مقابل یک دیگر، شروع به انواع ناسازگاری ها با یک دیگر می کنند. دعوای ریزودرشت و قهر کردن های پی در پی و به دنبال آن انواع پرخاشگری ها، از پی آمدهای معمولی این ناکامی هاست. امروزه در شهرهای بزرگ، بسیاری از انسان ها شاهد مشاجرات بین دختران و پسران هستند. گاه به گاه هر کسی در خیابان شاهد دعوای و گاه کتک کاری های دختران و پسرانی هستیم که به شکل نابهنجاری یک دیگر را هدف قرار می دهند.

اشکال تاسف بارتر این رفتارها، تنزل دختر و پسر تا حد نازل ترین سطوح رفتاری است. برخی از دختران و پسران در اثر شدت یافتن گزینه جنسی، اقدام به برقراری رابطه جنسی در شرایط بسیار نامناسب، از قبیل استفاده از خلوتی خانه یکی از طرفین و یا حتی خانه برخی از اقوام که به نوعی به یکی از آنان اعتماد کرده است، نقاط خلوت در خیابان ها، پشت درختان، پشت ماشین های پارک شده و امثال آن ها، می کنند. چنین اشکالی از ارضاء جنسی، نتایج بسیار ناگواری را در پی خواهد داشت. این گونه ارضاء، از آن جایی که با اضطراب و عجله و نگرانی بسیار زیادی همراه است، نه تنها مشکل جنسی این افراد را مرتفع نمی کند، که از یک سو موجب تحریک شدیدتر و از سوی دیگر موجب تثبیت می شود. تثبیت پدیده ای روان شناختی است که موجب می شود فرد در یک مرحله از رشد روانی توقف کرده و نتواند به مراحل بالاتر برسد. در حقیقت ارضاء همراه با اضطراب یکی از انواع تثبیت را به دنبال خواهد داشت.

به هر حال، آغاز تماس های بین دو جنس، در یک سطح باقی نمی ماند، بلکه پیشرفت کرده و به تدریج درگیری روان شناختی بیشتری را موجب می شود. پیشرفت این گونه ارتباط ها، موجب افزایش تنیدگی شده و طرفین به تدریج علائم سندرم تنیدگی را از خود نشان می دهند. یکی از پی آمدهای این شرایط، شکل گیری انواع پرخاشگری است، که علاوه بر سندرم فرسودگی ناشی از تنیدگی، می توان به عنوان دسته ای از آسیب های بدنی مورد توجه و تحلیل قرار داد.

الف - پرخاشگری های محدود:

دسته ای از آسیب های زیستی، به شکل پرخاشگری های ساده تجلی پیدا می کند. پرخاشگری در اصل رفتاری است که به منظور آسیب زدن به شخصی دیگر انجام می گیرد به شرط آن که آن فرد از آن رفتار اجتناب داشته باشد؛ اگر فردی خود، خواهان رفتار پرخاشگرانه باشد (مانند تمایلات مازوخیستی) آن

^I - Frustration

^{II} - Fixation

^{III} - Stress

^{IV} - Aggression

^V - Masochism

رفتار دیگر پرخاشگرانه نخواهد بود، هر چند که با آسیب نیز همراه باشد. پرخاشگری ممکن است فیزیکی و یا کلامی باشد. پرخاشگری های فیزیکی شامل رفتارهایی هستند که با یک حرکت آشکار آسیب زنده، مانند زدن، پرتاب کردن شیئی به سمت یک فرد، حمله و امثال آن انجام می گیرد. پرخاشگری کلامی سخنی است که موجب آزار دیگری می شود؛ مانند فحاشی، سرزنش، متلک و امثال آن. به برخی از پرخاشگری های کلامی مانند متلک پرانی، نیش و کنایه، که ظاهری آرام دارد، پرخاشگری های انفعالی نیز گفته می شود.^۵

دسته ای از پرخاشگری ها متوجه خود شخص است. به این دسته از پرخاشگری ها، پرخاشگری های متوجه خود گفته می شود. مانند خود زنی ها، خودآزاری ها، ایجاد زخم های بدنی، خودکشی ها و امثال آن. به هر حال پی آمد تعدادی از رفتارهای هنجار شکنانه در روابط دختر و پسر، به پرخاشگری منتهی می شود. برخی از این پرخاشگری ها مشکلات جدی و جبران ناپذیر ایجاد نمی کند. ما این دسته از پرخاشگری ها را پرخاشگری های محدود نام گذاری کرده ایم. تعدادی دیگر از این پرخاشگری ها عوارض جبران ناپذیری را از خود به جای می گذارد، مانند قتل و یا آسیب های مهم بدنی. ما این دسته از پرخاشگری ها را پرخاشگری های حاد نام داده ایم.

در زبردسته پرخاشگری های محدود، می توان به مزاحمت های فیزیکی و کلامی خیابانی اشاره کرد. برخی از پسران با ویراژ دادن در مقابل دختران، موجبات ترس و واهمه آنان را فراهم می کنند. دسته ای دیگر با تعقیب دختران، علاوه بر متلک گویی و تلاش برای باز کردن سر صحبت، گاه حالت تهدید به خود گرفته و دختران را برای خودداری از برقراری رابطه با آنان، به انحاء گوناگون می ترسانند. در این میان هم گاه اتفاقاتی جدی و تاثرانگیزی افتد که شکل ناخواسته داشته، لیکن ناشی از همین پرخاشگری های ساده است. چند سال پیش پسر جوانی در شیراز برای ترساندن چند دختر دبیرستانی که از مدرسه به خانه می رفتند، به سرعت به طرف آنان رفته و به هنگام ویراژ دادن، کارگری را که در میان روز برای صرف نهار به خانه می رفته، زیر گرفته و کشته بود. این رفتار هر چند که برای آسیب رساندن به آن کارگر انجام نگرفته بود، لیکن نمونه ای است از عوارض رفتارهای پرخاشگرانه در روابط دختر و پسر است.

از نمونه های پرخاشگری های ناشی از روابط دختر و پسر، می توان به مشاجره ها و زد و خورد های خیابانی بین دختر و پسر اشاره کرد. دختران و پسرانی که خارج از ضوابط و هنجارهای قابل قبول اجتماعی، با یکدیگر رابطه برقرار می کنند، نه تنها برای دیدار یکدیگر و تلذذ از هم، محل مناسبی ندارند، بلکه برای دعوای خود نیز، جایی جز خیابان را نمی یابند. نمونه ای از این نوع پرخاشگری ها در موردی است که خود برای حل مشکلش به کلینیک مراجعه کرده است.

در یکی از روزهای آذرماه سال ۱۳۸۴، مادری به اتفاق دختر شانزده ساله اش به کلینیک مراجعه کرد. این دختر مدت چهار سال بود که با پسری دوست بود. او از پایان کلاس دوم راهنمایی با این پسر آشنا شده و تا آن روز این رابطه را حفظ کرده بود. او علی رغم ناسازگاری همه جانبه اش با امید (نام مستعار است) نمی توانست از او جدا شده و او را ترک کند. امید بارها با دختران دیگر دوست شده و این دختر را طرد کرده بود؛ ولی او حاضر به ترک امید نبود؛ به قول خودش اگر دو ساعت امید را نمی دید و یا تلفنی با او صحبت نمی

^I - Physical Aggression

^{II} - Verbal Aggression

^{III} - Passive Aggressions

^{IV} - Aggressions Against Self

کرد، دیوانه می شد. مادرش می گفت به محض این که از مدرسه به خانه می آید، کیفش را به گوشه ای پرتاب کرده و به سراغ تلفن رفته و مدت مدیدی با امید صحبت می کند. این صحبت ها اغلب با مشاجره و جنگ و جدل همراه است، ولی هرگز پایان نمی یابد و به این رابطه هم پایان نمی دهد. مادرش می گفت که امید فحش های بسیار رکیکی به دخترش می دهد. نقل می کرد: "یک بار تلفن را برداشتم و او به خیال این که دخترم گوشی را برداشته فحشی را پشت تلفن به زبان آورد که از تکرار آن شرم دارم. ولی با این حال دخترم نمی تواند دست از او بردارد."

مادر و دختر هر دو، واقعه ای را تعریف می کردند که حاکی از کتک زدن دختر در خیابان و در مقابل دیگران بود. چند ماه قبل از مراجعه به کلینیک، وقتی دختر به اتفاق خواهرش و همراه با امید، به مناسبت سالروز تولد دختر، بیرون رفته بودند، امید یقه دختر را گرفته و بعد از زدن یک یا چند سیلی به صورت او، آخر الامر با پشت دستش چنان به دهان او می زند که انگشتر دستش موجب زخمی کردن و خونریزی دهان دختر می شود. امید بعد از این ضرب و شتم، راهش را گرفته و از آن ها جدا می شود. خواهر دوقلوی دختر، موبایل خواهرش را گرفته و پیامی برای امید می فرستد و از او برای کتکی که به دوست دخترش زده، عذر خواهی می کند و از او تقاضای بخشش می کند!!!

دختر می گفت زندگی را بدون امید نمی خواهد. حتی چند بار امید به او گفته بود: "مگر نمی گویی هر چه من بگویم انجام خواهی داد؟ حالا به تو می گویم خودت را بکش". دختر می گفت: "چند بار هم قرص تهیه کرده ام که خودم را بکشم، ولی نتوانسته ام. به امید گفته ام من نمی توانم خودم را بکشم، تو اگر می خواهی من بمیرم، خودت مرا بکش". دختر در پاسخ سؤال من که گفتم آیا می خواهی با امید ازدواج کنی؟ گفت: "آری می خواهم با او ازدواج کنم". گفتم: علیرغم این همه ناسازگاری، باز می خواهی با او ازدواج کنی؟ جواب داد: "آری من زندگی را با امید می خواهم، بدون او چیزی را نمی خواهم". او می گفت که امید معتقد است اختلافات ما با هم دیگر به دلیل دوری ما از یک دیگر است، اگر ازدواج کنیم و به طور مشترک زندگی کنیم، دیگر این اختلافات را نخواهیم داشت. به او گفتم: به این ترتیب این نکته که گفته می شود دختر و پسر برای شناخت یکدیگر و بررسی تناسب با هم، لازم است مدتی با هم دوست باشند، معنی اش این است که حتی اگر عدم تناسب را هم دیدند، باز با یکدیگر ازدواج کنند، زیرا این عدم تناسب بعد از ازدواج از بین خواهد رفت؟ او این نتیجه گیری مرا تایید کرد، یعنی فرقی نمی کند بعد از دوستی سازگاری یا عدم سازگاری اثبات شود، آن دو باید با یکدیگر ازدواج کنند، با این تفاوت که در شرایطی که دختر و پسر باهم دوست نشده اند، دست کم هر دو طرف به سخنان و نصایح دیگران گوش می دهند، ولی بعد از دوستی به این نصایح و اظهار نظرها گوش هم داده نخواهد شد. این ها بخش ها کوچکی از چگونگی ارتباط بین این دو نفر بود، به طور قطع چنین دختری، آمادگی دارد به اشکال گوناگون مورد بهره برداری پسر قرار گیرد، که از بیان آن ها در جلسه مشاوره اجتناب می کند.

به دنبال چنین روابطی، گاه دختران و پسران دچار سرخوردگی و طرد از طرف مقابل شده و اقدامات خطرناک تری را به اجرا می گذارند. از جمله این موارد اقدام به خودکشی است که اغلب شکل نمایشی و ترحم جویانه دارد. این گونه خودکشی ها هر چند که با انگیزه جلب توجه دوست دختر و یا پسر انجام می گیرد، و نمی توان آن ها را جدی گرفت، لیکن گاه با ناشی گری همراه شده و موجب صدمات جدی از جمله مرگ فرد می شود (گلزاری، خرداد ۱۳۸۶):

خودآزاری های دیگری نیز در این زمینه مشاهده می شود. کندن نام معشوق بر روی پوست و یا ایجاد زخم عمیق بر روی بدن، از جمله مواردی است که مشاهده می شود. دخترانی که در کانون اصلاح و تربیت نگه داری می شوند که جرم بسیاری از آنان داشتن رابطه نامشروع است، گاه به شکل مازوخیستی، بدن خود را با شیئی تیزی زخمی کرده و روی زخم را پیوسته می خراشند تا مانع از بهبودی آن شوند. این دختران گویی با این رفتارها یک پرخاشگری عمیق نسبت به بدن خود، که تا این حد موجب آزار آنان شده است، را به نمایش می گذارند.

نمونه دیگر پرخاشگری های ناشی از روابط دختر و پسر، مشاجرات و دعوای خیابانی بین پسران و دختران رقیب است. گاه دو یا چند پسر در یک دعوی دو طرفه و یا گروهی، بر سر دختری، به جان یکدیگر افتاده و پرخاشگرانه یک دیگر را به باد کتک می گیرند؛ مشابه رفتاری که در میان برخی از حیوانات، برای تصاحب جفت مشاهده می شود. این گونه پرخاشگری ها، هر چند که اغلب به یک نزاع محدود منتهی می شود، لیکن گاه به دلیل ناشی گری هایی، به آسیب های جدی تری نیز ختم می شود؛ مانند مرگ یکی از طرفین که در این صورت پرخاشگری به شکل حاد در می آید.

استرس های ناشی از محرومیت از یک دیگر و نیز استرس ناشی از هنجارشکنی، دامنه ای وسیع تر از محیط بیرون را به خود اختصاص می دهد. نوجوانان اغلب فشارهای ناشی از این پدیده را به خانه آورده و انواع ناسازگاری ها و پرخاشگری ها را نسبت به والدین و خواهران و برادران خود اعمال می کنند. هر چند که در آغاز آشنایی، ممکن است دختر و یا پسر، اندکی آرامش وطمأنینه را از خود نشان دهند، لیکن در ادامه کار و بر اساس آن چه پیش از این گفتیم، در اثر تحریک های مکرر و عدم امکان ارضاء مناسب، نوجوانان دچار تنیدگی شده و به دنبال تخلیه تنیدگی های خود هستند. این وضعیت، حساسیت نوجوان و جوان را بالا برده و موجب تحریک پذیری زیاد آنان می شود. این جاست که هر گونه اعتراض و یا سخت گیری والدین منجر به عصبانیت و پرخاشگری آنان می شود. این است که پرخاشگری های خانگی نیز دامنه ای گسترده تر پیدا می کند. این نوع پرخاشگری ها نیز در دامنه پرخاشگری های محدود طبقه بندی می شود.

ب - پرخاشگری های حاد و جدی:

پرخاشگری ها در مواردی در حد ساده خود باقی نمی ماند و اشکال بسیار پیچیده و حاد به خود می گیرد. وقتی روابط نادرست دختر و پسر منجر به وقایعی می شود که عملاً در مقوله جنایت قرار می گیرد، سخن از یک پرخاشگری محدود نیست، بلکه در چنین مواردی پای حوادثی چون قتل، آسیب های جدی جسمانی، آدم ربایی، سرقت مسلحانه و امثال آن به میان می آید.

بسیاری از وقایع جنایی که گزارش های آن ها به انحاء گوناگون منتشر می شود، نشانی از روابط نادرست دختر و پسر و یا زن و مردی را در خود دارد. یکی از سندرم های مشترک در بسیاری از این حوادث به شکل بلندپروازی های تشدید شده برای رسیدن به یک دیگر تجلی پیدا می کند. دختر و پسر بعد از ملاقات های مکرر و تشدید نیازهای یک دیگر، به جد دچار محرومیت شده و در صدد برداشتن سدهایی که آندو را از یک دیگر جدا نگه می دارد برمی آیند. این سدها ممکن است شامل فرد یا افرادی باشد، و یا ممکن است محدودیت های مالی برای رسیدن به یک دیگر باشد و نیز ممکن است حتی همسر یکی از طرفین بوده باشد. در مواردی نیز ممکن است عدم تمایل یک طرف برای زندگی با طرف دیگر موجب یک تحریک

شدگی یک طرفه شده و در نتیجه موجب احساس ناکامی و محرومیت طرف مقابل شده و در او افکار پرخاشگرانه ای را برانگیزد؛ همچون مواردی که به شکل پاشیدن اسید به روی فرد مورد تقاضا انجام می گیرد.

مواردی که به این شکل به پرخاشگری های سخت منجر می شود، از شماره بیرون است و ذکر یک هزارم آن ها نیز به سادگی امکان پذیر نیست. لیکن در این جا ذکر مواردی از این نوع پرخاشگری ها، به ویژه آن هایی که نویسنده خود از نزدیک آن ها را بررسی کرده است، برای نمونه می تواند مفید باشد.

در روز دوشنبه بیست و سوم مرداد ۱۳۷۴، در حوالی اصفهان، واقعه تاسف باری اتفاق افتاد که در آن دختر شانزده ساله ای با نام نسیم (نام مستعار است) به اتفاق دوست پسرش با نام تیمور (نام مستعار است) که نوزده سال سن داشت، چهار عضو خانواده دختر را به شکل فجیعی به قتل رساندند. شکل واقعه این گونه بود که در روز حادثه، در حالی که بجز نسیم، کسی از اعضاء خانواده در خانه حضور نداشت، پسر به خانه آنان آمده و در زیر زمین خانه یک دیگر را ملاقات کرده، منتظر آمدن یکایک اعضاء خانواده دختر برای اجرای هدف خود می ماند.

اولین فردی که به خانه می آید، خواهر سیزده ساله نسیم است. او وارد زیر زمین شده و در حالی که تیمور خود را در گوشه ای پنهان کرده است، با نسیم شروع به گفتگو می کند. نسیم به او پیشنهاد یک بازی را می دهد؛ به او می گوید اگر بتواند سرش را ۲۰ ثانیه داخل آب نگه دارد، به او دویست تومان جایزه می دهد. خواهر نسیم این پیشنهاد را می پذیرد. هر دو به انباری خانه رفته و تشتی را آورده و وسط زیرزمین می گذارند. با کمک هم، آن را پر از آب کرده و بازی را شروع می کنند. نسیم به خواهرش می گوید برای این که کلک نرنی بهتر است دستهایت را از پشت ببندم؛ خواهر هم قبول می کند. نسیم دستهای او را از پشت بسته و او خود سرش را داخل تشت آب می برد. نسیم دستش را به پشت سر خواهرش گذاشته و به تیمور اشاره می کند که از مخفیگاه خود بیرون بیاید. او نیز از مخفیگاه بیرون آمده و دستش را به جای دست نسیم، بر پشت سر خواهر گذاشته و نسیم هم کمر و پای خواهر را محکم نگه می دارد. تیمور سر خواهر را آنقدر درون آب نگه می دارد تا جان بسپارد. نسیم نیز با افتادن بر روی دست و پای خواهرش، تیمور را یاری می کند. آن دو، جنازه خواهر سیزده ساله نسیم را به گوشه زیرزمین برده و مقداری رختخواب روی آن ریخته و پنهان می کنند. این واقعه حوالی ساعت ده صبح اتفاق می افتد.

مادر نسیم حدود ساعت یازده به خانه می آید. در این هنگام، باز تیمور در گوشه ای پنهان شده است. مادر از نسیم سراغ خواهرش را می گیرد. نسیم می گوید که او به خانه همسایه رفته است. مادر نگران شده به در خانه همسایه می رود؛ همسایه اظهار بی اطلاعی می کند. مادر به خانه برگشته و کفش های دخترش را در مقابل در زیرزمین می بیند. به داخل زیرزمین آمده و نسیم را به باد بدترین فحش ها و ناسزاها گرفته و از او سراغ دخترش را می گیرد. در این هنگام تیمور از مخفیگاه خود بیرون آمده و با یک دسته هاون محکم به سر مادر نسیم می کوبد. مادر، سرش شکسته به زمین می افتد ولی بی هوش نمی شود و شروع به داد و فریاد می کند. تیمور که هیכלی درشت دارد دستش را مقابل دهان و بینی مادر می گیرد تا او را خفه کند. مادر که در کنار در زیرزمین به زمین افتاده، شروع به تقلا کرده و پای خود را به در می کوبد. نسیم برای کمک به تیمور و نیز برای جلوگیری از ایجاد سروصدا، بر روی پاهای مادر نشسته و دستان او را محکم نگه می دارد. مادر در آخرین تلاش های خود دستش را از دستان نسیم خارج کرده و چنگی به صورت او می زند.

جای این زخم حتی بعد دوازده روز از واقعه، که من نسیم را در زندان دستجرد اصفهان ملاقات کردم، بر روی صورت او باقی بود.

مادر نیز خفه شده و می میرد. نسیم و تیمور، جنازه مادر را نیز به کنار دختر سیزده ساله اش منتقل کرده و او را نیز با رختخواب استتار می کنند.

همان روز، برادر هشت ساله نسیم به اتفاق پدرش که کارمند بانک است، به سرکار پدر رفته بود. پدر حوالی ساعت چهار بعد از ظهر، برادر نسیم را به در خانه آورده و بدون این که خود از ماشین پیاده شود، او را به داخل خانه می فرستد. پدر، خود باید به کلاس کامپیوتر برود. برادر به داخل خانه می آید. برنامه ای که برای خواهر سیزده ساله اجرا شده است، در انتظار این برادر هم هست. برادر نیز به سرنوشت خواهر بزرگترش دچار می شود. از نسیم پرسیدم چه فرقی بین مرگ خواهر و برادرت وجود داشت؟ جواب داد: برادرم چون کوچکتر بود، کمتر از خواهرم دست و پا زد و زودتر مرد.

جنازه سوم هم به کنار دو نفر دیگر منتقل شده و در آن جا آرام می گیرد. دو جانی، در انتظار آمدن پدر می نشینند. فردای آن روز میلاد مبارک رسول اکرم(ص) و امام صادق(ع) است. پدر جعبه ای شیرینی به دست گرفته و به خانه می آید. نسیم خود جرات مواجه شدن با پدر را ندارد. تیمور به طبقه بالای خانه رفته و در انتظار بالا رفتن پدر از پله ها می ماند. پدر جعبه شیرینی را بر روی پله ها گذاشته و خود برای تعویض لباس به طبقه بالا می رود. تیمور در میانه راه، جسم سنگینی را از بالا به طرف سر پدر پرتاب می کند. آن جسم به پدر اصابت کرده، او را نقش بر زمین می کند؛ با این حال پدر از هوش نرفته و برخاسته برای مقابله با تیمور آماده می شود. تیمور نیز وقتی این صحنه را می بیند، از پله ها پایین آمده و با پدر نسیم درگیر می شود. آن دو، در صدد خفه کردن یک دیگر برمی آیند؛ هر یک تلاش می کند دیگری را از پای درآورد. مدت زمان زیادی طول می کشد تا این که هر دو از حال رفته و درگیری پایان می پذیرد. تیمور ابتدا فکر می کند مرده است. او پدر نسیم را چنان مقاوم یافته بود که فکر می کرد از این درگیری جان سالم نتوانسته است به در برود. در تمامی این مدت نسیم جرات آمدن به میدان را ندارد. بالاخره وقتی تیمور کمی تمدد قوا می کند، متوجه می شود که هنوز زنده است؛ و این پدر بود که از پای در آمده و مرده بود.

شبانه، چهار جنازه را در صندوق عقب و صندوق عقب و صندوق عقب ماشینی گذاشته و با ریختن مقداری اسباب اثاثیه، آن ها را استتار می کنند. آن روز، روز عید و تعطیل است؛ از فرصت استفاده کرده و سحرگاه برای خلاصی از جنازه ها در جاده راه افتاده و به طرف شهر کرد می روند. در طول روز جایی برای رها کردن جنازه ها نمی یابند. حدود هزار کیلومتر در طول یک روز رانندگی می کنند، ولی نمی توانند از شر جنازه ها خلاص شوند. حوالی غروب در کنار نهر آبی توقف و از تاریکی هوا استفاده کرده و جنازه ها را در آن جا رها می کنند و خود راهی خانه می شوند.

در میان راه نقشه می کشند که آخرین گام کار را با گمراه کردن پلیس بردارند. تیمور به نسیم می گوید که به خانه رفته و با شیون و زاری، واقعه را برای همسایه ها این گونه تعریف کند که: من به اتفاق خانواده، صبح زود به پیک نیک رفتیم. هنگامی که در کنار نهری مشغول تفریح بودیم، چند نفر به ما حمله کرده، خواهر و برادرم را در آب خفه کرده و با پدرم درگیر شده و او را نیز خفه کردند. مادرم را هم با کوبیدن شیئی سنگینی به سرش از پای در آورده و در نهایت او را نیز خفه کردند؛ در این میان من توانستم فرار کرده، از کشته شدن در امان بمانم.

تیمور به نسیم می آموزد که اگر از او پرسیدند چه طور ماشین را به شهر آورده ای، جواب دهد که یک خانواده از آن جا می گذشتند که دلشان به نسیم سوخته و او را همراه با ماشینش به شهر آورده و ماشین را در کنار خیابانی پارک کرده و رفته اند. تیمور که فکر می کرد نقشه ای بدون نقص طراحی و اجرا کرده است، با خیال راحت به خانه رفته و به استراحت می پردازد.

پلیس وقتی با راهنمایی نسیم بالای سر جنازه ها می رسد، در همان نگاه اول متوجه دروغ بودن ماجرا می شود. زیرا از قتل اول حداقل ۳۶ ساعت و از قتل آخر دست کم ۲۴ ساعت گذشته است. جنازه ها متورم شده و به وضوح دلالت از قتل در شرایط دیگر می کند. پلیس به نسیم می گوید راستش را بگو چه شده است؟ نسیم نیز بدون کوچکترین مقاومتی، می گوید یک پسر در همسایگی ما این کار را کرده است؛ و آدرس او را می دهد. پلیس نیز به در خانه تیمور رفته و او را به راحتی دستگیر می کند.

تحلیل و تعلیل این ماجرا احتیاج به تفصیل زیاد دارد؛ لکن نکته ای که محقق به آن رسیده است این است که این دختر و پسر از حدود یک سال پیش با یک دیگر دوست شده بودند. در این مدت، هم دیگر را ملاقات می کردند. هر ملاقات به تمایل آن دو به یک دیگر می افزود. پسر یک بار به خواستگاری دختر می آید. پدر نسیم بدون این که عمق واقعه را بشناسد و در نظر داشته باشد، با این ازدواج مخالفت می کند. او به دخترش می گوید که این پسر چیزی ندارد؛ اگر بخواهی با او ازدواج کنی با ید از صفر شروع کنی. دختر هم به ظاهر با پدر موافقت می کند؛ در حالی که تمایلش به پسر به قوت خودش باقی بوده است.

دختر و پسر بعد از مدتی، راهی برای رسیدن به یک دیگر می یابند؛ و آن این که دختر شب ها به بهانه درس خواندن به خرپشته رفته و تا صبح در آن جا به ظاهر درس می خواند. تیمور نیز از روی پشت بام ها به این جا آمده و شب را با او به صبح می رساند. در طول این مدت تماس های جنسی مکرر بین آن دو به وقوع می پیوندد؛ آن هم در شرایطی اضطراب زا. یک بار پدر به پشت بام رفته تا حالی از دخترش بیبرد؛ تیمور همان هنگام در اتاق است. دختر وقتی متوجه آمدن پدر می شود، مضطرب از اتاق بیرون آمده، به پدر سلام می کند. پدر می پرسد: دخترم چه می کنی؟ او هم در جواب می گوید: درس می خوانم. پدر نیز به همین جواب دختر قناعت کرده، دیگر داخل اتاق نمی شود.

تماس های مکرر جنسی آن دو، نه تنها از عطش آن ها نکاسته بود که به دلیل ارضاء همراه با اضطراب، شدت نیز پیدا کرده بود. شدت تمایل به هم، آن دو را چنان نیازمند یک دیگر کرده بود که ناگزیر از طراحی و اجرای نقشه ای شوم و احمقانه کرده بود. در ذهن آن دو، قتل این چهار نفر مانند اخراج چهار نفر از یک بازی بود. آن دو فکر می کردند که با کشتن این چهار نفر، آن ها را از بازی زندگی اخراج کرده و مایملک پدر را دو نفری تصاحب خواهند کرد و به راحتی به وصال هم خواهند رسید.

دختر می گفت، وقتی ما مشغول کشتن بودیم، از تیمور پرسیدم: نکند ما را دستگیر کنند؟ تیمور در پاسخ گفته بود: " در ایران که پوارو وجود ندارد تا بتواند ما را دستگیر کند." بعد از رها کردن جنازه ها، به هنگام بازگشت، تیمور با خیال راحت از این که کار تمام شده و کسی نیست که اصل ماجرا را شناسایی کند، به نسیم گفته بود که ما هفته آینده برای عروسی باید به شهرستان برویم؛ آیا ماشین را می دهی که من با خودم ببرم؟ نسیم هم قول ماشین را برای هفته دیگر به او داده بود.

این نمونه ای بود از پی آمد رابطه نامناسب بین دختر و پسر و اینک نمونه ای دیگر را که در آن کسانی که رابطه خلاف هنجار دارند خود قربانی می شوند را مطرح می کنیم. پیش از طرح این مورد باید توجه داشته باشیم که جامعه برای شکستن هنجارهای خود، نظام تنبیهی خاصی را طراحی و اجرا می کند. در برخی از

جوامع نظام تنبیهی بسیار سخت و در بعضی دیگر، ساده انگارانه تر است. به هر حال تنبیه وجود دارد. آن چه مهم است، تشخیص منشاء این نظام است که آن جامعه ای است که فرد در آن زندگی می کند. بسیاری از افراد بدون توجه به سرچشمه هنجارهای اجتماعی، گاه نظام حکومتی را مسول نحوه برخورد با هنجارشکنی های نوجوانان و جوانان می دانند؛ و این در حالی است که نظام حکومتی و نیروهای مجریه آن، بسیار عقب تر از جامعه عمل می کنند. جامعه بسیاری مواقع نیروی انتظامی و قضایی کشور را متهم به سهل انگاری در این زمینه می کند. در اصل جامعه، نظام تنبیهی سخت تری را برای عدول از هنجارهای خود وضع می کند. در بخش هایی از ایران، عدول از هنجارهای مربوط به روابط دختر و پسر، مجازات مرگ را به دنبال دارد. هنوز در قسمت هایی از کشور ایران، اگر دختری از حد مورد انتظار فراتر برود، توسط خانواده اش به قتل می رسد. این خود نوعی آسیب ناشی از هنجار شکنی در روابط بین دو جنس است. واقعه ای که در زیر بیان می شود، نمونه ای از این شیوه و تفکری که در پشت آن نهفته است می باشد:

یکی از همکاران ما موضوع یکی از مراجعینش را این گونه تعریف می کرد: خانم جوانی به او مراجعه کرده و از او در مورد کاری که به اتفاق پدرش انجام داده است، سؤال می پرسد. او واقعه را چنین تعریف کرده است: ما در یکی از مناطق مرکزی ایران زندگی می کنیم. حدود یک سال پیش متوجه شدیم که خواهر کوچکترم، با پسر عمویم سروسری دارند. این کار در فامیل ما بسیار ناپسند و خلاف عفت و غیرت ماست. با این حال، برای فیصله دادن به موضوع، آن دو را به عقد یک دیگر در آورده و آن ها را زن و شوهر یک دیگر کردیم. هرچند که آن دو اینک دیگر زن و شوهر شده بودند، ولی غیرت ما، رابطه قبل از ازدواج آن ها را نمی توانست تحمل کند.

از این رو من به اتفاق پدرم تصمیم گرفتیم آن دو را از میان برداریم. آن ها متوجه نقشه ما شده و فرار کردند. می خواستند به اتفاق هم به شهر دیگری بروند. من و پدرم وقتی خبر فرار آن ها را شنیدیم، آن دو را دنبال کرده و سر جاده گیر آوردیم. پسر به هر حال موفق به فرار شد؛ ولی دختر نتوانست فرار کند. او را گرفته، به خانه آوردیم. او را به طویله برده و طنابی را از سقف طویله آویخته و خواستیم او را دار بزنیم. طناب پاره شد و او به زمین افتاد. ما وقتی از این طریق نتوانستیم کار او را به انجام برسانیم، روسریش را از سرش باز کرده و به دور گردنش بستیم. یک سر روسری را من گرفته و سر دیگرش را پدرم؛ آن قدر کشیدیم که خفه شد.

این خانم برای طرح این سوال به مشاور مراجعه کرده بود که از او پرسد: آیا ما کار بدی کرده ایم؟! هنجارشکنی در روابط دختر و پسر، تنها به پرخاشگری برعلیه دیگران منجر نمی شود؛ بلکه در مواردی نیز متوجه خود فرد می گردد. هنگامی که شکستن هنجارها، چنان شدتی داشته باشد که خود نوجوان و یا جوان تحمل آن را نداشته باشد، می تواند منجر به پرخاشگری برعلیه خود، از جمله خودکشی شود.

مطالعه مواردی از این دست، بیشتر براساس مشاهدات بالینی در کلینیک ها امکان پذیر است. یکی از همکاران خانم ما، موردی را گزارش می کرد که مادری در اثر ضربه شدید روانی در اثر مرگ دختر و پسر جوانش مراجعه کرده بود. آن چه که به ظاهر مطرح شده بود، مرگ یک خواهر و یک برادر جوان، در اثر یک سانحه بود؛ لکن واقعیت چیز دیگری بود که تحمل آن برای یک مادر به سادگی امکان پذیر نیست.

قضیه از این قرار بود که تعدادی جوان که پسر این خانم هم جزو آن ها بود، گروه خوش گذرانی را تشکیل داده بودند که با انواع تفریحات خود را سرگرم می کردند. یکی از این تفریحات، برقراری رابطه، آن هم به شکل گروهی با دختران بوده است. یک روز یکی از دوستان خبر آوردن دختری به خانه خود را به دوستانش می دهد. دوستان نیز به هوای این خوان گسترده راهی خانه دوست می شوند. دختر درون اتاقی

بوده که پسران یکی پس از دیگری به سراغ او رفته و مورد پذیرایی دختر قرار می گرفتند. پس از همه، نوبت به پسر این خانم می رسد. پسر وقتی وارد اتاق می شود، با صحنه تکان دهنده ای مواجه می شود؛ او خواهر خود را درون اتاق ملاقات می کند. دختری که پذیرای تمامی دوستان او بود، کسی جز خواهر او نبود.

آن دو وقتی با یک دیگر مواجه می شوند، چنان شوکه می شوند که هیچ راهی جز خودکشی در پیش پای خود نمی بینند. آن دو خودکشی می کنند. دوستانی که بیرون از اتاق منتظر اتمام کار و بیرون آمدن دوستشان نشسته بودند، ابتدا با متلک پرانی و شوخی، دوست خود را مورد خطاب قرار داده و از او می خواهند هر چه سریعتر کار را به اتمام رسانده و بیرون بیاید؛ ولی این شوخی و خنده ها، بی پاسخ می ماند. تاخیر بیش از حد پسر، دوستانش را نگران می کند. آنان که گویی نگران سر رسیدن پدر و مادر صاحب خانه بودند، تلاش در باز کردن در کرده و بالاخره در را باز می کنند و با تعجب و وحشت، با جنازه آن دو مواجه می شوند.

پدر و مادر آن دو، وقتی از ماجرا باخبر می شوند، خود را با مصیبتی روبرو می بینند که به هیچ رو قدرت اظهار آن را ندارند. در این میان مادر نیازمند کمک های روان شناختی می شود. او این مشکل را هیچگاه نمی تواند برای خود تحلیل کند.

اشکال دیگری از پرخاشگری های حاد در روابط دختر و پسر وجود دارد که بهتر است در این جا از ذکر دیگر موارد آن خودداری کنیم^۶ و فقط به این نکته توجه کنیم که بالاخره هنجارشکنی در این زمینه می تواند پی آمدهای شدیدی داشته باشد که برخی از آن ها نه تنها متوجه خود فرد می شود که گاه دامنه آن تا افراد دیگر نیز گسترش یافته و در مواردی حتی وجدان بشری را خدشه دار می کند.

ج - سوء مصرف مواد

یکی از پی آمدهای روابط دختر پسر، سهمی است که این روابط در سوء مصرف مواد می تواند داشته باشد. البته ابتلا به اعتیاد، زمینه ها و عوامل متعددی دارد، لیکن یکی از زمینه ها می تواند گسترش روابط بین دختر و پسر، خارج از چارچوب های هنجاری جامعه باشد.

ساده ترین زمینه گرایش دختران و پسران به اعتیاد، استفاده از سیگار به عنوان نمادی از بزرگ شدن است. سیگار یکی از شاخص هایی است که در نزد برخی از نوجوانان، نشانه ای است از بزرگ شدن. این دسته از نوجوانان با کشیدن سیگار احساسی از بزرگ شدن را برای خود و سایرین به نمایش می گذارند.

سیگار در عین حال در مرحله ای، به عنوان وسیله ای برای احساس آرامش مورد استفاده قرار می گیرد. جوانانی که سیگار می کشند، گاه از آثار آرام بخشی آن و روشی برای تحمل سختی و گرفتاری های ذهنی و فکری نام می برند. با توجه به این که انجام کارهایی خارج از چارچوب هنجاری جامعه می تواند برای نوجوان و جوان ایجاد استرس کند، لذا سیگار وسیله ای می شود برای تخیله برخی از این استرس ها.

علاوه بر سیگار، وقتی روابط دختر و پسر از شکل فردی خارج شده و به روابط جمعی بدل می شود، زمینه لازم برای ابتلا به سایر اعتیاد ها نیز فراهم می شود. از آن جایی که روابط دختر و پسر، گاهی به شکل گروهی در می آید، در چنین شرایطی زمینه لازم برای ابتلا به اعتیاد افزایش می یابد. با این حال که انجام تحقیقات و مطالعات کنترل شده در این گونه موارد به سادگی امکان پذیر نمی باشد، لکن برخی مطالعات گواه

ابتلا جوانان به اعتیاد در چنین گروه هایی است. مورد زیر گزارشی است که سایت آفتاب آن را گزارش کرده است.

"رفتارهای مرتبط با سوء مصرف مواد معمولاً از اوایل ۲۰ سالگی آغاز می گردد (اغلب بین ۱۵ تا ۲۵ سالگی). علل تمایل به مصرف مواد مخدر بسیار متنوع می باشد از جمله: اضطراب، افسردگی، نابسامانی های خانوادگی و مشکلات اقتصادی. سوء مصرف مواد، در طبقه مرفه اجتماع نیز ممکن است روی دهد یعنی در کسانی که از اوقات فراغت بیشتری برخوردارند یا والدین نظارت کمتری بر آنان دارند.

در مطالعه ای که در سال ۱۳۷۸ از نظر الگوی سوء مصرف مواد انجام گرفت نشان داد که یک سوم موارد اولین استفاده مواد مخدر در بین جوانان ایرانی زمانی اتفاق افتاده است که گروهی از جوانان هم سن و سال دور هم جمع بوده اند و بسیاری از این موارد دوست معتاد داشته اند لذا پرهیز از قرار گرفتن در موقعیت هایی که فرد را در معرض خطر سوء مصرف مواد قرار می دهد شدیداً توصیه می گردد."

ابتلا به اعتیاد، خود مقدمه ای است برای سایر آسیب های جسمانی که یکی از رایج ترین آن ها ابتلا به آلودگی های از جمله ایدز است. این بیماری با این حال که در بسیاری از نقاط جهان اغلب از طریق تماس جنسی منتقل می شود، لکن در دو کشور ایران و لیبی بیشتر از طریق استفاده از سرنگ آلوده و توسط معتادان انجام می گیرد. در ایران بالا ترین آمار ابتلا به بیماری ایدز، از طریق استفاده مشترک از سرنگ آلوده گزارش شده است.

علاوه بر این افزایش شیوع ایدز در مصرف کنندگان اکستاسی نیز جدیداً گزارش شده است. مطالعات ثابت کرده اند که جوانان تحت تاثیر اکستاسی، اقدام به برقراری ارتباطات جنسی نا مطمئن و حفاظت نشده بیشتری می کنند. در اصل با استفاده از موادی چون اکستاسی، زمینه ابتلا به سایر آسیب های جسمانی از جمله ایدز بیشتر فراهم می شود.

با طرح این موضوع، می توانیم به بررسی پی آمدهای رفتار نابهنجار دختر و پسر در ابتلا به بیماری های آمیزشی بپردازیم.

د - آلودگی های آمیزشی

پیش از این گفتیم که روابط بین دختر و پسر، وقتی از حدود هنجاری خود خارج می شود، به سمت زیادت طلبی و شدت یا فتن تمایلات میل می کند. دختر و پسر، در مواجهه های اولیه، تنها یک تمایل ساده را به سوی هم دیگر از خود نشان می دهند؛ لکن وقتی تماس ها و ملاقات ها استمرار می یابد، به تدریج تمایل دو طرف به سوی یک دیگر نیز شدت پیدا می کند. تماس های چشمی، دو طرف را به سوی تماس های دستی سوق می دهد. دست در دست گرفتن، آنان را به سمت شانه به شانه راه رفتن سوق می دهد. این گونه تماس آن ها را به سوی دست به گردن آویختن می کشاند؛ چنین رفتاری در همین حد باقی نمی ماند و به تدریج آن دو را به سوی تماس های کامل جنسی سوق می دهد. به عبارت دیگر طبیعت غریزی انسان، او را به ارضای کامل می کشاند و کسانی که در مراحل اولیه ارتباط بین دو جنس و رعایت حدود صحیح و

^۱ - www.aftab.ir

^۲ - Ecstasy

هنجاری، از خود خویشتن داری نشان نداده و مرزهای ارتباطی را یکی پس از دیگر از میان بر می دارند، آماده اند تا ارتباط میان دو جنس را تا آخرین مرحله غریزی آن پیش ببرند. معمولاً برای چنین افرادی، موقعیت های مطمئنی برای ارضای نیاز وجود ندارد، لذا ناگزیر از تماس های نامطمئن، همراه با اضطراب، غیر بهداشتی و همراه با هنجارشکنی های شدیدتر خواهند بود. یکی از پی آمدهای چنین روابطی، بروز آسیب های آمیزشی است. این گونه آسیب ها شامل مواردی از قبیل بارداری نامشروع و ناخواسته، ابتلا به آلودگی های گوناگون از جمله ابتلا به ایدز است. از آن جایی که در کشوری چون ایران، انجام مطالعات علمی دقیق در چنین شرایطی به سادگی امکان پذیر نمی باشد، بیشترین اطلاعات ما در این مورد، به دست آمده از مشاهدات بالینی و اطلاعاتی است که از طریق ارتباطات مبتنی بر اعتماد متقابل، کسب شده اند. ما مقداری از این اطلاعات را از طریق سایت های مربوطه گردآوری و در بخش ضمیمه این گزارش آورده ایم.^۷

۲- آسیب های روانی

تجاوز از حدود هنجاری، در رفتار بین دختر و پسر، علاوه بر آسیب های زیستی یا بدنی، منجر به بروز برخی از آسیب های روانی می شود. آسیب های روانی شامل اختلال هایی است که در رفتار، فرایندهای فکری و یا کنش های عاطفی فرد بروز پیدا می کند. هنگامی که دختر و پسری باب دوستی را باز می کنند، به تدریج توقعات و ایده آل های آنان رشد یافته و انتظارات جدیدی را در ذهن می پروراند. پرورش چنین افکار و اندیشه هایی، اغلب شکل تعاملی داشته و با رفتارهای متقابل، تقویت می شوند. رایجترین این رفتارها، ناشی از شکل گیری فکر ازدواج است. گاه این افکار، به شکل مستقیم به ازدواج مربوط می شود و گاه به شکل غیر مستقیم. دختر و پسری که با یکدیگر رابطه برقرار می کنند، ناگزیر از تفکر و تصور آینده خویش خواهند بود. آن دو، با قرار گرفتن در موقعیت جدید، می خواهند بدانند با چه شرایطی در آینده ای دور یا نزدیک مواجه خواهند شد. ذهن انسان لاجرم در هر موقعیتی متوجه آینده می شود، هر چند که این آینده، چندان هم قابل دسترس نباشد. در حقیقت، قرار گرفتن در موقعیت جدید، دختر و پسر را با دو فرایند روان شناختی مواجه می کند. اول شکل گیری افکار مثبت و ایده آلی که متوجه آینده بوده و اغلب شکل رؤیایی دارد؛ دوم آزمودن واقعیت و مشاهده موانع و مشکلات عدیده ای که در این مسیر، پیش روی آن هاست. فرایند اول منجر به امیدواری، رؤیاپردازی، وعده های دل نشین به یکدیگر دادن و ترسیم آینده ای مملو از امید و حالات، می شود؛ و فرایند دوم منجر به ناامیدی، مشاهده مشکلات و موانع و مخالفت هایی می شود که در واقعیت زندگی وجود دارد.

عده ای از دختران و پسران، فرایند اول را توسعه داده، امیدهایی را برای خود و طرف مقابل خود، شکل می دهند. آنان آینده ای مملو از امید و خوشبختی و بلندپروازی را ترسیم می کنند. عده ای دیگر نیز بیشتر به واقعیت ها توجه کرده و سعی می کنند بین دوستی خود و واقعیت ها هماهنگی و تطابق ایجاد کنند. گروه اول معمولاً به یک دیگر وعده ازدواج می دهند و قول می دهند تمامی موانع را در این مسیر از راه بردارند. گروه دوم کمتر به چنین وعده های دلخوش می کنند. آنان به صراحت اعلام می کنند که هدفشان از این دوستی ها، ازدواج نیست، بلکه می خواهند با یک دیگر دوست باشند و از لذت حاصل از این دوستی، بهره مند شوند. گروه دوم بیشتر در حال زندگی می کنند، در حالی که گروه اول در آینده ای رؤیایی به سر می برند. گروه اول تخیلی قوی دارند، در حالی که گروه اول زیاد به آینده فکر نمی کنند و حتی افکار مربوط به آینده را بلوکه می کنند. بر این اساس می توانیم گروه اول را "دوستان رؤیاپرداز" و گروه دوم را "دوستان دم غنیمتی" به شمار آوریم. این دو گروه، هر یک با آسیب های روان شناختی متفاوتی مواجه می شوند. بهتر است آسیب هایی که این افراد با آن ها مواجه می شوند را در ذیل انواع آسیب های روان شناختی به شرح زیر طبقه بندی کنیم:

الف - آسیب دیدگی عزت نفس

یکی از رایجترین آسیب هایی که در این حیطة به چشم می خورد، آسیب دیدگی عزت نفس و شکل گیری خودپنداره منفی است. عزت نفس، ارزشی است که انسان خود، برای خویشتن قائل است. این ارزش گذاری از گذرگاه ارزشی که دیگران برای انسان قائل هستند، عبور می کند؛ هرچند که ماهیت واحدی با آن ندارد. عزت نفس، یا به تعبیر دینی کرامت نفس، رسیدن انسان به سطحی از تحول و تکامل شخصیتی است که در آن انسان پی به ارزش واقعی خود، به عنوان یک انسان با تمام توانایی ها و برتری هایش نسبت به تمامی موجودات، می برد. یکی از لوازم رسیدن به این سطح از تحول شخصیت این است که انسان بتواند در جامعه، صلاحیت خویش را برای خود به اثبات برساند. انسان برای رسیدن به عزت نفس، می باید دست کم به خود نشان دهد که فردی است اهل فکر، مسلط به خویشتن، دارای ارتباطی سالم و منطقی با دیگران و کسی است که می تواند تعاملی سازنده و مبتنی بر اعتماد متقابل با دیگران برقرار کند. در صورتی که چنین تصویری از خود برای خویشتن ما حاصل شود، می توانیم تا حدی به ارزش های واقعی خود پی ببریم. و در صورتی که چنین ارزش یابی مثبتی را نتوانیم از خود به دست آوریم، لاجرم تصویری منفی از خود برای خود ایجاد خواهیم کرد و در نهایت عزت نفس خود را به زیر سؤال خواهیم برد. چنین انعکاسی از رفتاری که ما در جامعه داریم، و موفقیتی که در تعامل با دیگران به دست می آوریم، منجر به شکل گیری خود پنداره ای مثبت و عزت نفسی بالا خواهد شد. در غیر این صورت، هر دو عامل روان شناختی با آسیب مواجه خواهند شد.

دوستانی که برای خود ارزشی قائلند و از قبیل دوستی های خود، برای خود آینده ای را در قالب رؤیاپردازی ها، ترسیم می کنند، در صورتی که در این محاسبات دچار خطا شده و با شکست مواجه شوند، به

¹ - Self Esteem

^{II} - Negative Self Concept

شدت به لحاظ عزت نفس دچار آسیب شده، خود پنداره ای منفی از خود شکل می دهند. وقتی دختری به امید وعده های بلندپروازانه پسری، در ذهن خود دنیایی از صفا و صمیمیت و صلابت، اعتماد و اطمینان و از خودگذشتگی و شهامت و شجاعت را از دوست پسرش، شکل می دهد، نمی تواند چیزی جز آن ها را در واقعیت ببیند. در صورتی که تضادی بین واقعیت و رؤیاهای خود بیابد، ناگزیر از بردن خود و تشخیص های خود به زیر سؤال است. این تکشیک در مورد خود، منجر به آسیب دیدگی عزت نفس می شود. دختر دانشجوی مهندسی یکی از دانشگاه های تهران، وقتی با تصویری که پیش از این از خود داشته و خود را دختری باهوش، باسواد، زیرک و مسلط بر خویشتن ارزیابی می کرده، و بر اساس وعده های مکرر و همراه با سماجت یکی از هم کلاسی های درس خوان و با هوش خود، فریب خورده و دنیایی رؤیایی برای خود ترسیم کرده است و پس از مدتی تمامی رؤیاهای خود را نقش بر آب یافته است، چاره ای جز تردید در مورد خود نخواهد داشت. این پسر دو سال تمام این دختر را با وعده هایی که به او داده است فریفته است. پسر به دختر گفته است که در راه رسیدن به او، تمامی مشکلات را به جان خواهد خرید. در این راه هر مانعی را از میان برخواهد داشت و تا رسیدن به این دختر از پای نخواهد نشست. همین پسر وقتی دنیایی از امید را در دل دختر به وجود می آورد، وقتی با مخالفت جدی مادرش با این ازدواج مواجه می شود، به سادگی دختر را رها کرده و به دنبال ازدواجی دیگر می رود. شاید آسیب دیدگی روانی این دختر را حتی روان شناسان متبحر نیز نتوانند به سادگی درک کنند. چهره این دختر در اتاق مشاوره، چنان درهم ریخته و آشفته بود که حکایت از یک روح فروپاشیده و بی ارزش برای خود او داشت. چنین وضعیتی گاه فرد را چنان تحقیر می کند که او را وادار به پذیرش شرایطی می کند که یک انسان سالم نمی تواند در شرایط عادی چینی چیزهایی را بپذیرد.

خانمی ۲۴ ساله در تاریخ ۸۴/۱۰/۰۶ برای مشاوره مراجعه کرد. او در یکی از بیمارستان های معروف تهران پرستار است. این دختر با پسری دوست شده است که در گام های اول به او وعده های بسیار برای ازدواج داده است. او با این مراودات و این وعده ها، به شدت دل بسته پسر می شود. ولی از آن جایی که خانواده می خواسته اند پسرشان با دختر خاله خود ازدواج کند، او نتوانسته به وعده هایی که به این دختر داده است جامه عمل بپوشد و با او ازدواج کند. پسر در حال حاضر در اثر قرار گرفتن بر سر این دو راهی کلاً ازدواج را ترک کرده است. نکته مهم این جاست که این خانم و دختر خاله آن پسر اکنون به شدت به او دل بسته شده اند و هر دو رضایت داده اند که در آن واحد همسر این آقا شوند، ولی او باز نپذیرفته است.

ب - افسردگی

افسردگی، خواه به شکل یک خلق افسرده و خواه به عنوان یک حالت و یا به عنوان یک بیماری عاطفی، اختلالی است که به اشکال گوناگون و در سطوح متفاوت، عملکرد معمولی فرد، به ویژه تحمل خود و تعامل های اجتماعی انسان را با مشکل مواجه می کند. حالت و بیماری افسردگی، نه تنها شادی،

ⁱ - Depressive Temperament

ⁱⁱ - Depressive Mood State

ⁱⁱⁱ - Affective Disorder

انگیزه و امیدواری فرد را با دچار اختلال می کند، که ممکن است موجب گرایش فرد به مرگ و شکل گیری افکار مربوط به خودکشی و حتی دگرکشی شود.

دسته ای از افسردگی ها، ناشی از عوامل درونی در فرد است. به این دسته از افسردگی ها، افسردگی های درون زاد گفته می شود. دسته دیگری از افسردگی ها ناشی از عوامل محیطی و بیرونی است. به این دسته از افسردگی ها، افسردگی های برون زاد اطلاق می شود. شکست خوردن در روابط عاطفی بین دختر و پسر، از جمله عوامل شکل دهنده افسردگی های برون زاد است. یکی از پی آمدهای شکست در روابط بین دختر و پسر و به ویژه از نوع رؤیایپردازانه آن، شکل گیری افسردگی است.

احتمال زیادی دارد که روابط آسیب خورده بین دختر و پسر، منجر به افسردگی شود. در صورتی که افرادی که در اثر آسیب دیدگی روابط ناشی از دوستی های بین دوجنس، دچار عزت نفس پایین و خودپنداره منفی شده اند، نتوانند بر مشکل خود غلبه کنند، احتمال ابتلا آنان به افسردگی بسیار بالا می رود (گلزاری، خرداد ۱۳۸۶). نمونه هایی از این دست را در میان مراجعان به کلینیک ها مشاهده می توان کرد.

نمونه ای از این موارد را در گزارش مادر به مشاور ملاحظه می کنید. در روز ۸۶/۰۳/۱۶ مادر وضعیت فرزند خود را این گونه توصیف می کرد: پسر من بیست و یک سال دارد. او یک سال و نیم پیش، با دختری آشنا شده و تصمیم گرفتند برای آشنایی بیشتر و بررسی تناسب یا عدم تناسب برای ازدواج، مدتی را با هم دوست باشند. چند ماه پیش دختر اعلام کرد که نمی خواهد با پسر من ازدواج کند. پسر من که به این دختر علاقه مند شده بود، با این تصمیم دختر مخالفت کرد. او مصر به ادامه ارتباط و در نهایت ازدواج بود. دختر و خانواده او، با این ارتباط و ازدواج مخالف بودند. در این مدت پسر من به تدریج مبتلا به افسردگی شد، به گونه ای که ناگزیر از بستری کردن او در بیمارستان روانی شدیم. پس از مدتی بستری بودن، من خود با تعهد خودم، او را مرخص کرده و به خانه آوردم. پسر من هم در خانه، داروهایی که پزشک به او داده بود را، خودسرانه قطع کرده و وضعیتش بدتر شده است. او اصرار دارد که حتی اگر نیم ساعت هم که شده، دختر را ببیند ولی خانواده دختر با این کار مخالف هستند. پسر من هر از گاهی نیز تهدید می کند که خود و دختر را خواهد کشت. می گوید خود و زندگی دختر را به آتش خواهد کشید.

کیس هایی از این دست، در میان کسانی که با بهم خوردن روابط مواجه شده اند، بسیار دیده می شود. دخترانی که به دلیل جواب رد دادن دوست پسرشان، دست به خودکشی زده اند، پسرانی که به دنبال افسردگی ناشی از بهم خوردن روابط، نه تنها خود را از بین برده اند که گاه در موقعیتی، دختر را نیز کشته اند، نمونه هایی هستند که هر از گاه در میان مراجعان به مراکز درمانی و وقایع جنایی در جامعه مشاهده می شوند. برخی از گزارش های حوادث روزنامه ها حکایت از خودکشی و دگر کشی عاشقانه، از این نوع را دارد.

ج - عذاب وجدان

¹ - Endogenous Depression

^{II} - Exogenous Depression

یکی از پی آمدهای روابط نابهنجار بین دختر و پسر، در صورت تجاوز از حدود قابل قبول اجتماعی و شرعی، و به هم خوردن روابط اولیه، شکل گیری نوعی درگیری و عذاب روانی، تحت عنوان عذاب وجدان است. از آن جایی که در جامعه ما، روابط خارج از حدود قابل قبول اجتماعی، برای دختران پذیرفته شده نیست، لذا در صورت وقوع چنین حوادثی، آثار آن پیوسته با بسیاری از زنان و دختران باقی می ماند. امروزه در کشور ما، یکی از مشاغلی که برای برخی از افراد رواج پیدا کرده است، ترمیم ویرجینیتی دختران است. برخی از متخصصین زنان و زایمان، با دریافت حدود هفتصد هزار تومان، به ترمیم یک آسیب بدنی قابل اغماض می پردازند. وقتی چنین حرفه سودآوری، برای جبران یک آسیب جزیی جسمانی رونق پیدا می کند، باید به آسیب های روانی و غیرقابل جبران آن نیز اندیشید. اگر کسی با یک ترمیم ظاهری، مردی را فریب داده و به عنوان یک دختر با او ازدواج کند، آیا می تواند اندیشه آن عمل را نیز به همین سادگی از ذهن خود بزدايد؟ آیا می تواند عذاب وجدان حاصل از آن را نیز جراحی کند؟

متأسفانه چنین کاری به سادگی امکان پذیر نیست. بسیاری از افراد نه تنها در ذهن خود قادر به پاک کردن این خاطره نیستند، که در اثر خاطره عملی که مرتکب شده اند، حتی به لحاظ جسمانی نیز دچار نوعی تنیدگی و انقباض عضلانی می شوند. دختری که به هنگام تحصیل در دانشگاهی در شهری غریب، مدت یک سال بدون اطلاع خانواده خود، روابط همه جانبه ای با پسری داشت، وقتی برای مشاوره روان شناختی مراجعه کرد، به راستی به لحاظ رفتار و حتی چهره ظاهری، دچار یک تنیدگی آشکار شده بود. او در مقابل تقاضای افراد از او برای ازدواج، قادر نبود رفتاری راحت و روان داشته باشد. همین حالت موجب می شد خواستگاران او، نوعی ناراحتی و ناآرامی را در او احساس کرده، بعد از اولین ملاقات ها، از خواستگاری او منصرف شوند. برخی از خواستگاران که مایل به ادامه ارتباط با او بودند، از آن دسته افرادی بودند که از او تقاضای رابطه ای کامل برای شناخت بیشتر و بهتر یک دیگر داشتند؛ تقاضایی که معلوم نیست توسط این گونه افراد به چند نفر داده شده و به چند نفر دیگر نیز داده خواهد شد. این حالت تنیدگی و انقباض عضلانی، گاه در سردمزاجی های بعد از ازدواج خودنمایی می کنند. برخی از سردمزاجی ها، ناشی از تجربه جنسی، همراه با عذاب وجدان است. عذاب وجدانی که پیوسته با چنین عملی تداعی می شود.

د - اختلال در کارکردهای شناختی و عاطفی

در میان تعدادی از دختران و پسرانی که در ارتباط با یک دیگر، حدود قابل قبول را شکسته اند، نوعی اختلال به شکل کند شدن برخی از کارکردهای روان شناختی، مشاهده می شود. این اختلال بیشتر در میان گروهی از دوستان که پیشتر آن ها را دوستان دم غنیمتی نامیدیم، دیده می شود. ساده ترین اختلال در این زمینه، نادیده گرفتن آینده و عاقبت عمل امروز است. من در یک بررسی میدانی، از تعدادی از نوجوانان و جوانانی که در گروه های کوچک و بزرگ از دختر و پسر، مشغول خوش گذرانی بودند، سؤالی راجع به آینده پرسیدم. از آنان می خواستم تصور خود را در مورد آینده شان بیان کنند. اکثر قریب به اتفاق آنان پاسخی برای این سؤال نداشتند. وقتی از برخی آنان می خواستم بگویند که در ده سال آینده، چه وضعیتی خواهند داشت،

پاسخ می دادند: ما برای فردای خود تصویری نداریم، چه رسد به ده سال آینده. برخی از آنان به صراحت به خوش بودن در زمان حال می اندیشیدند و تفکر در مورد آینده را مخل عیش امروز می دانستند. تفسیر این پدیده تقریباً به سادگی امکان پذیر است. همان گونه که برخی از نوجوانان خود پی برده اند، تفکر در مورد آینده، موجب اختلال در راحتی و خوشی حال می شود. بنابراین، تفکر در مورد آینده باید بلوکه شود تا حال به خوبی و خوشی سپری شود. بلوکه شدن فکر، به تنهایی برای خوش گذرانی امروز کفایت نمی کند بلکه باید برخی از عواطف مربوط به آینده نیز بلوکه شده و یا سرکوب شوند. تفکر در مورد آینده، علی القاعده باید نوعی خوف را به انسان القا کند. فکر مرگ، برای هر انسانی می تواند خوف انگیز باشد. این خوف مغایر خوش گذرانی امروز است؛ لذا هم فکر مرگ باید بلوکه شود و هم خوف ناشی از آن. و یا وقتی دختر و پسری، پنهانی روابطی با هم دارند، این پنهان کاری ناشی از نوعی نگرانی از افشا شدن این رابطه است. اضطراب ناشی از این نگرانی، خود آزار دهنده و مخل خوش گذرانی امروز است؛ لذا باید به نوعی بلوکه یا انکار و یا به شکلی نادیده گرفته شود. برخی از نوجوانان و جوانان، به ویژه برخی از دختران با این اضطراب از طریق واکنش عکس مواجه می شوند. آنان به کمک این مکانیزم، نه تنها خود را مضطرب نشان نمی دهند، که خود را با اعتماد به نفس بالا و به شکلی که کاری بسیار خوب و پسندیده انجام می دهند، نشان می دهند. ویژگی مهم مکانیزم واکنش عکس در همین است که شکل افراطی به خود می گیرد. وقتی به برخی از این افراد در مورد رفتار غلطشان تذکر داده می شود، چنان واکنش نشان می دهند که این واکنش توسط دیگران با تعبیری چون بی حیایی توصیف می شود. گاهی اوقات زنان مسن و جا افتاده، وقتی رفتارهای جلف چنین افرادی را می بینند، احساس مسؤلیت کرده و سعی در راهنمایی آنان می کنند. تعدادی از دوستان دم غنیمی، به ویژه برخی از دختران، چنان واکنش نشان می دهند که فرد تذکر دهنده را متعجب می کنند. این گونه افراد عمل چنین نوجوانان و جوانانی را با بی حیایی تعبیر می کنند.

بلوکه شدن و انکار یا سرکوب افکار و عواطف، تنها در حد یک رفتار باقی نمی ماند. برخی از نوجوانان و جوانان به شکل گسترده ای از چنین واکنش هایی استفاده می کنند. مثلاً بسیاری از آنان با نادیده گرفتن آموزه های دینی، خود را از نهی های آن به دور نگه می دارند. برخی از آنان در مورد وجود چنین نهی هایی در قرآن تردید می کنند. کار این افراد به معنای طرح یک سؤال نیست، بلکه به معنای زیر سؤال بردن بخشی از دین است که از این طریق بتوانند به راحتی به کارهای لذت جویانه خود، ادامه دهند؛ این خود نوعی فکر نکردن است، نه فکر کردن و سؤال داشتن. از پی آمدهای چنین واکنش هایی می توان به بی حوصلگی افراد در درس خواندن اشاره کرد. فکر نکردن، گاه دامنه خود را به درس و تحصیل کشانده و آنان را از خوب درس خواندن باز می دارد.

نمونه های بسیار بارز بلوکه شدن فکر و عاطفه را من در میان زندانیان دختر در کانون اصلاح و تربیت مشاهده کرده ام؛ اغلب این دختران به دلیل داشتن روابط نامشروع و ولگردی دستگیر شده و در زندان به سر می برند. مشابه این رفتارها را در خانه های ریحانه، جایی که دختران فراری را نگه داری می کنند نیز دیده ام. چنین افرادی به لحاظ شناختی و عاطفی، چنان دچار کندی و اختلال کارکردی می شوند که در تشخیص ساده ترین مفاهیم و موضوع ها، با مشکل مواجه می شوند. آنان گاه از عهده پاسخ گویی به ساده ترین سؤال ها مانند پرسش هایی در مورد روز و سال نیز بر نمی آیند. این کندی گاه شبیه عقب ماندگی ذهنی و افسردگی حاد را به میان می آورد. در مورد عقب ماندگی ذهنی، سوابق رفتاری آنان و نیز فقدان سرخوشی

¹ - Reaction Formation

های این گونه افراد، احتمال عقب ماندگی ذهنی را منتفی می کند. در مورد افسردگی نیز باید گفت هر چند که اگر افسردگی نیز وجود داشته باشد، می تواند از پی آمدهای رفتارهای هنجارشکنانه آنان باشد، لیکن پشتیبانی نشدن کندهای شناختی و عاطفی با سایر نشانه های افسردگی، از قبیل اختلال در خوردن و خوابیدن و ارتباط های اجتماعی و امثال این ها، می تواند بروز اختلال در کندهای شناختی و عاطفی را به تنهایی تقویت کند.

ه - شکل گیری رفتارهای ضد اجتماعی

در تمامی مواردی که ما در این بحث، از آن به عنوان آسیب یاد می کنیم، مقصودمان آسیب هایی است که ناشی از عدول از هنجارهای فرهنگی و اجتماعی در این زمینه است. به این ترتیب، وجود عامل عدول از هنجارهای مورد قبول جامعه در تمامی این آسیب ها، عنصر مشترک است. وقتی پای هنجارشکنی به میان می آید، معمولاً هر هنجارشکنی، تخلف های دیگری را نیز به دنبال خود فرا می خواند. دروغ گویی، فریب کاری، احتمالاً دزدی، می تواند اجزا مورد نیاز برای اجرای خواست های خود باشد. در مواردی، افراد برای حفظ آن چه که به دست آورده اند، ناگزیر از درگیری و نزاع می شوند. مشاجره بر سر دوست دختر و یا دفاع از به اصطلاح مردانگی خود در مقابل سایرین، مستلزم درگیری و زد و خورد خواهد بود. درگیر شدن با خانواده، درگیر شدن با افرادی که در سطح اجتماع در کار این گونه افراد مداخله کرده و می خواهند از اعمال خلاف جلوگیری کنند، در گیر شدن با پلیس و امثال این ها در بسیاری موارد، به وقوع می پیوندد. این نوع رفتارها، انواع گوناگونی از رفتارهای ضد اجتماعی است که در اطراف شکل گیری رفتارهای ارتباطی ناهنجار، به وجود می آیند. علاوه بر این رفتارها، از آن جایی که ادامه رفتارهای مربوط به روابط نادرست، فراهم آوردن لوازمی از قبیل تدارک جای مناسب، فراهم آوردن مواد و لوازم خوشگذرانی را می طلبد، و انجام چنین کارهایی اغلب به تنهایی امکان پذیر نمی باشد، لذا مشارکت در انجام اعمال خلاف اجتناب ناپذیر می شود. این گونه رفتارها، رفتارهای ضد اجتماعی گروهی را به دنبال خواهد داشت.

هر چند که این نوع رفتارهای ضد اجتماعی ممکن است حالتی گذرا داشته باشد و به عنوان یک علامت پایدار، آن گونه که در اختلالاتی مانند اختلال سلوک و یا در اختلال شخصیت ضد اجتماعی، مشاهده می شود در نیاید، لیکن به عنوان رفتارهایی که جامعه پذیری فرد را مختل می سازند می باید مورد توجه قرار گیرند.

و - سایر آسیب های روانی

در بحث آسیب های روانی حاصل از روابط نادرست بین دختر و پسر، مهمترین آسیب ها را مورد بحث قرار دادیم. علاوه بر این آسیب ها، ممکن است فرد، با داشتن سایر فاکتورهای مؤثر بر ابتلا به برخی از

^I - Conduct Disorder

^{II} - Antisocial Personality Disorder

بیماری های روانی، وقتی با آسیب های روانی فوق الذکر مواجه شود، از تعامل این فاکتورها و رزونانس حاصل از آن ها، مبتلا به برخی از بیماری های روانی جدید شود. فردی که به لحاظ سرشتی، مستعد ابتلا به اسکیزوفرنیا است، قرار گرفتن در شرایط آسیب خورده روانی، مانند آن چه که در بالا مورد بحث قرار دادیم، ضریب ابتلا او به اسکیزوفرنیا را بالا می برد. چنین اختلالی ممکن است در تمامی بیماری های روانی و از آن جمله در بروز اختلالات سایکوسوماتیک، نقش آفرینی کند. در چنین مواردی، نمی توان از روابط نادرست بین دختر و پسر به عنوان عامل مستقیم ابتلا به یک بیماری روانی نام برد، بلکه چنین روابطی زمینه ساز پیدایش بیماری های روانی دیگر خواهد بود.

۳- آسیب های اجتماعی

هنگامی که آسیب ها، از حدود فردی عبور کرده و جایگاه و نقش های انسان را، در میان سایرین، با مشکل مواجه کند، سخن از آسیب های اجتماعی به میان می آید. آسیب اجتماعی شناخت ها، عواطف و رفتارهای دیگران را نسبت به انسان دگرگون کرده و موجب می شود جایگاه مورد قبول فرد در میان سایرین، تا حد زیادی از دست برود. تعدی از حدود هنجاری و مورد قبول جامعه، در زمینه روابط دختر و پسر موجب شکل گیری نگرش های منفی در مورد انسان می شود. مهمترین آسیب هایی که در این زمینه در انتظار نوجوان و جوان است عبارتند از:

الف - از دست دادن جایگاه اجتماعی در درون خانواده و مدرسه

وقتی دختر و یا پسر از حدود رفتاری مربوط به جنسیت خود عدول کند، جامعه او را از جهات گوناگون مورد سوء رفتار قرار می دهد. اولین گام در این زمینه سلب اعتماد از نوجوان است. فردی که رفتار نامناسبی از او مشاهده شده است، پیوسته تحت نظر خواهد بود. هر عمل ساده او، با نگاهی بدبینانه بدرقه خواهد شد. دومین آسیب، از بین رفتن رابطه های صمیمانه و دوستانه اعضا خانواده و کارکنان مدرسه، با اوست (گلزاری، خرداد ۱۳۸۶). وقتی رفتار غلطی مشاهده می شود، دیواری شیشه ای بین نوجوان و مربیان به وجود می آید. آنان دیگر همچون سابق نمی توانند با نگاهی ساده و صمیمی به یک دیگر نگاه کنند. ماحصل این نوع رابطه، حاکمیت سردی و دوری عاطفی از یک دیگر است.

ب - جبران جایگاه از دست رفته، از طریق عضویت در گروه های انحرافی و تطابق با هنجارهای آنان

هنجارشکنی های اجتماعی، منجر به تنهایی فرد در گروه های اجتماعی نخستین خواهد شد. نوجوان و جوان، علی رغم حضور در خانواده و مدرسه، در آن ها، به خصوص از طرف بزرگ ترها، طرد شده و احساس تنهایی خواهد کرد. این تنهایی اگر شدت پیدا کند، فرد را به سمت عضویت در گروه های هنجارشکن سوق خواهد داد. مزیت این گروه ها این است که فرد را از تنهایی خارج کرده، او را در رسیدن به خواسته هایش پشتیبانی خواهند کرد.

این گروه ها، احساس دلگرمی، پشتیبانی و نوعی هویت به نوجوان و جوان خواهند بخشید. هنجارهای حاکم بر این گروه ها، بر اساس تمایلات و خواسته های اعضا شکل خواهد گرفت و تأمین کننده نیازهای فی الفور آنان خواهد بود. این هنجارها، به شکل معمول، از هنجارهای رایج بین بزرگ ترها، فاصله گرفته و به سمت یک قانون مندی اختصاصی سوق پیدا خواهند کرد.

به رغم دریافت احساس ایمنی، پشتگرمی و هویت اولیه در این گروه ها، اعضا چنین گروه هایی به شدت در معرض آسیب پذیری های جدی قرار می گیرند. کشیده شدن به طرف رفتارهای ضد اجتماعی و قانون شکنانه، آنان را در معرض درگیر شدن با نهادهای انتظامی و قضایی قرار خواهد داد. این درگیری ها، آینده افراد را به عنوان افرادی سابقه دار، در معرض تهدید قرار می دهد. مداخله و پیش گیری های مناسب، در هر یک از مراحل، می تواند از پیش رفت رفتارهای ضد اجتماعی و شکل گیری شخصیت های ضد اجتماعی و سوسیوپات، جلوگیری کند.

ج - پذیرش زندگی های زناشویی شکننده، با سطح حرمت و کیفیت پایین

یکی از پی آمدهای روابط ناسالم، بین دختر و پسر، تلاش خانواده آنان برای تشکیل سریع زندگی زناشویی، با فردی است که به نظر خانواده، صلاحیت و شایستگی لازم برای زندگی زناشویی با فرزندشان را دارد (گلزاری، خرداد ۱۳۸۶). در چنین شرایطی، خانواده وقتی می بیند که فرزندشان با فرد نامناسبی طرح دوستی و رابطه ریخته است، تلاش می کنند برای جدا کردن آنان از یک دیگر، مقدمات پیوند جدیدی را فراهم آورند. آنان با این فکر که وقتی فرزندشان ازدواج کند و به سر زندگی خود برود، پس از مدتی به همسر خود دل خواهد بست و به زندگی جدید خود دلگرم و علاقه مند خواهد شد، در صدد به ازدواج در آوردن فرزند خود بر می آیند. در چنین شرایطی، خانواده پسر به دنبال مورد مناسبی برای فرزندشان می گردند و خانواده دختر نیز با پیدا شدن خواستگاری که به نظر برسد شرایط لازم برای زندگی با دخترشان را داشته باشد، به ازدواج دخترشان رضایت داده و به انحاء گوناگون تلاش می کنند فرزندشان را به این ازدواج راضی کنند. باید توجه داشت که عجله کردن در چنین مواردی، اغلب نتایج نامطلوبی را در پی خواهد داشت. حل نشدن درست یک رابطه نادرست، منجر به آسیب های بعدی خواهد شد، که از آن جمله می توان به استمرار روابط پیشین،

بعد از ازدواج اشاره کرد که موجب تزلزل پایه های زندگی جدید خواهد شد. مورد زیر نمونه ای از این آسیب است.

در سال ۱۳۸۴، پسری موقر و ساده و در عین حال دارای لیسانس و شغلی مناسب، برای ازدواج به خواستگاری دختری که نسبت فامیلی دوری با او داشته، می رود. این دختر که حدوداً ۱۷ ساله بود، گویا پیش از این با مردی متأهل رابطه داشته است. خانواده دختر که از این ماجرا مطلع بودند، برای پایان بخشیدن به این رابطه، به سرعت با این ازدواج موافقت کرده و در مدت کوتاهی مقدمات این ازدواج را فراهم می آورند. عقد صورت گرفته و دختر، علی رغم اعلام عدم رضایتش با این ازدواج، به همسری این خواستگار در می آید. یازده ماه دوره نامزدی آنان به طول انجامیده و پس از آن عروسی کرده و سر زندگی خود می روند. در این مدت، دختر با نقش آفرینی بسیار، نشان می هد که می خواهد با شوهرش زندگی کند. و این در حالی بوده که روابط خود را، دست کم از طریق تلفن، با مرد سابق ادامه داده است. این واقعه ادامه پیدا می کند تا چهارماه بعد از عروسی، روزی زن از غیبت همسرش استفاده کرده و بسیاری از لوازم اساسی و ارزشمند خانه را جمع کرده و فرار می کند. یک ماه بدون روشن بودن محل اختفای خود، بدون هیچ گونه اطلاعی، مخفی می ماند. در این مدت، خانواده دختر نیز از سرنوشت دخترشان اظهار بی اطلاعی می کنند. بعد از یک ماه، دختر با تماس تلفنی، از شوهرش می خواهد که او را طلاق غیابی بدهد. طلاق انجام گرفته، زن و شوهر جدید از یک دیگر جدا شده و زن بعد از مدتی به ازدواج همان مرد متأهل در می آید. در اوایل سال ۱۳۸۶، این زندگی به هم می خورد و زندگی دیگری، بر روی پایه های نامعلومی شکل می گیرد.

۴ - آسیب های معنوی و دینی

یکی از ویژگی های ادیان، تعیین حدود رفتاری درست و نادرست، در زمینه های مختلف است. شریعت در ادیان، به معنای تعیین حدود گوناگون در رفتار بشری است. یکی از زمینه هایی که ادیان بالاتفاق در آن حدود و ضوابطی را تعیین کرده اند، روابط میان دو جنس است. وجود آیین های مربوط به ازدواج در تمامی ادیان، گواهی بر تعیین این حدود است. به عبارت دیگر، در تمامی جوامع، حدود رفتاری بین دو جنس، دست کم از دو منشاء سرچشمه می گیرد، اول عرف جامعه و دوم دین جامعه.

در مورد ادیانی چون اسلام، به دلیل گستردگی آیین های آن و ورود به بسیاری از حیطه های زندگی انسان، تعیین حدود رفتاری بین دو جنس از گستردگی و دقت بیشتری برخوردار است؛ تا جایی که نه تنها در مورد رفتارهای اجتماعی آشکار، مانند پوشش، نگاه کردن و صحبت کردن، آدابی را تعریف کرده، که در مورد مسایل زناشویی و کاملاً خصوصی نیز آداب و آیین هایی را تعریف و تعیین کرده است. هر چند که بسیاری از این آیین ها، در حیطه اعمال مستحب و یا مکروه طبقه بندی شده اند، لکن دارای حدودی تعریف شده اند. تعیین حدود رفتاری در مورد دو جنس، وقتی از جانب دین صورت می گیرد، برای انسان نوعی تکلیف الهی را مشخص می کند. در حقیقت انسان، در چنین مواردی خود را با خدا روبرو می بیند، نه با بشر و قضاوت های او. این مواجهه، به هنگام هنجارشکنی، نوعی تعارض عمیق فکری و شخصیتی به وجود خواهد آورد (گلزاری، خرداد ۱۳۸۶). از آن جایی که انسان نمی تواند به مدت طولانی، تعارض های روانی را تحمل

کند، لذا ناگزیر خواهد شد، به نوعی این تعارض را حل کند. حل این تعارض، در گام اول در سطح روانی انجام می‌گیرد. فرد در سطح روانی، یا یکی از طرفین (احکام دینی یا امیال درونی) را انتخاب و دیگری را رها خواهد کرد، یا این که ضمن نگهداری هر دو طرف، اقدام به همسازی آندو با یک دیگر در ذهن می‌کند.

در فرهنگ‌هایی که نهاد دین در آن‌ها تضعیف شده و در مقابل تهاجم امیال و خواسته‌ها، نتواند به خوبی از خود دفاع کند، استراتژی حذف دین قوت خواهد گرفت؛ واقعه‌ای که در بسیاری از کشورهای مسیحی نشین به وضوح به وقوع پیوسته است. در جوامعی که دین نهادی قوی و حاکم است، امیال به نفع دین عقب‌نشینی خواهند کرد؛ واقعه‌ای که در خرده فرهنگ‌های اسلامی و در شهرهای کوچک اسلامی و در میان اقوامی که حاکمیت دین در آن‌ها تضعیف نشده است، به خوبی به چشم می‌خورد. در جوامعی که ادیان، علی‌رغم قدرت درونی خود، در سطح رفتارهای عمومی مردم نتوانسته است اعمال قدرت کند؛ مانند آن‌چه در شهرهای بزرگ ایران شاهدش هستیم، استراتژی همسازی دین و امیال قوت پیدا می‌کند؛ و این آسیبی است که به دین انسان‌ها، به شکل تفسیر دین بر اساس امیال، وارد می‌شود.

در قدم اول دوری از منابع دینی و بی‌اطلاع ماندن از احکام دینی، می‌تواند نوعی حل‌کننده تعارض باشد. وقتی کسی نداند دین چه می‌گوید، اعمالش با دین، دست‌کم در ذهن او، تعارضی نخواهد داشت. اولین آسیب دینی شامل بی‌اطلاعی و دوری از معارف دینی خواهد بود. این خود نوعی زندگی جاهلانه را در پی خواهد داشت.

در دومین قدم، هنگامی که بی‌اطلاعی ممکن نباشد، به ویژه در میان کسانی که مدعی مطالعه و دانستن و اندیشیدن هستند، تفسیرهای گوناگون از دستورات و احکام دینی، یا به عبارتی قرائت‌های گوناگون از دین، رواج پیدا خواهد کرد. تفسیرها در اصل به منظور تأمین خواسته‌های و امیال مفسرین انجام می‌گیرد، نه برای فهم دقیق باورها و احکام دینی. در این جا باید بین استفاده از مکانیزم همسازی، با نقدهای عالمانه تمایز قائل شد. نقدهای عالمانه، از جانب کسانی انجام می‌گیرد که خود قبل از همه چیز قلم بطلان بر تمامی امیال خود کشیده و دارای شخصیتی هستند که در مقابل حق از آب نرم‌تر و در مقابل باطل از کوه سخت‌تر است. انسان‌هایی از مکانیزم همسازی استفاده می‌کنند که در قدم اول و در کلان‌زندگی خویش، نتوانسته اند بر امیال خویش فائق آیند. آنان اسیران هوای خویشند و دین برای آنان بازیچه‌ای بیش نیست.

مکانیزم همسازی به اشکال گوناگون تجلی پیدا می‌کند. مخالفت با مراجع و منابع دینی شناخته شده، و انتخاب گزینشی میان آنان، مراجعه به افراد و منابع شاذ و نادر در دریافت و یا تبیین عقاید، قبول بخشی از دین و رد بخشی دیگر، ارائه شواهد کلامی و فلسفی در مورد نسبیت دین، از جمله اقداماتی است که این گروه از افراد انجام می‌دهند.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که تبعیت از امیال و کشش‌ها، گاه به آسیب به دنیای انسان ختم نمی‌شود، بلکه دین و آخرت او را نیز تهدید می‌کند.

فصل چهارم

طرح ها و برنامه های نهادهای تربیتی در زمینه
مدیریت روابط دختر و پسر

سیمای کلی روابط دختر و پسر در جهان و ایران

- ۱. مکمل بودن زن و مرد - انسان، زوج خلق شده و دو جنس، تکمیل کننده وجود یک دیگرند.**
این وجه از وجود انسان، موجب شده است دو جنس، به شدت به طرف هم گرایش داشته و به اشکال و انحاء گوناگون، تمایل به نزدیک شدن به یک دیگر را داشته باشند.
- ۲. خانواده، نهاد تأمین کننده نیاز دو جنس به یک دیگر - از قدیم الایام و در میان تمامی فرهنگ ها، خانواده، چه در شکل تک همسری، چند زنی و در موارد نادری، چند شوهری، تأمین کننده نیاز دو جنس به یک دیگر بوده است.** انسان ها از طریق ازدواج، که اغلب بر اساس آیین های مذهبی انجام می گرفته، تشکیل خانواده داده و در زیر سقفی محفوظ، تشکیل یک واحد اجتماعی و بشری را می دادند. این نهاد، در طی هزاران سال، تا حد زیادی کارآیی و کارآمدی خود را در تأمین نیازمندی دو جنس به یک دیگر، نشان داده است. خوشبختانه در ایران نهاد خانواده از استحکام خوبی برخوردار است و هنوز جای امیدواری بسیاری وجود دارد که با برنامه ریزی های درست فرهنگی و اجتماعی، بتوان در جهت تحکیم و توسعه خانواده، گام های مؤثری برداشت.
- ۳. ضعف ها و ناکارآمدی های خانواده - در شرایطی خاص، خانواده نمی تواند و یا نتوانسته است، نیاز انسان به جنس مخالف را پاسخ بگوید.** یکی از رایجترین این موارد، تأمین نیاز انسان به جنس مخالف، در فاصله بلوغ، تا آمادگی برای تشکیل خانواده است. در این شرایط، هنگامی که نیاز به جنس مخالف وجود دارد، لکن شرایط لازم برای تشکیل خانواده فراهم نشده است، نمی توان از نهاد خانواده انتظار داشت که پاسخ گوی این نیاز باشد.
در موارد دیگری نیز خانواده نتوانسته است به شکل کارآمد، نیاز انسان را به جنس مخالف به شکل کامل برطرف کند؛ و آن در شرایطی است که قوانین مربوط به خانواده، ناقص طراحی شده اند. در کشورهای غربی، آنجایی که مذهب کاتولیک، مبنای قانون گذاری مدنی آن ها بوده است، به دلیل غیرمجاز بودن جدایی زن و شوهر، یا غیر مجاز بودن طلاق، خانواده تا کنون، با آسیبی جدی، مواجه شده است. در چنین کشورهایی، با بالا گرفتن اختلافات زن و شوهر در خانواده از یک سو، و عدم مجاز بودن آن دو برای جدایی از سوی دیگر، موجب شد بسیاری از جوانان از تشکیل خانواده طفره رفته و به دنبال یافتن راه های دیگری برای تأمین نیاز خود به جنس مخالف شوند.
- ۴. شکل گیری نهاد دوست دختر و پسر در غرب - در کشورهای غربی، با وجود مشکلات مهم در راه تشکیل خانواده، و برای پیشگیری از افتادن در دام ازدواجی که در صورت عدم تطابق زوجین، امکان جدایی در آن وجود نداشت، و نیز برای پاسخ گویی به نیاز دو جنس به یک دیگر، پیش از تشکیل خانواده، نهادی اجتماعی به نام دوست دختر/پسر شکل گرفت.** دوست دختر/پسر، نهادی اجتماعی در غرب است که کاملاً پذیرفته شده و افراد، همان گونه که از زن و یا شوهر خویش سخن می گویند، از دوست دختر و یا دوست پسر خود سخن به میان می آورند. این نهاد اجتماعی، در طول زمان، مانند هر نهاد دیگری، هنجارهای خاص خود را یافته است. وقتی در غرب سخن از دوست دختر/پسر گفته می شود، به شکل متعارف مقصود کسی است که فرد او را دوست

دارد، با او رابطه جنسی دارد، و تلاش می کند روابط خود را با او به شکل سازنده و موفقی ادامه دهد. در نهاد دوست دختر/پسر، به شکل متعارف، منوگامی حاکم است، یعنی هر فردی تنها یک دوست از جنس مخالف دارد. سایر افرادی که از جنس مخالف در اطراف او قرار دارند، دوست او به شمار می آیند، لیکن تحت عنوان دوست دختر/پسر، جای نمی گیرند. هر چند که در هر جامعه ای، از جمله در کشورهای غربی نیز، هنجار شکنی و تعدی از هنجارهای پذیرفته شده، امری رایج به شمار می رود؛ چنان که آغاز ارتباط جنسی، در سنین پایین و بارداری های زودرس و مسایل ناشی از آن، یکی از معضلات آن جوامع به شمار می آید.

این تجربه غربی ها، امروزه توسط بسیاری از جوامع، هرچند به شکلی ناقص و ناکارآمد، مورد تقلید واقع شده است.

۵. شکل گیری دوستی های دختر و پسر در ایران - همراه با ورود فرهنگ غرب، به ویژه از

زمان گسترش مراودات اجتماعی بین ایران و کشورهای غربی، در عصر قاجار و به دنبال آن در عصر پهلوی، از طریق وابستگی های سیاسی، فرهنگی و حتی ایدئولوژیک، و پس از آن در دوره جمهوری اسلامی، به دلیل تعاملات فرهنگی با غرب و استفاده از دستاورد های علمی آنان، نهاد دوست دختر/پسر، مانند بسیاری از عناصر فرهنگی و اجتماعی غرب، وارد ایران شد. در اصل به دلیل وجود نیاز دو جنس به یک دیگر و عدم کارآیی خانواده برای تأمین نیاز دو جنس به یک دیگر، در دوره تجرد و نیز تمایل بسیاری از ایرانیان به تقلید از غرب، تعدادی از جوانان، تلاش کردند نهاد دوست دختر/پسر را عاریت گرفته و نیاز خود را در این زمینه برطرف کنند. آغاز این کار به دوره قاجار بر می گردد و حتی نمونه های بارز آن در خانواده سلطنتی پهلوی، از شهرت زیادی برخوردار است. اشرف پهلوی، یکی از نمونه های این گونه افراد، برای بهره گیری از دوست پسرهای مکرر بود. فرح، ملکه ایران نیز در همان زمان حیات شاه، دوست پسر معروفی داشت که حتی با خود به دربار می برد.

۶. تعارض فرهنگی - علی رغم تلاش تاریخی، برای ورود نهاد دوست دختر/پسر به ایران، این

رابطه هرگز در ایران تبدیل به یک نهاد اجتماعی و قابل قبول نشد. عناصر فرهنگی بسیاری که به طور عمده ناشی از باورهای گسترده دینی مردم و عرف اجتماعی آنان بود، مانع از پذیرش این رابطه به شکل یک نهاد قابل قبول شد. در اصل، نهاد دوست دختر/پسر غرب، به مثابه عضوی عاریه ای شد که هرگاه تلاش شد به پیکره اجتماعی ایران پیوند بخورد، این پیکره به شدت نسبت به آن واکنش نشان داد و آن را نپذیرفت. حاصل این واکنش، آسیب زایی این نهاد به جای درمان یک مشکل شد. وقتی پیکری، عضوی را نپذیرد، تعاملی آسیب زا بین عضو و پیکره شکل می گیرد و حال بیمار را وخیم تر از آن چه که بود می کند. و این مشکل بزرگی شد برای نسل جوان ایران.

۷. بی هنجاری در دوستی های دختر و پسر - نیروی برآمده از نهاد دوست دختر/پسر در غرب

و وجود زمینه هایی در داخل برای پذیرش آن، از یک سو و عدم پذیرش فرهنگ مذهبی و متعارف جامعه از سوی دیگر، موجب شد که جنگی دائمی در این زمینه در جامعه شکل بگیرد. کسانی بر اساس نیاز درونی خود، به سوی دوستی از جنس مخالف و حتی برقراری رابطه های نزدیک با او، کشیده می شدند و کسانی نیز در مقابل آنان صف آرایی کرده و با آنان به اشکال گوناگون، مقابله می کردند. این تقابل دست کم پنج دهه در ایران شکل آشکاری به خود گرفته و به ویژه پس از

انقلاب اسلامی، تبدیل به یک تعارض بسیار گسترده بین نسل قدیم و جدید شده است. از آن جایی که پیوسته این جدال، بر این رابطه حاکم بوده است، نه تنها اجازه نداده است رابطه بین دختر و پسر به صورت یک نهاد پذیرفته شده درآید، که از سویی موجب حاکمیت بی هنجاری در این زمینه نیز شده است. نمونه این بی هنجاری تکثر در دوست دختر و پسر در ایران، در مقایسه با کشورهای غربی است. یک دختر در آن واحد چندین دوست پسر دارد و یک پسر چندین دوست دختر. نمونه دیگر بی هنجاری در این زمینه، خیانت های مکرری است که این گونه دوستان به هم روا می دارند. اخاذی، آبروریزی، شکایت و پی گیری های جزایی، نمونه هایی از تجلیات این گونه روابط در ایران شده است.

۸. کشش های جنسی، عقده ای حل نشده - حاصل این بی هنجاری، تبدیل شدن رفتار و

تمایلات جنسی، به یک بیماری پنهان اجتماعی است. مسأله غریزه جنسی، در میان جوانان و حتی افراد بزرگ تر و متأهل، به معضلی پیچیده بدل شده است. باید اذعان کرد که بسیاری از مردم ایران، اعم از جوان و میان سال، به برنامه ای اقلانعی و رضایت بخش در زمینه غریزه جنسی نرسیده اند. جوانان نمی دانند که چه گونه و براساس چه هنجاری نیازهای جنسی خود را ارضاء کنند. علاوه بر رفتارهای حساب نشده و لجام گسیخته در این زمینه، خیال پردازی ها و تماشای فیلم های پورنوگرافیک و مراجعه به سایت های مربوطه، تبدیل به رفتاری بیمارگونه شده است. بر اساس گزارش های مراجع مربوطه، ۸۰٪ مراجعات جوانان و حتی در صد بالایی از افراد بزرگ سال به اینترنت، به منظور ورود به سایت های پورنوگرافیک انجام می شود. از سوی دیگر احساس سیری ناپذیر غریزه جنسی در جامعه، به ویژه در میان بسیاری از مردان، گواهی از حل ناشدگی مسأله غریزه جنسی در جامعه دارد. مهمترین عامل در بروز این نابسامانی پنهان، نداشتن یک دیدگاه روشن و آشکار در فرهنگ این جامعه است.

۹. ضرورت تدوین و اعلام دیدگاه های مشخص و آشکار در مورد روابط بین دو جنس

و رفتار جنسی - بر اساس آن چه که در مورد روابط بین دو جنس و نیز رفتار جنسی در جامعه گفته شد، ضروری است که بحث روابط بین دو جنس و رفتارهای جنسی، به شکلی آشکار و سازمان یافته در مراکز و نهادهای مربوطه، انجام پذیرد. در حال حاضر این بحث، به شکلی مبهم و نامشخص در جامعه مطرح می شود و این در حالی است که واقعیت این موضوع به شکلی قوی و لجام گسیخته، خود را بر روابط اجتماعی ایران تحمیل می کند و موجب نابهنجاری ها و آسیب های بسیار گسترده ای می شود.

رویکردهای مواجهه با مسایل ارتباطی دختر و پسر

در زمینه روابط دختر و پسر در ایران می توان سه رویکرد را مورد توجه قرار داده و یکی از آن ها را به عنوان رویکردی پذیرفته شده انتخاب نمود. این سه رویکرد عبارتند از:

۱ - رویکرد خود تنظیمی - بر اساس این رویکرد، نحوه رفتار دو جنس با یکدیگر، از جمله دختر و پسر، بر اساس قاعده تعادل جویی طبیعی و اجتماعی تنظیم خواهد شد. در این نگاه، انسان ها بر اساس فرایندهای طبیعی و بر اساس قواعد اجتماعی جاری و ساری بین آنان، به سطحی از رفتار قابل قبول میان دو جنس خواهند رسید. تحول این گونه رفتارها نیز، بر اساس تحولات اجتماعی و اقتصادی تعیین خواهد شد. در این رویکرد دولت و نهاد های فرهنگی تنها به آگاهی بخشی اکتفا خواهند کرد و دستگاه قضایی و انتظامی نیز تنها بر اساس شکایت های خصوصی، به تخلفات و دعاوی رسیدگی خواهد کرد.

۲ - رویکرد مداخله فرهنگی و آموزشی - بر اساس این رویکرد، هنجارهای رفتاری بین دو جنس، از طرف نهادهای فرهنگی و تربیتی، تعریف خواهد شد و بر اساس این تعریف، اقدامات فرهنگی از جمله آموزش های مناسب، طراحی و اجرا می شود. بر اساس این رویکرد، دستگاه های دولتی و فرهنگی، تنها در حیطه پرسنل خود و یا افرادی که با آن نهادها سر و کار دارند، می توانند اعمال مقررات و حدود رفتاری کنند. در این رویکرد و رویکرد اول، هیچ کس حق هیچ گونه مداخله مستقیم در رفتارهای هنجار شکنانه از طرف دو جنس را ندارد. در این زمینه باید قانون از آزادی رفتارهای بین دو جنس حمایت کرده و افراد مزاحم را تحت پی گرد قانونی قرار دهد.

۳ - رویکرد اعمال قدرت - بر اساس این رویکرد، نه تنها حدود و هنجارهای رفتاری مربوط به دو جنس، توسط نهادهای مربوطه تعریف می شود، که دولت در اعمال آن حدود، دست کم در سطح جامعه بزرگ، اعمال مقررات و قانون خواهد کرد. در این دیدگاه رفتارهایی که بین دو جنس از حدود تعیین شده تجاوز کند، توسط نیروی انتظامی و دستگاه قضایی، تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.

بر اساس زمینه های فرهنگی و حکومت وابسته به دین در کشور، رویکرد سوم رویکرد قابل قبول و اجرایی است.

اصول حاکم بر روابط دختر و پسر

اصل اول - زن و مرد، زوج خلق شده اند و وجود یکی بدون دیگری ناقص است.

اصل دوم - هر یک از دوجنس، نیازمندی های گسترده ای به هم داشته و تنها در سایه یک تعامل کامل، امکان برطرف شدن تمامی آن ها وجود دارد.

اصل سوم - تعامل های اجتماعی زنان و مردان در جامعه، باید به دور از گرایشات جنسی آنان بوده و حضور اجتماعی زن و مرد، دختر و پسر در جامعه تنها بر اساس نقش و جایگاه انسانی آنان صورت پذیرد.

اصل چهارم - جامعه بزرگ، محل به نمایش گذاشتن اندام ها، زیبایی ها و شهوت رانی ها نیست؛ چنین تمایلات و رفتارهایی باید به محل ها و موقعیت های خاص محدود شود. اتاق خواب محل برآوردن نیازهای جنسی، اعم از شوخی ها، تماس های بدنی و...؛ فضاهای اختصاصی و بسته، محلی برای به نمایش گذاشتن زیبایی ها و جامعه بزرگ محلی برای ارتباطات عام انسانی، کار، تلاش، تولید و آموزش، است.

اصل پنجم - حدود رفتاری و شکل روابط دختر و پسر در جامعه، از فرهنگ عام و غیر رسمی، به ویژه آن چه بین نوجوانان و جوانان رایج است، سرچشمه می گیرد. از این رو فرهنگ و تعلیم و تربیت رسمی می باید به کمک روش های خود، مداخله های مناسبی را در این فرهنگ داشته باشد.

اصل ششم - نهاد خانواده، مهمترین نهاد اجتماعی است که مورد تأکید دین مبین اسلام نیز می باشد. رفتارها و تعامل های دو جنس در جامعه، باید چنان باشد که در نهایت به شکل گیری خانواده ای سالم و ایده آل منجر شود.

اصل هفتم - نوجوانان و جوانان، پیش از ازدواج و تشکیل خانواده، در مواجهه با جنس مخالف، با مسائل و مشکلاتی، از قبیل کشش ها، تمایلات، دلبستگی ها و مواردی از این دست، روبرو هستند که می باید نحوه مدیریت آن ها را از طریق تعلیم و تربیت رسمی بیاموزند.

نظریه‌هایی پیرامون روابط دختر و پسر در جامعه ایران

به دلیل حساسیت موضوع روابط دختر و پسر در ایران، متفکران و محققان گوناگونی، تلاش کرده‌اند روابط دختر و پسر را با طرح نظریه‌هایی، سامان دهی کنند. برخی از این نظریه‌ها، به شکل جزئی و بخشی، مسأله را مورد کاوش قرار داده‌اند. تقریباً تمامی نظریاتی که در تحقیق نظری و همکاران (۱۳۸۵)، گردآوری شده است، دارای چنین خصیصه‌ای هستند. از مهمترین محورهایی که این نظریه پردازان بر آن تأکید دارند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وجود ناپهنجاری در روابط دختر و پسر در ایران.
 - ضرورت تأیید خط قرمزهای روابط
 - آموزش زندگی سالم به نوجوانان و جوانان؛ به ویژه در زمینه نحوه مواجه شدن با جنس مخالف و ازدواج.
 - عدم اشتغال کافی نوجوانان و جوانان، به ویژه دانشجویان، در طول روز و در طول دوره تحصیلی و وجود فراغت‌های بیش از حد در برنامه روزانه آنان.
- برخی از نظریه‌ها به موضوع، به شکلی نسبتاً جامع پرداخته‌اند. یکی از این نظریه‌ها توسط آقای امیرحسین بانکی، ارائه شده است. ایشان ابتدا دیدگاه‌های رایج در مورد روابط دختر و پسر را احصاء کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که دو دیدگاه متداول در این زمینه وجود دارد. اول دیدگاه اختلاط، که معتقد به اختلاط دختر و پسر و قائل نشدن محدودیتی در این زمینه است. ایشان بر اساس دیدگاه دینی و عرفی جامعه اسلامی ایران، این دیدگاه را غیر قابل قبول دانسته‌اند. دیدگاه دومی که ایشان مطرح می‌کنند، دیدگاه ارتباط در حد ضرورت و الزام است. این دیدگاه، دیدگاه اغلب علما و فقهای اسلامی است. بر اساس این دیدگاه، زن و مرد و دختر و پسر نامحرم، جز در مواقع اضطرار و الزام، نمی‌توانند با یک دیگر مواجهه‌ای داشته باشند. این مواجهه نیز باید با رعایت حدود شرعی باشد. ایشان بعد از بیان این دو نگرش و محدودیت‌ها و مشکلات هر یک، به طرح دیدگاه سومی پرداخته‌اند که معتقدند آن را از مفاهیم قرآنی دریافت کرده‌اند. دیدگاه سوم در این زمینه، دیدگاه ارتباط بر اساس معروف است. معروف اصطلاحی است که در فرازهایی، قرآن کریم آن را مورد تأکید قرار داده است؛ از جمله این موارد، آیه مبارکه عاشروهن بالمعروف است. ایشان معروف را عرفی می‌دانند که مغایرت آشکار با شرع و عقل نداشته باشد. یعنی به اعتقاد ایشان دختر و پسر می‌توانند بر اساس قاعده معروف با یک دیگر مراوده داشته باشند. بنابراین حدود و شکل ارتباط بین دختر و پسر، بر اساس عرفی که مغایرتی با دین و عقل نداشته باشد تعیین خواهد شد. این عرف، از جامعه‌ای به جامعه دیگر و حتی از محیطی به محیط دیگر، تفاوت می‌کند. برای مثال، ایستادن جمعی دانشجویان و حلقه زدن به دور یک استاد و مدت مدیدی گفت و گو کردن، در محیط کلاس، عملی است معروف، در حالی که همین کار در خیابان یا یک میدان، عملی غیر معروف است. به این ترتیب معروف عملی است منطبق با شرع، عقل و شرایط اجتماعی و محیطی اطراف آن.
- این دیدگاه با این حال که با انتقاداتی نیز مواجه است، لکن دیدگاهی است که تا حدی در مورد روابط دختر و پسر، شکل و حدودی از رفتار را تعیین می‌کند.

از جمله مباحثی که در زمینه روابط دختر و پسر، در جامعه ایرانی مطرح شده است، کتابی است تحت عنوان "تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران"، که توسط محقق، تألیف شده است. در این کتاب ضمن طرح مباحث گوناگون، به شکل صحیح روابط بین دختر و پسر نیز پرداخته شده است. در اینجا، با استفاده از مطالب آن کتاب، مروری فشرده به برخوردهای مورد پذیرش، بین دو جنس مذکر و مؤنث و یا به عبارت دقیق تر، بین دختران و پسران، خواهیم داشت. وضعیت مطلوب در این گونه برخوردها، می‌تواند دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱- شناخت واقعیت‌های جنس مخالف - در این زمینه هر یک از دختران و پسران باید بدانند که جنس مخالف، همچون خود آنان، دارای ویژگی‌های مثبت و منفی گوناگونی هستند. آنان در عین حال که برخوردار از توانایی‌های خاصی هستند، دارای ضعف‌ها و ناتوانی‌هایی نیز می‌باشند. آنان چون هر انسان دیگری دارای خصوصیات اخلاقی مثبت و منفی‌اند.

برای اینکه الگوی نسبتاً مناسبی برای شناخت جنس مخالف عرضه کنیم، می‌توانیم به طور خلاصه بگوییم همه دختران و پسران مشابهت زیادی با خواهران و یا مادران خود و یا برادران و پدرانمان دارند. نباید تصویری که از اعضای خانواده خود داریم با افراد غیر همجنس خود چندان متفاوت باشد. نباید دلگیری‌ها و ناراحتی‌های ما از خانواده، ما را به سمتی بکشاند که یک تصور ایده‌آل و غیرواقعی از افراد غیر همجنس داشته باشیم.

۲- اجتناب از خیالپردازی و تصور رویایی در مورد جنس مخالف - دومین خصوصیتی که باید در برخورد بین دو جنس، مورد توجه قرار گیرد، این است که سعی کنیم از خیالپردازی و خیالبافی در مورد آنان، اجتناب کنیم. هرگونه خیالبافی افراطی در مورد جنس مخالف، به واقع بینی ما، لطمه می‌زند. تصور یک موجود ماورایی، مانند فرشته، در مورد جنس مخالف، نشان‌گر ضعف بینش واقع بینانه ماست. بنابراین باید خیالپردازی‌های خود را در مورد آنان و یا به طور اعم در مورد افراد دیگر تحت کنترل قرار دهیم و یا حداقل بگوییم که چه چیزی در مورد آنان تخیل می‌کنیم و چه چیزی درباره آنان می‌شناسیم و باور داریم. اگر قادر نیستیم جلوی تخیلات خویش را به سادگی بگیریم، حداقل توجه داشته باشیم که چه چیزی واقعیت دارد و چه چیزی خیال است. انسان سالم به آسانی می‌تواند بین تخیلات خویش و واقعیتها، تفکیک قائل شود.

۳- از بین بردن ترسها، دلهره‌ها، هیجان‌ها، احساس خصومت و خشونت نسبت به جنس مخالف - از جمله خصوصیات دیگر، برخورد سالم و مطلوب بین دو جنس، این است که باید هرگونه پیشداوری را که ایجاد نوعی هیجان منفی نسبت به جنس مخالف می‌کند، از ذهن خود دور کنیم. باید آنان را افرادی مانند خود بدانیم، که می‌توانند افرادی سالم و سازنده باشند و یا افرادی مخرب و منفی. بنابراین داشتن افکار هیجانی مطلق قالبی و کلیشه‌ای در مورد آنان، و تعمیم دادن آنها به تمامی افراد آن جنس، می‌تواند صفتی نامطلوب در روابط دو جنس قلمداد شود.

۴- کنترل خونسردی و صلابت شخصیت به هنگام برخورد با جنس مخالف - برخورد مناسب و مطلوب با جنس مخالف، دارای این خصوصیت است که فرد با خونسردی تمام و نیز حفظ ارزش شخصیت خویش، بدون خرد کردن شخصیت خود و یا دیگران، با جنس مخالف برخورد کند. نوجوانانی که به هنگام برخورد با دیگران هیجان زده شده، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که موجب تحقیر خود و گاه دوستان خویش می‌شوند، الگویی نامناسب در این زمینه به شمار می‌آیند. نکته دیگر این که انسان می‌باید به هنگام برخورد با

جنس مخالف، به شخصیت خویش، بدون اینکه دچار خودپسندی و یا خودبینی باشد، ارزش قائل شود و آن را محترم بشمارد.

۵- برخورد مبتنی بر احترام با مراعات حدود شرعی، در مورد محرم، نامحرم، حلال و حرام

از ویژگی‌های یک برخورد سالم این است که احترام و ارزش گذاری به دیگران، که از جمله جنس مخالف، در آن مراعات شده باشد. الگوهایی که بدون توجه به حدود شرعی، در مورد محرم و نامحرم، در اندیشه مراعات احترام فرد مقابل هستند، در جامعه ما مقبولیت نداشته و می‌توانند موجب اختلال و آشفتگی در روابط اجتماعی باشند. بنابراین الگوگیری از جوامع غرب در خصوص نحوه برخورد با جنس مخالف، بدون توجه به قواعد و مقررات اجتماعی و شرعی، می‌تواند موجب اختلال در روابط اجتماعی خود ما باشد.

۶- فقدان روابط پنهانی با جنس مخالف و مشورت با والدین در این گونه موارد - اساسا

برقرار ساختن روابط پنهانی، رفتاری نامطلوب در روابط بین دو جنس تلقی می‌شود. در جامعه وجود روابط پنهانی بین دو فرد نامحرم، در اذهان و قضاوت‌ها، مسأله ساز و اثرگذار است. علاوه بر این، برقراری روابط پنهانی از قبیل دیدارهای دور از انظار، رد و بدل کردن نامه و امثال این‌ها، می‌تواند مقدمه لغزش‌هایی باشد که آثار آن را انسان در سراسر زندگی خود ممکن است همراه داشته باشد. ازدواج‌هایی که بر اساس برقراری روابط پنهانی بین دو جنس صورت گرفته، در اکثر موارد، منجر به شکست واقعی در زندگی شده است. علاوه بر این، باید به این نکته نیز اشاره داشت که این گونه روابط، اعتماد طرفین را تا حد زیادی خدشه دار می‌سازد. اما در صورتی که دو فرد مایل باشند با یکدیگر زندگی کنند و تشکیل خانواده دهند، ضرورتی ندارد که این تمایل را به صورت پنهانی و دور از قضاوت و اندیشه اطرافیان نسبت به یکدیگر اظهار کنند. آنان می‌توانند با طرح مسئله، به شکل مناسب، با والدین خویش، در این مورد از آنان مشورت بخواهند و سعی کنند با استدلال و زبان منطقی، مسأله را طرح، و از اطرافیان در این زمینه، نظر خواهی و استمداد کنند.

۷- اجتناب از برقراری روابط صمیمانه با جنس مخالف، قبل از عقد شرعی - از جمله

ویژگی‌های دیگر در رفتار مطلوب، بین دو جنس، این است که طرفین از برقرار کردن روابط صمیمانه و بی‌پرده با یکدیگر قبل از این که عقد شرعی صورت گیرد، اجتناب ورزند. عقد، نقطه‌ای است که از آن به بعد دختر و پسر می‌توانند نزدیکترین روابط را با یکدیگر داشته باشند. اگرچه برخی معتقدند باید آشنایی و صمیمیت قبل از ازدواج وجود داشته باشد، تا دو فرد یکدیگر را به خوبی بشناسند و بعد از آن زندگی مشترک خود را شروع کنند؛ از این طریق، دو فرد می‌توانند یکدیگر را به خوبی بشناسند و بعد از آن زندگی مشترک خود را شروع کنند. اما باید بگوییم که عشق واقعی و علاقه‌مندی حقیقی بین دو جنس، زمانی ایجاد می‌شود که دو فرد ارتباط خود را با یکدیگر به سادگی تزلزل ناپذیر ندانند و از سوی دیگر هر یک برای جلب نظر دیگری، دست به یک رفتار نمایشی نزنند. در آشنایی‌های قبل از ازدواج، این مسأله به کرات دیده می‌شود. امروزه غرب از طریق تجربه کردن این روابط و آشنایی‌ها به نحو چشمگیری نهاد خانواده را متزلزل ساخته است.

تجربیات در جامعه ما به خوبی نشان داده است که وقتی دختر و پسر با مراعات کفویت، یعنی همتایی اعتقادی، اجتماعی با یکدیگر ازدواج می‌کنند، روز به روز صمیمیت آنان نسبت به یکدیگر عمیق‌تر و بنیاد خانواده آنان مستحکم‌تر می‌شود. در اینجا ضروری است در مورد همتایی اعتقادی و اجتماعی تاکید خاص داشته باشیم. دختر و پسر که از لحاظ اجتماعی، نظیر روابط اجتماعی و انتظارات اجتماعی، با یکدیگر مشابهت دارند و نیز دختر و پسر که به لحاظ اعتقادی و تقید به آداب دینی مشابهت نزدیکی به یکدیگر

دارند، می‌توانند زندگی سالم و ثمربخشی را تشکیل دهند و استمرار ببخشند. نمونه‌های بارزی از خانواده‌هایی که در جامعه ما، رو به انحلال می‌روند، به طور عمده، ناشی از ناسازگاری یا عدم همتایی در این دو بُعد و یا یکی از این دو بُعد است. بنابراین در صورتی که در انتخاب همسر، این کفویت یا همتایی مراعات شود، نیازی به برقراری روابط صمیمانه قبل از ازدواج مشروع نخواهد بود، بلکه باید تاکید کنیم که چنین روابطی می‌تواند بیش از آنکه مفید باشد، مضر و تهدید کننده نهاد خانواده در جامعه ما به شمار آید.

۸- نداشتن رفتار سبک، خود نمایی و جلب توجه جنس مخالف در مجامع مختلف - در روابط سالم بین دو جنس این نکته مستتر است که انسان نباید ارزش خود را تا آن جا پایین بیاورد که رفتار خاصی، به منظور جلب توجه دیگران، از خود بروز بدهد.

بروز رفتار مبتنی بر خودنمایی، برای جلب توجه دیگران، نشانه عدم رشد کافی شخصیت در انسان است. انسانی که به لحاظ شخصیتی به سطوح بالاتر دسترسی پیدا می‌کند، براساس اصول و ضوابط عقلانی و انسانی عمل می‌کند، نه برای جلب توجه دیگران. انسانی که بخواهد توجه دیگران را به خود جلب کند، انسان آشفته‌ای خواهد بود که هر آن و هر لحظه می‌باید به مقتضای محیطی که در آن قرار گرفته است، رفتار خود را دگرگون سازد. چنین فردی از خود و شخصیتی که دارد، بیزار خواهد شد.

این قاعده درباره نحوه رفتار ما در مقابل جنس مخالف نیز به نحو بارزتری صدق می‌کند. افرادی که به صور گوناگون، رفتارها و گفتارهایی از خود بروز می‌دهند. مثلا لباس‌هایی می‌پوشند، که مورد توجه جنس مخالف قرار گیرند، عمل آنان نمایان گر شخصیت متزلزل و ناتوان آن هاست. این قاعده نباید احترام به جنس مخالف را خدشه دار سازد. احترام و توجه مثبت به افرادی که در اطراف ما هستند، با رفتار مبتنی بر خودنمایی تفاوت می‌کند هدف رفتار خودنمایی متوجه فرد خودنماست، در حالی که هدف انسانی که به دیگران احترام می‌گذارد، رعایت اصول و ارزشهای انسانی است که فرد به آن معتقد و پای بند است.

پیشنهادها

در کنار تحلیل‌هایی که در مورد روابط دختر و پسر در ایران مطرح انجام گرفته است، هر یک پیشنهادهای خاصی را مطرح کرده‌اند. در بخش نظریه‌های مربوط به روابط دختر و پسر، پیشنهادهایی را در متن نظریه‌ها مطرح کردیم. علاوه بر آن‌ها، در برخی از پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، پیشنهادهای مدونی ارائه شده است. ما با توجه به روشنی و کارآیی پیشنهادها، به موارد زیر اشاره می‌کنیم.

حاجیلری (۱۳۸۴)، در پایان پژوهش خویش، پیشنهادهایی را به شرح زیر ارائه کرده است:

۱ - برآوردن نیازهای طبیعی انسانی که آرامش روحی و روانی در کنار جنس مخالف یکی از آن هاست، در یک بستر طبیعی و تعریف شده در چارچوب ضوابط و قوانین آسان گیر، می‌تواند بخشی از مشکلات را

رفع کند. یافتن راه کارهایی که بتواند در شرایط جدید مورد اقبال اعضای اجتماعی قرار گیرد و ارتباطات اجتماعی را که بین دو جنس منجر به آرامش آنها می شود را پدیدار سازد، ضروری است.

۲ - شناخت ابعاد وجودی جنس مخالف و کسب تجربه حداقلی از سوی افراد، می تواند آنها را به سوی برقراری ارتباط با جنس مخالف سوق دهد و به عنوان یک انگیزه نسبتاً مؤثر عمل کند. به نظر می رسد پاسخ گویی به نیازهای شناختی اعضای اجتماعی در این زمینه، می تواند تا حدودی به حل این مسأله کمک کند.

۳ - ایجاد زمینه های فعالیت اجتماعی برای افراد، شکل دهی به فضاهای با نشاط اجتماعی و فرهنگی، تنوع بخشیدن به شیوه های ابراز هیجانات روحی و روانی و تخلیه روانی و می تواند منجر به پاسخ گویی به بخشی از نیازهای اجتماعی افراد باشد.

۴ - به نظر می رسد ایجاد زمینه های لازم برای ازدواج، توسعه مشارکت جمعی و گروهی و بسط فعالیت های فرهنگی و اجتماعی می تواند افراد را از انزوا خارج ساخته و احساس تنهایی را در آنها کاهش دهد.

۵ - توسعه خوابگاه های متأهلی، اشتغال پاره وقت و درآمدزا برای دانشجویان، افزایش وام های بلندمدت تحصیلی با بهره کم و پرداخت اقساط آن، پس از شاغل شدن و..... می تواند تا حدودی به فراهم ساختن امکان ازدواج برای دانشجویان در دوران تحصیل، کمک کند. (حاجیلری، ۱۳۸۴)

برنامه های اجرایی برای سامان دهی روابط دختر و پسر در ایران

براساس آن چه که از تحلیل واقعیت روابط دختر و پسر در ایران به دست می آید، برای سامان دهی این مسأله، ناگزیر از برداشتن گام هایی هستیم که ذیلاً آن ها را مورد بحث و طرح قرار می دهیم:

۱ - تعیین رویکرد مواجهه با روابط دختر و پسر - در ابتدای این فصل، بحثی را

مطرح کردیم تحت عنوان رویکردهای مواجهه با مسایل ارتباطی دختر و پسر. در این بحث، سه رویکرد مورد بحث قرار گرفت. در اولین گام می باید مراجع فرهنگی کشور، رویکرد مقبول خویش را تعیین و به عنوان یک استراتژی، برای نحوه مواجهه شدن با روابط و دختر و پسر، اعلام نمایند.

۲ - تفکیک سه سطح ارتباطی بین دختر و پسر و زن و مرد در جامعه -

یکی دیگر از نکات استراتژیک که می باید در زمینه روابط دو جنس در جامعه تعیین شود، تفکیک و تعیین تکلیف در مورد سه سطح ارتباطی بین زن و مرد و دختر و پسر است. این سه سطح عبارتند از: **اول، سطح ارتباط عمومی** - این سطح از ارتباط در جامعه بزرگ و در محیط های علمی و کاری صورت می پذیرد. در این سطح، دو جنس در تعامل های رسمی و ضروری وارد شده و بر اساس نیازهای عمومی و اجتماعی، با یک دیگر ارتباط برقرار می کنند. **دوم، سطح دریافت تقویت های فردی و روان شناختی** - در این

سطح، انسان ها از یک دیگر پیام های تقویت کننده و رضایت بخش فردی دریافت می کنند. نشان دادن زیبایی ها، استفاده از ابزارها و وسایل آرایشی و جالب توجه، پوشیدن لباس هایی که تنوع و زیبایی فرد را بیشتر نمایان می کند و..... همگی در این سطح مطرح می شود. **سوم، سطح ارتباط جنسی** - در این سطح رابطه بین دو فرد تا حد ارتباط جنسی پیش می رود. در این سطح نه تنها ویژگی های دو سطح اول و دوم وجود دارد که علاوه بر آن، دو فرد مجاز به برقراری تماس جنسی و رسیدن به رضایت ناشی از آن هستند.

این سه سطح همان چیزی است که در شرع مقدس اسلام آن ها را با سه مفهوم نامحرم؛ محرم و بالاخره حلال، تعریف کرده اند.

مراجع فرهنگی در این زمینه نیز باید موضع گیری روشنی داشته باشند. از آن جمله این که تعیین کنند که محیط های مجاز برای نشان دادن هر یک از این سه سطح رفتاری، کجاست. برای مثال باید تعیین کنند که آیا زن ها مجاز هستند زیبایی ها، از جمله لباس های متنوع و بدن نما را در محیط های بزرگ اجتماعی، به معرض نمایش بگذارند؟ و یا زن و مرد محرم و حلال مجاز هستند در محیط های بزرگ اجتماعی، دست یک دیگر را گرفته و یا یک دیگر را در آغوش بگیرند یا نه؟

۳ - تصویب قوانین و مقررات متناسب با راهبردهای فرهنگی مربوطه - به

دنبال تعیین راهبردهای مشخص در زمینه روابط دختر و پسر، می باید قوانین و مقررات حقوقی و جزایی مناسب با آن رویکردها نیز تعیین و در مراجع قانون گذاری به تصویب برسد. بدون پشتیبانی قانونی لازم، نمی توان راهبردهای مربوطه را اجرایی کرد. از جمله این مقررات می توان به مقررات مربوط به نحوه نظارت بر حضور و رفت و آمد دانش آموزان و دانشجویان، از جمله نحوه حضور آنان در خوابگاه ها باشد.

۴ - تعیین ویژگی های زندگی سالم و آموزش آن به نوجوانان و جوانان -

اصل ترین محل منازعه طرفداران تعیین خط مشی مشخص در روابط دختر و پسر در جامعه ایرانی با کسانی که این حدود را رعایت نمی کنند، وجود این اندیشه بنیادی است که خداوند انسان را برای یک زندگی پاک و سالم، در دنیا و عقبی آفریده است. در اندیشه متفکران و اولیاء مدرسه و خانه، مدلی از زندگی وجود دارد که آن را برای بهره مندی و رضامندی بیشتر از زندگی، مورد توجه و تأکید قرار می دهند. آنان، نوجوانان و جوانانی که در روابط خود با جنس مخالف، دست به هنجارشکنی می زنند را در معرض خطر سقوط در ورطه یک زندگی ناسالم می بینند. این دیدگاه در پس زمینه خود، چنین نحوه از زندگی را دارد.

وقتی چنین تصویری از زندگی وجود دارد، لذا می باید آن را به شکلی قابل قبول به نوجوانان و جوانان، آموزش داد. از جمله محتویات این زندگی سالم، نحوه ارتباط با افراد غیر هم جنس، و نیز نحوه انتخاب همسر و تشکیل زندگی زناشویی است. مدل منتخب جامعه اسلامی ایران، برای مواجه شدن با جنس مخالف و نیز رسیدن به یک زندگی مشترک سالم و سازنده در کنار همسر را باید در قالب درسی مشخص در آموزش های رسمی دانش آموزان در نظر گرفت. نام این درس می تواند "زندگی سالم" و یا "آیین زندگی" باشد.

۵ - برنامه ریزی برای فعال کردن نوجوانان و جوانان - صاحب نظران معتقدند

که از جمله آفت هایی که موجب می شود نوجوانان و جوانان، به دنبال رفتارهای نابهنجاری در زمینه نحوه رفتار با جنس مخالف باشند، وجود اوقات فراغت بیش از حدی است که توانسته است آسیب های جدی به برخی از بنیادهای شخصیتی و تربیتی آنان وارد کند. عدم جدیت در پی گیری های تحصیلی در بخش بزرگی

از آموزش و پرورش و نیز دانشگاه ها، پایین بودن کیفیت آموزشی در بسیاری از مراکز آموزشی، از جمله دانشگاه ها، عدم علاقه مندی بسیاری از دانش آموزان و دانشجویان به رشته تحصیلی و مباحث درسی و دلایلی از این دست، باعث شده است که دانش آموزان و دانشجویان، حضوری صوری و ظاهری در مراکز آموزشی داشته و اکثر اوقات خود را به نوعی به بطالت بگذرانند. اوقات باطل، بستری است برای انجام بسیاری از رفتارهای مخرب و غیرسازند، از جمله برقراری انواع روابط با افراد غیرهم جنس. عدم جدیت و بامعنایی در آموزش، تبعات دیگری را نیز به همراه دارد، که از جمله آن ها شکل گیری تصورات منفی از خویشتن است. برخی از متفکران و محققان معتقدند که جوانان ما فاقد اعتماد به نفس و عزت نفس کافی هستند (نوابی نژاد، به نقل از نظری و همکاران، ۱۳۸۵). پایین بودن عزت نفس نوجوانان و جوانان می تواند تبعات منفی بسیاری داشته باشد.

۶- آموزش خانواده ها - یکی دیگر از برنامه های ضروری برای مدیریت روابط دختر و پسر، آموزش خانواده هاست. خانواده های ایرانی دست کم در محورهای زیر، نیاز به آموزش جدی و دقیق دارند:

الف - در زمینه شناخت نوجوانی و نحوه رفتار با نوجوان - اغلب والدین به دلیل نا آشنا بودن نسبت به دوره نوجوانی و چگونگی رفتار با نوجوان، او را به سمت هنجار شکنی و اصرار و پافشاری بر خواسته های خود سوق می دهند. والدین باید بیاموزند که با نوجوان به گونه ای رفتار کنند که او، ضمن هدایت به سمت اهداف تعلیم و تربیت، سر ستیز با هنجارهای خانواده و اجتماع پیدا نکند. لازمه این کار داشتن حساسیت مناسب نسبت به مسایل تربیتی فرزندانشان از یک سو و دانستن شیوه مواجه شدن با مسایل نوجوانی از سوی دیگر است.

ب - در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده - یکی دیگر از زمینه هایی که خانواده ها نیاز به آموزش جدی دارند، داشتن شناخت و اطلاعات کافی در زمینه ازدواج فرزندانشان است. در حال حاضر بسیاری از خانواده ها، یا به دلیل سخت گیری و داشتن ملاک ها و معیارهای سخت و دشوار، برای ازدواج فرزندانشان، آنان را به سمت برقراری روابط پنهان با دیگران سوق می دهند و یا این که برای جلوگیری از برقراری روابط نامناسب با غیرهم جنس، اقدام به ازدواجی زودرس و ناپخته برای فرزندانشان می نمایند. این دو اقدام، در هر صورت آسیب زا است.

۷- نظارت بر مراکز مشاوره و آموزش هایی که در این زمینه ها داده می

شود - نوجوانان و جوانان، برای تعیین تکلیف در زمینه کشش های خود به طرف جنس مخالف، به برخی از مراکز آموزشی و مشاوره ای مراجعه می کنند. این گونه مراکز، که در بسیاری موارد، حتی بدون مجوز از مرجعی قابل قبول، به فعالیت های خود ادامه می دهند، توصیه ها و راه حل هایی به نوجوانان و جوانان ارائه می دهند که به شکل بارزی با فرهنگ حاکم بر جامعه، در تعارض است. در گزارش هایی که نوجوانان و جوانان، از مراجعه های خود به این گونه مراکز ارائه می کنند، توصیه به داشتن دوست پسر و دختر بسیار وجود دارد. حتی برخی از افرادی که از مراجع ذیربط مجوز مشاوره را کسب کرده اند، چنین توصیه هایی را به مراجعان خود می کنند.

علاوه بر مراکز مشاوره، دوره های آموزشی گوناگونی توسط افرادی که هیچ گونه مجوز دایر کردن چنین دوره هایی را ندارند، دایر شده و در آن ها انواع روابط آزاد بین دو جنس، حتی در مورد زنان و مردان

متأهل تجویز می شود. این گونه دوره ها نیز به نوبه خود در ایجاد آشفستگی، بین دو جنس نقشی تاثیرگذار دارند.

می باید بر روی این گونه مراکز و مشاوران مربوطه، نظارتی جدی اعمال شود. برای چنین توصیه هایی می باید مجازات های مناسبی در نظر گرفته و اعمال شود. سازمان نظام روان شناسی و مشاوره و نیز شورای عالی جوانان، می باید در زمینه تصویف مقررات مربوطه و اعمال آن ها به مراکز مشاوره تحت نظارت خود، اقدام کنند.

SCC.ir

۱ - در این رابطه سردار طلایی فرمانه نیروی انتظامی تهران بزرگ، در مصاحبه ای با خبرنگاران اظهار می کند که: "وقتی دوستی خیابانی با شکست روبرو می شود، پسر تصمیم به انتقام از دختران می گیرد" (روزنامه اعتماد ملی، شماره ۱۱۰، ۲۹ خرداد ۱۳۸۵).

۲ - به نمونه هایی از این خبرها در زیر اشاره می شود:
- روزانه ۴۵ دختر از خانه فرار می کنند (امید جوان، شماره ۲۰۰)
- ۲۵۰۰۰ کودک خیابانی که اکثر آن ها دخترند در خیابان های تهران سرگردانند (همشهری، ۷۹/۹/۲۰)
- باند پسرانی که دختران فراری را در خانه های مختلف اسکان داده و به انحراف می کشیدند، دستگیر شدند (ایران، ۷۹/۵/۲۵).

- یک پیر مرد ۶۲ ساله سردهسته باند دختران فراری با ۱۱ دختر دستگیر شد (ندای ایران ۷۹/۴/۱۴).
۳ - تاریخ انتشار

: دوشنبه، ۱ فروردین ۱۳۸۴ حمید غلامزاده ماهنامه فرهنگی هنری اجتماعی

روابط دختر و پسر در کانادا!

با ژان میشل به واسطه زبان فارسی و علاقه او به این زبان آشنا شدم. پسری اهل استان کبک کانادا که فرانسوی زبان است اما به زبان فارسی یا انگلیسی با هم صحبت می کنیم. آشنایی او با زبان و فرهنگ ایرانی بهانه ای شد تا نظر او را در مورد روابط دختر و پسر جویا شوم. البته دوست داشتم این گفتگو زمانی انجام گیرد که او به ایران می آید، اما بهتر دیدم که این پرسش ها را اکنون بپرسم و بعد از ورود او به ایران و آشنایی ملموس تر با اینجا، بطور مفصل با او به بحث و گفتگو بپردازم.

۱- روابط بین دختران و پسران در کانادا درست مثل سایر جاهایی است که به عنوان غرب شناخته می شوند. البته باید این نکته را به خاطر داشته باشی که من در اینجا تنها بر بخش کوچکی از کانادا متمرکز خواهم شد؛ یعنی منطقه فرانسوی زبان استان کبک که در بسیاری موارد ممکن است تفاوت فاحشی با مابقی کانادا داشته باشد. با این اوصاف می توانم اینگونه عمومیت بدهم. در حال حاضر مردم به دفعات و در سنین پایین تری روابط برقرار می کنند. آنها راحت تر از پیش هم با یکدیگر نامزد می شوند. نه تنها موانع قدیمی (مثل موانع قرار گذاشتن افراد دارای سابقه ملی/مذهبی/قومی مختلف) در حال شکسته شدن هستند، بلکه جامعه هم در مجموع این روابط را کمتر و کمتر الزام آور می بیند. البته همانطور که بیشتر ما می دانیم آزادی بیشتر لزوماً به معنای زندگی عاشقانه بهتر نیست.

۲- به طور عام «دوست دختر» یا «دوست پسر» کسی است که الف) دوستش داری، ب) با او رابطه جنسی داری، و ج) می خواهی که رابطه موفقی با او برقرار سازی. مثل خیلی از تعاریف این یکی هم وحی منزل نیست! بلکه بالعکس. ممکن است دوست دختر (یا پسر) ی داشته باشی که واقعا عاشق او نیستی، با او رابطه جنسی نداری (برای معدود افرادی که به بکارت پیش از ازدواج اهمیت می دهند) و شاید مهمتر از همه، خواهی که بخش زیادی از زندگی ات را اشغال کند. در واقع می توان گفت تعاریف زیادی می توانند از دوست دختر یا دوست پسر وجود داشته باشند. این بی ثباتی گاهی برای افراد جوان که نه با یک راه، بلکه با چندین طریق قابل قبول زندگی عاشقانه مواجه هستند، گیج کننده است. و باز هم، آزادی بهایی دارد، ولو هنگفت!

۳- امروزه زنان از موقعیت های قابل قیاس با مردان بهره می برند. در واقع، زنان کبک تمایل دارند که غالب تر و جسورتر از مردان باشند: در اغلب رسانه ها زنان جوان افرادی باهوش و مصمم تصویر می شوند، و در عین حال مردان تنبل، مردد و گاهی اوقات کله پوک نشان داده می شوند. اما حتی زمانی که زنان سهم بیشتر و بیشتری را به خود اختصاص می دهند، عادات قدیمی به سختی از بین می روند. به عنوان مثال، یک زن زیبا به واسطه لیاقت حرفه ای هیچ امتیازی برای رسیدن به اهداف خود کسب نخواهد کرد، چرا که این زیبایی است که به تنهایی راه را برای موفقیت او باز می کند. بخش قابل توجهی از تبعیض جنسی همچنان در محل کار یا منزل وجود دارد، اگر چه به واقع در حال امحاء است. شاید بتوان گفت که هزاره جدید متعلق به زنان است!

۴- یکی از تاثیرات رشد مداوم کلیشه های جنسی در برداشتی که از روابط آزاد جنسی در اینجا وجود دارد قابل مشاهده است. در حالی که مردان به طور طبیعی می توانند بدون اینکه ننگی بر دوش بکشند، تعداد زیادی شرکای جنسی داشته باشند (گاهی داشتن تعداد زیادی زن به مثابه فتوحات بسیار است)، زنان به طور عادی نمی توانند. برای مردان، تنوع به معنای محبوبیت است و برای زنان، اگر بخواهیم ملایم باشیم، هرزگی.

۵- به وضوح تمام، روابط آزاد جنسی (اگر منظور را درست فهمیده باشم) در کانادا، درست مثل بقیه جاهای دنیا، در مجموع نسخه بلا و مصیبت است، مگر برای زوج‌های بیش از حد آزاد. نه مرد و نه زن، هیچ یک تحت استانداردهای تک همسری، اجازه روابط جنسی بی‌رونی را ندارند.

۶- در کانادا، ازدواج همزمان هم خوب است و هم بد (اگر اجازه داشته باشم اینگونه بگویم). در حالی که زمینه مذهبی و فرهنگی از دواج خیلی کم شناخته شده و به شدت هم مورد بی‌توجهی واقع شده است، جوانان تمایل دارند راه والدین خود را دنبال کنند. بنابر این، بخش عمده‌ای از مردم تمایل دارند که در کلیسا ازدواج کنند، حتی اگر به خدا هم ایمان نداشته باشند، چرا که به نوعی برای آنها معقول است. خیلی‌ها قبل از اعطای «تقدس» یا صواب فزونی به عقد توسط کشیش را نیز از دواج می‌دانند. به طریقی می‌توان گفت که ازدواج از ماهیت خود برهنه شده و به نظر می‌رسد که غالباً اهمیتی به این موضوع نمی‌دهند. از طرف دیگر، به شدت روشن و مشخص است که ازدواج دیگر آن نهاد غالب همچون گذشته نیست. حتی اگر ثابت شود که تغییر بعضی چیزها که برخی توقع داشته‌اند انعطاف‌پذیرتر است، باز هم در مجموع جامعه این باور وجود خواهد داشت که ازدواج قابل حذف است؛ زوج‌هایی که ازدواج نمی‌کنند، با تعصبات هم مواجه نمی‌شوند. در واقع، افراد بدبین از این نکته غافل نمی‌مانند که یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های ازدواج در بین نسل جوان فی‌نفسه هیچ ارتباطی با عشق و علاقه ندارد، بلکه غالباً مالی است.

۷- طلاق در کانادا زنده و پابرجاست. تا ۴۵٪ از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شوند (ارقام خوش‌بینانه‌تر این نرخ را در حدود ۳۵٪ نشان می‌دهند). دلایل این آمار، به نظر من، بسیارند، اما چند تعمیم می‌توان ارائه داد. روشن است که آزادی نیمی از جامعه (یعنی زنان) به این معنا بود که آنها دیگر نمی‌توانند همچون گذشته که سر به راه و رام بودند، مطیع و فرمانبردار باشند. زنان بیش از پیش مستعد آن هستند که حرفشان شنیده شود و این تأثیر مستقیمی بر ثبات اتحادها دارد، چرا که هر دو طرف سهم برابری را از این کیک می‌خواهند. در حالی که زنان بیشتر و بیشتر بر شغل و آموزش تمرکز می‌کنند، اگر مرد حاضر به سازش نباشد، صدماتی که به رابطه وارد می‌شود می‌تواند بسیار مهلک باشد. ساعات کاری بیشتر و زمان آسایش کمتر هم صدمه خود را می‌زند و خستگی و استرس زوجین را به زمین می‌زنند. شکست «ارزش‌های سنتی» (به دلیل فقدان واژه بهتر) نیز به معنای این است که زوج در مواجهه با مشکلات زودتر در انزوا رها می‌شود و آسیب‌پذیرتر است. تربیت بچه هم بیش از پیش دشوار می‌شود. بین ساعات کاری طولانی والدین، برنامه فشرده، و خانواده، فشار لطمه خود را وارد می‌کند و زوج از هم می‌پاشد.

۸- دین دیگر آن تأثیر سی یا چهل سال گذشته را بر زندگی افراد ندارد. کلیساها روز به روز خالی‌تر می‌شوند و ارزش‌ها و احکامی که توسط آن پاس داشته می‌شوند غالباً دیگر خیلی رایج نیستند. برای نمونه، استقامت آن در برابر جلوگیری از بارداری یا ازدواج همجنس‌بازها (دو موضوع کاملاً مرتبط با این روابط (بدجوری بی‌خبر از آرا عمومی است) به خصوص اگر به جوانان محدود شویم). درست است که دین برای اندکی نقشی را بازی می‌کند، اما برای اغلب افراد نسل من، دین در بهترین حالت، اولویت بعدی است.

۱. Can u explain me the relationship between boys and girls in Canada - is there any limitations (whether legally or traditionally & culturally) in this case or not?
- if there is limitations, is there any freedom in that limitations?
۲. Who is a boyfriend or girlfriend in your culture? Have u any?
۳. About women, are they free, limited, viewed as a human or as a female, equal to men or not?
۴. Is it good to have free sexual relationships or not?
۵. Does free sexual relationship affect marriage and family structure negatively?
۶. Please talk about marriage in your country; is it important? Are people eager for it or not?
۷. What's the rate of divorce in Canada?! What's the reason of it?
۸. About religion, it's role in life, in communications, in social life and whatever...

۱. Relationships between boys and girls in Canada is pretty much similar to what we find all over the so-called "West". Keep in mind that I'm mostly concerned here about a small part of Canada, i.e. the predominantly French-speaking province of Quebec, which is in a lot of ways a good deal different from the rest of Canada. That

said I can make the following generalizations. People here are getting into relationships more frequently and at a younger age than ever. They are also engaging with others in a freer kind of way. Not only that old barriers are breaking down (for example about dating persons of different ethnic/national/religious backgrounds) but also that society as a whole view relationships less and less as binding. More freedom does not necessarily mean better love lives, however, as most of us know by now.

Ϛ. Generally speaking a “girlfriend” or “boyfriend” is someone whom you a) love b) have sex with and c) want to build a successful relationship with. As with most definitions however, this one is not bullet-proof. Far from it. You can have a bf/gf who you don’t really love, with whom you don’t have sex with (for those rare few who value virginity before marriage) and perhaps more importantly, don’t really want to occupy a large part of your life. In fact there may be as many definitions of what a boyfriend or a girlfriend is. This very fluidity is sometimes disconcerting for young people who are confronted with not one but many acceptable ways to live their love life. Once again, freedom comes at a price, albeit not very hefty.

ϛ. Women now enjoy comparable status to that of men. As a matter of fact, in fact, Quebec women tend to be dominant and assertive than men : in most media, young women tend to be depicted as intelligent, ambitious people, whereas men tend to be lazy, undecided and exhibit at times a fair bit of thick-headedness. But even as women get more and more the lion’s share, old habits die hard. A beautiful woman, for example, won’t be getting any credit for reaching her goals career-wise, on the grounds that it was beauty alone that paved the way for her success. A fair share of sexism still has its way in the workplace or in the home, though it is truly on the wane. One might say that the new millennium will be women’s.

Ϝ. One of the effects of the continued cultivation of sexual stereotypes is apparent in the way free sex is perceived here. Whereas men can normally enjoy a great number of sexual partners without any accompanying stigma (having many women is sometimes likened to many conquests), woman normally can’t. For men, variety means popularity, for women, wantonness, to put it mildly.

⊖. Most obviously, free sexual relationship (if I understand the meaning well) is in all but the most open couples a recipe for disaster, in Canada just as in other parts of the world. Neither the man nor the woman is entitled under monogamous standards to have any sort of external sexual relationship.

⊗. In Canada, marriage is both cool and uncool at the same time (if I may say so). While the religious and cultural background of marriage is poorly understood and widely ignored, young people tend to follow their parents path. Therefore, a fair share of people will want to marry at Church, even if they don’t believe in God, because it makes sense to them somehow. Most will say that marrying before a priest gives “sanctity” or added value to their engagement. In a way marriage has been stripped of its essence but most people don’t seem to bother or really care. On the other hand, it is abundantly clear that marriage isn’t the dominant institution it used to be. Even if it proves to be more resilient to change than some would have expected, it is widely believed in society as a whole that marriage can be ignored ; couples who won’t marry don’t face prejudices. As a matter of fact, cynics won’t fail to remark that one of the prime incentives to marriage among the young generations has got nothing to do with love per se, but are mainly financial.

ϝ. Divorce is alive and well in Canada. Upwards to 40 % of marriages end in divorce (more optimistic figures put the rate at around 30%). Reasons for this are, I think, many, but a few generalizations can be made. Obviously, the emancipation of half of

society (i.e. women) meant that they couldn't be subservient as docile they once were. Women are now more prone to making their views heard and this has a direct impact on the stability of unions as both partners want equal share of the cake. As women focus more and more on career and education, the strain on the relationship can be fatal if the man isn't willing to make concessions. More working hours and less downtime also takes its toll as stress and fatigue wears the couple down. The breakdown of "traditional values" (for lack of a better word) also mean that the couple is soon left isolated and more vulnerable when faced with problems. It's also harder than ever to raise children ; between long hours of work for both parents, a tight schedule, and a family, the pressure can take its toll and the couple splits.

۸. Religion doesn't have the influence it had on people's lives forty or thirty years ago. Churches are getting empty by the day, and the dogmas and values that it champions are mostly unpopular. For example, its stance on contraception or gay marriage (to take two subjects directly related to relationships) is badly out of touch with public opinion (even more so if we confine ourselves to the youth). True, religion does play a role for a few, but for most people of my generation, religion is, at best, an afterthought.

۴ - جالب این جاست که یونگ که اهمیت مسایل جنسی را در نظریه شخصیت خود به حداقل آن رساند، زندگی جنسی فعال و به دور از اضطرابی داشت و از روابط جنسی خارج از زناشویی با بیماران و شاگردان زن، برخوردار بود. یکی از این روابط جنسی با اطلاع همسرش، سال ها ادامه داشت. (شولتز، شولتز، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸)

۵ - پرخاشگر انفعالی - ۱) عنوانی عمومی که توصیف کننده شخصی است با کمبود استقلال و تمایل به واکنش در مقابل وقایع به جای برقراری رابطه با آن ها. واکنش های این شخص اغلب پرخاشگرانه و همراه با مانع تراشی است. ۲) توصیفی برای الگویی از رفتارها که در آن ها پرخاشگری به شیوه ای انفعالی و غیر فعال نشان داده می شود. این شیوه به طور معمول در میان کسانی که دارای موقعیت ضعیفی هستند مشاهده می شود؛ گروهی که در بین آنان نشان دادن پرخاشگری آشکار می تواند به طور حتم به جبران یا مجازات منتهی شود.

۶ - پاشیدن اسید به صورت، یکی از روش های رایج در کینه توزی نسبت به هدف ناکام مانده است. چند سال پیش در حوالی دروازه دولاب تهران، پسری وقتی دختر مورد علاقه اش را به او نداده بودند، با همکاری دوستش، مرتکب جنایت هولناکی شد. او به صورت دختر و خواهر او، اسید پاشیده و دو چهره معصوم را به شدت دچار سوختگی و آسیب کرده بود. این دو پسر را به جرم این کار اعدام کردند.

علاوه بر این مورد، موارد مشابه دیگری را نیز هر از گاه در زمره وقایع جنایتکارانه شاهد هستیم. روز ۲۷ خرداد ۱۳۸۵، ماموران نیروی انتظامی ناحیه سیدخندان تهران دو جوان شهرستانی را با دو سرنگ پر از اسید دستگیر می کنند. آن دو اظهار می کنند که در قبال دریافت ۱۰ میلیون تومان، قصد داشتند به صورت زنی ۳۵ ساله اسید بپاشند. آنان در خیابان در حال پرسه زدن بودند تا پس از خروج زن مورد نظر از خانه اش، قصد خود را عملی کنند. فرد بر انگیزاننده این دو مدیر یک شرکت تجاری بوده که وقتی با پاسخ منفی یکی از کارمندان زن شرکت، برای برقراری روابط نامشروع مواجه شده است، تمایلش تبدیل به کینه شده و تصمیم به آسیب زدن به او می کند. این دو برادر ۲۲ و ۲۶ ساله شهرستانی برای انجام کینه توزی آن مدیر اجیر شده بودند (روزنامه اعتماد ملی، شماره ۱۱۰، ۲۹ خرداد ۱۳۸۵).

پیش از این گفتیم که وقتی برقراری رابطه با جنس مخالف با ماهیت جنسی باشد، در صورت ناکامی می تواند تبدیل به کینه شود. این کینه توزی حتی می تواند اهداف ناآشنایی را نیز دنبال کند. برای نمونه جوان ۲۴ ساله ای که در پی شکست در علاقه به یک دختر، در فاصله آبان ماه ۱۳۸۴ تا ۱۶ خرداد ۱۳۸۵ دست کم ۱۱ دختر ناشناس را تنها با احساس شباهت بین آن دختران و دختر مورد علاقه اش مورد حمله با چاقو قرار داده بود، پس از انجام آخرین جنایتش دستگیر شد. متأسفانه دو تن از قربانیان او در اثر ضربات چاقو جان باخته ولی ما بقی علی رغم آسیب دیدگی زنده مانده اند (روزنامه اعتماد ملی، شماره ۱۱۰، ۲۹ خرداد ۱۳۸۵). او خود دلیل ارتکاب چنین حملاتی را سرخوردگی از این علاقه مندی به یک دختر ذکر می کند.

۷ - بطور کلی عوامل عمده ای که جوانان را در معرض خطر ویژه آلودگی به HIV قرار می دهند عبارتند از:

- * مهاجرت و دوری از خانواده - بسیاری از جوانان جهت یافتن کار یا ادامه تحصیل از خانواده و شهر خود دور می شود که به این ترتیب در معرض خطر بیشتری نسبت به جوانانی که در کنار خانواده خود بسر می برند قرار می گیرند خصوصا اگر این مساله با کمبود آگاهی یا فقدان دسترسی به سرویس های مناسب بهداشتی و مشاوره ای نیز همراه باشد؛ از طرفی بازگشت افرادی که احتمالاً آلوده به HIV شده باشند، خطر ابتلای همسرانشان را نیز در پی خواهد داشت.
- * تغییر الگوی استفاده از مواد مخدر بسوی اعتیاد تزریقی.
- * نابسامانی اقتصادی - اجتماعی - خصوصا بیکاری؛ در مطالعه انجام شده در سال ۱۳۷۸ نشان داد که ۳۲٪ افراد معتاد ایرانی بیکار بوده اند.
- * افزایش سن ازدواج - به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی.
- * تاثیر شدید آثار سوء رسانه های گروهی از قبیل ماهواره و اینترنت بر زندگی جوانان.

امکان افزایش بروز ایدز در ارتباطات اینترنتی در صورت عدم وجود آموزش کافی:

در بررسی که توسط سرویس خدمات بهداشتی کالیفرنیا انجام شده، مشخص گردید که ۲۳٪ افراد همجنس خواه یا دارای تمایلات دو جنسی، شریک جنسی خود را از طریق اینترنت یافته اند. ۳۹٪ آنان برای نزدیکی از کاندوم استفاده نکرده اند. بنظر می رسد لازم است اقدامات پیشگیرانه و آموزش های لازم در زمینه ایدز نیز از طریق اینترنت رواج یابد (منبع: رویتر ۲۹ جولای ۲۰۰۳)

* جوانان بدلیل طبیعت ماجراجو و لذت طلب گاهی فقط به خوشی های لحظه ای فکر می کنند و حتی گاهی این تصور اشتباه را دارند که بدلیل جوان و سالم بودن از خطر آلودگی به HIV و یا ابتلا به سایر بیماری های مقاربتی در امان هستند.

* در برخی از کشورها به دلایل فرهنگی یا مذهبی دختران و زنان جوان تمایل دارند تا قبل از دواج، بکارت خود را حفظ نمایند و گاهی به همین دلیل به انواعی از تماسهای جنسی اقدام می کنند که با خطر بیشتری از نظر انتقال HIV همراه است همانند برقراری تماس جنسی از راه مقعد (Anal Sex)

* در سوی دیگر طیف، کودکان خیابانی قرار دارند که گاه جهت تامین سرپناه و یا غذا تن به خودفروشی می دهند و یا بدلیل عدم وجود سرپرست مورد تجاوز و آزار جنسی قرار می گیرند، به همین دلیل در این گروه نیز شیوع آلودگی به HIV از میزان بالاتری برخوردار است. (www.aftab.ir)

فقط به يك گروه از افراد در خطر ایدز دسترسی داریم (۸۴/۱۰/۱۱)

رئیس مرکز مدیریت بیماریهای وزارت بهداشت گفت: فقط به گروه معتادان از مجموع افراد در معرض خطر بیماری ایدز دسترسی داریم و در مورد گروههای دیگر که شامل افرادی هستند که رابطه جنسی غیر متعارف دارند هیچ اطلاعاتی در دسترس نیست. محمد مهدی گویا افزود: برای مقابله و کنترل بیماری ایدز در کشور با مشکلات زیادی مواجه هستیم که کمبود بودجه و به خصوص کمبود شدید نیروی انسانی کارآزموده فقط یکی از مشکلات است، مسئله مهم دیگر این است که دسترسی به گروه پر اهمیت افرادی که از طریق رابطه جنسی غیر متعارف ممکن است به این بیماری مبتلا شوند هنوز تصویب نشده است. وی ادامه داد: در زمان حاضر فقط تا حدی به گروه معتادان تزریقی دسترسی وجود دارد و می توانیم با شناسایی این افراد، آموزش آنها و در اختیار نهادن وسایل پیشگیری به آنان تا حدی از شیوع بیماری ایدز در کشور جلوگیری کنیم البته این کار نیز نیازمند بکارگیری نیروهای کارآزموده به تعداد زیاد است زیرا نظارت بر افراد در معرض خطر باید دائمی باشد. گویا گفت: متأسفانه نکته مهمی که برای کنترل بیماری ایدز مورد توجه قرار نمی گیرد رفتار جنسی پر خطری است که به خصوص در میان قشر جوان رواج دارد و در واقع این يك مسئله طبیعی است و در همه جهان وجود دارد، مهم این است که چقدر به این گروه آموزش و مهارت بدهیم تا بتواند از خودش در مقابل بیماری ایدز مراقبت کند. رئیس مرکز مدیریت بیماریهای وزارت بهداشت ادامه داد: برنامه های آموزش به افراد در معرض خطر ایدز چه گروه معتادان و چه گروه جوانان با برنامه های دیگر آموزشی تفاوت دارد و نمی توان با برگزاری کلاس آموزشی یا نمایش فیلم این کار را کرد، آموزش به جوانان حتما باید به صورت چهره به چهره و به خصوص با کمک گروه همسالان انجام شود و برای این کار باید وقت و هزینه زیادی صرف کنیم. گویا گفت: بسیاری از آگاهی هایی که باید برای مقابله و کنترل بیماری ایدز به مردم و گروههای هدف ارائه شود را نمی توان در رسانه های جمعی و تریبونهای عمومی ارائه کرد و برای آن باید تریبونهای

خصوصی طراحی شود که در محافل کوچک و به صورت چهره به چهره بتوان آموزش داد. وی افزود: نکته مهمی که برای آموزش درست به گروه‌های در معرض خطر و افراد مبتلا وجود دارد این است که باید تنگ و تبعیض را از بیماران مبتلا به ایدز برداریم، مردم باید بدانند که یک فرد بیمار مبتلا به ایدز الزاماً رابطه جنسی غیر متعارف نداشته است و می‌تواند مثل همه مردم زندگی کند، کار کند، تحصیلات داشته باشد، نفس بکشد و از خدمات حمایتی دولت بهره‌مند شود.

کارشناسان بین‌المللی در امور ایدز می‌گویند میزان گسترش این بیماری در میان زنان رو به افزایش است. یکی از دلایل برای این روند این بوده است که احتمال آلوده شدن زنان و دختران به عفونتهای مقاربتی چهار برابر مردان است.

همچنین در بسیاری از جوامع که از زنان انتظار می‌رود بلاشرط خواسته‌های مردان را برآورده کنند این زنان تسلط کمی در روابط جنسی خود داشته باشند. در این جوامع به زنان این اختیار داده نمی‌شود که در روابط جنسی خود خواستار اقدامات پیشگیرانه شوند یا حتی به رابطه خود با مردی که در گروه پرخطر برای ابتلا به ایدز محسوب می‌شود، خاتمه دهند.

در هر برنامه‌ای که برای مبارزه با اپیدمی ایدز به اجرا گذاشته می‌شود ضروری است به زنان این قدرت و اختیار داده شود که کنترل روابط جنسی خود را به دست گیرند.

در آمار بسیاری از کشورها، بیشتر زنانی که آلوده به HIV شده‌اند، از راه تماس جنسی با شریک جنسی آلوده مرد، و ویروس را دریافت کرده‌اند. در رابطه بین دو شریک جنسی مرد و زن (هتروسکسوال/ heterosexual)، زنان از نظر جسمانی دارای آمادگی بیشتری نسبت به مردان برای دریافت ویروس می‌باشند. این واقعیت یک پیام با خود به همراه دارد و آن این است که بایستی توجه خاصی به زنان در مبارزه با اپیدمی داده شود و از آنان حمایت بیشتری به عمل آید تا جامعه در این قشر بی‌تناسب، آلوده نشود.

اطلاعات به دست آمده از تحقیقات متفاوت نشان می‌دهد که در تماس جنسی بین زن و مرد، زنان در مقایسه با مردان، به میزان دو برابر امکان دریافت ویروس از شریک جنسی آلوده خود را دارند. این دلیل بسیار مستدلی است که چرا در آمار، تعداد زنان آلوده بسیار بیشتر از مردان است.

در ایران، اگر آمارهای رسمی اعلام شده افراد آلوده به ویروس از طریق سرنگ آلوده را بپذیریم و نیز این باور که بیشتر این افراد را گروه مردان تشکیل می‌دهند و با توجه به این نکته که این افراد احتمالاً دارای خانواده و همسر نیز می‌باشند، خود نشان دهنده میزان بالای خطر انتقال آلودگی در بین قشر زنان ایران خواهد بود. به این ترتیب بسیار محتمل است که آمار زنان آلوده، بزودی از تعداد مردان پیشی بگیرد، مگر آن که در عمل اقداماتی انجام گیرد که مانع از آن شود.

تاثیر مستقیم دیگری که آلودگی در زنان بوجود می‌آورد، انتقال ویروس از طریق مادر به جنین است که این نیز خود دلیل دیگری است برای توجه بیشتر به آسیب پذیری زنان و زنگ خطری است در افزایش آمار کودکان آلوده و مبتلا به ایدز. میلیون‌ها کودک در سرتاسر جهان بدلیل بیماری ایدز، یتیم شده‌اند و بسیار مستعد و آماده برای آلودگی به HIV می‌باشند.

• بسیاری از افراد جوان اچ.ای. وی. و ایدز را موضوع خود نمی‌دانند، بسیاری از افراد بین ۱۵ تا ۱۹ سال گمان می‌کنند که در معرض خطر آلودگی قرار ندارند. (ضرب المثلی قدیمی در این باره می‌گوید که همه گمان می‌کنند که مرگ فقط مال همسایه است.)

جوانان یکی از گروه‌هایی بودند که به مراتب در مقابل HIV و ایدز ایمن بودند. اما امروزه بیش از نیمی از افرادی که آلوده می‌شوند را جوانان زیر ۲۵ سال تشکیل می‌دهند. در این میان دختران نسبت به پسران به میزان بیشتری و در سنین پایین‌تری در معرض خطر آلودگی به HIV قرار گرفته‌اند.^۱

دختران جوان در هنگام داشتن رابطه جنسی دارای قدرت تصمیم‌گیری کمی هستند. به دلیل کمتر بودن سن بلوغ جنسی و شروع فعالیت‌های جنسی در سنین پایین‌تر با مسایلی مانند رابطه امن‌تر معمولاً آگاهی کم‌تری دارند. و یا در استفاده از وسایل محافظتی مانند کاندوم یا شرایط انتخاب کردن را ندارند و یا آگاهی و دانش لازم در این باره را ندارند. آنان همچنین برای محافظت از خود در برابر مشکلاتی مانند سوءاستفاده جنسی، بهره‌برداری جنسی و اعتیاد بسیار آسیب‌پذیر می‌باشند.

چرا جوانان بیشتر از سایر گروه‌های سنی در معرض خطر آلودگی به HIV هستند؟

رفتارهای مرتبط با سوء مصرف مواد معمولاً از اوایل ۲۰ سالگی آغاز می‌گردد (اغلب بین ۱۵ تا ۲۵ سالگی). علل تمایل به مصرف مواد مخدر بسیار متنوع می‌باشد از جمله: اضطراب، افسردگی، نابسامانی

های خانوادگی و مشکلات اقتصادی. (البته سوء مصرف مواد در طبقه مرفه اجتماع نیز ممکن است روی دهد یعنی در کسانی که از اوقات فراغت بیشتری برخوردارند یا والدین نظارت کمتری بر آنان دارند.) در مطالعه ای که در سال ۱۳۷۸ از نظر الگوی سوء مصرف مواد انجام گرفت نشان داد که يك سوم موارد اولین استفاده مواد مخدر در بین جوانان ایرانی زمانی اتفاق افتاده است که گروهی از جوانان هم سن و سال دور هم جمع بوده اند و بسیاری از این موارد دوست معتمد داشته اند لذا پرهیز از قرار گرفتن در موقعیتهایی که فرد را در معرض خطر سوء مصرف مواد قرار می دهد شدیداً توصیه می گردد.

افزایش شیوع ایدز در مصرف کنندگان اکستازی (Ecstasy):

مطالعات ثابت کرده اند که جوانان تحت تاثیر اکستازی، اقدام به برقراری ارتباطات جنسی نامطمئن و حفاظت نشده بیشتری می کنند.

بطور کلی عوامل عمده ای که جوانان را در معرض خطر ویژه آلودگی به HIV قرار می دهند عبارتند از:

- * مهاجرت و دوری از خانواده (بسیاری از جوانان جهت یافتن کار یا ادامه تحصیل از خانواده و شهر خود دور می شود که به این ترتیب در معرض خطر بیشتری نسبت به جوانانی که در کنار خانواده خود بسر می برند قرار می گیرند خصوصاً اگر این مساله با کمبود آگاهی یا فقدان دسترسی به سرویس های مناسب بهداشتی و مشاوره ای نیز همراه باشد؛ از طرفی بازگشت افرادی که احتمالاً آلوده به HIV شده باشند، خطر ابتلای همسرانشان را نیز در پی خواهد داشت)
- * تغییر الگوی استفاده از مواد مخدر بسوی اعتیاد تزریقی.
- * نابسامانی اقتصادی - اجتماعی (خصوصاً بیکاری؛ در مطالعه انجام شده در سال ۱۳۷۸ نشان داد که ۳۲٪ افراد معتمد ایرانی بیکار بوده اند).
- * افزایش سن ازدواج (بدلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی).
- * تاثیر شدید آثار سوء رسانه های گروهی از قبیل ماهواره و اینترنت بر زندگی جوانان.

امکان افزایش بروز ایدز در ارتباطات اینترنتی در صورت عدم وجود آموزش کافی:

در بررسی که توسط سرویس خدمات بهداشتی کالیفرنیا انجام شده، مشخص گردید که ۲۳٪ افراد همجنس خواه یا دارای تمایلات دو جنسی، شریک جنسی خود را از طریق اینترنت یافته اند. ۳۹٪ آنان برای نزدیکی از کاندوم استفاده نکرده اند. بنظر می رسد لازم است اقدامات پیشگیرانه و آموزش های لازم در زمینه ایدز نیز از طریق اینترنت رواج یابد (منبع: رویتر ۲۹ جولای ۲۰۰۳)

* جوانان بدلیل طبیعت ماجراجو و لذت طلب گاهی فقط به خوشی های لحظه ای فکر می کنند و حتی گاهی این تصور اشتباه را دارند که بدلیل جوان و سالم بودن از خطر آلودگی به HIV و یا ابتلا به سایر بیماری های مقاربتی در امان هستند.

* در برخی از کشورها به دلایل فرهنگی یا مذهبی دختران و زنان جوان تمایل دارند تا قبل از دواج بکارت خود را حفظ نمایند و گاهی به همین دلیل به انواعی از تماسهای جنسی اقدام می کنند که با خطر بیشتری از نظر انتقال HIV همراه است همانند **برقراری تماس جنسی از راه مقعد (Anal Sex)**

* در سوی دیگر طیف، کودکان خیابانی قرار دارند که گاه جهت تامین سرپناه و یا غذا تن به خودفروشی می دهند و یا بدلیل عدم وجود سرپرست مورد تجاوز و آزار جنسی قرار می گیرند، به همین دلیل در این گروه نیز شیوع آلودگی به HIV از میزان بالاتری برخوردار است.

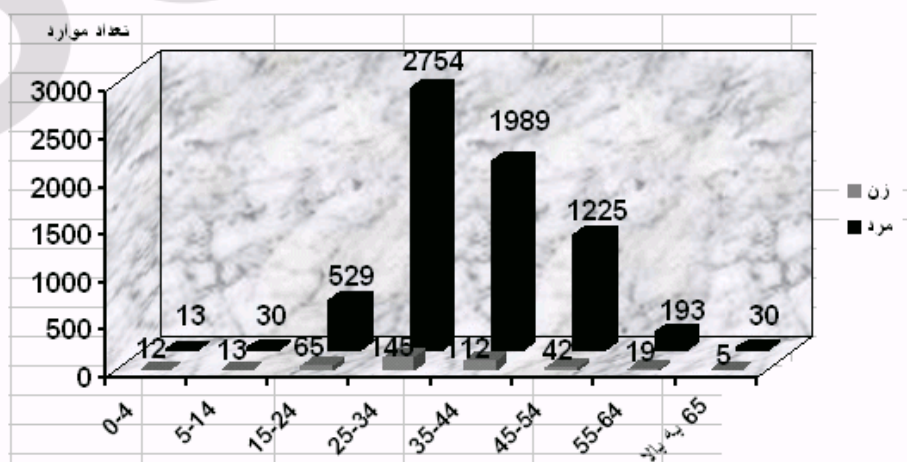
آمار تکان دهنده درباره جوانان مبتلا به ایدز در جهان ۲۱/۴/۸۵ www.baztab.com

مدیر اجرایی صندوق جمعیت ملل متحد می گوید که روزانه در جهان ۶ هزار جوان به ویروس مرگبار ایدز آلوده می شوند. به گزارش ایرنا، «ثریا احمد عبید» روز سه شنبه در پیامی به مناسبت روز جهانی جمعیت تصریح کرده است که «اگر چه گفته می شود جوانان آینده ساز هستند اما موضوع نیز واقعیت دارد که جوانان زمان حال هستند و امروز باید مورد حمایت قرار گیرند». ۱۱ جولای، بنا بر اعلام سازمان ملل روز جهانی جمعیت نامگذاری شده که امسال به بحث جوانان اختصاص دارد. مدیر اجرایی صندوق جمعیت ملل متحد اشاره دارد: هم اکنون میلیونها جوان در سطح جهان با تهدید فقر، بی سواد، خطرات ناشی از حاملگی و زایمان و ویروس ایدز روبرو هستند که برای این معضلات باید فکری کرد.

موارد آلوده به HIV و ایدز برحسب جنس و سن
در ایران تا تاریخ 84/1/1

سن	مرد		زن		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
0-4	13	0.2	12	2.9	25	0.3
5-14	30	0.4	13	3.1	43	0.6
15-24	529	7.8	65	15.7	594	8.3
25-34	2754	40.7	145	35.1	2899	40.4
35-44	1989	29.4	112	27.1	2101	29.3
45-54	1225	18.1	42	10.2	1267	17.7
55-64	193	2.9	19	4.6	212	3.0
65 به بالا	30	0.4	5	1.2	35	0.5
جمع	6763	100	413	100	7176	100
نامشخص	2988*	30.6 درصد	101	19.6 درصد	3089	30.1 درصد
جمع کل	9751		514		10265	

*درصد موارد نامشخص نسبت به کل موارد.



فهرست مأخذ و مراجع

- آری، هما، (۱۳۴۲)، **رابطه دختران جوان با اولیای خود (پدر و مادر)**، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
- آزاد، حسن، (۱۳۶۸)، **پشت پرده های حرمسرا**، انزلی، چاپ پنجم، ارومیه
- آزاد، حسین، (۱۳۷۵)، **آسیب شناسی روانی**، انتشارات بعثت، تهران
- ابراهیمی، عصمت، (۱۳۷۲)، **بررسی تاثیر اشتغال مادر بر سازگاری اجتماعی دختران دوره دبستانی در شهر تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم
- ابهری، مجید، (۱۳۸۰)، **علل و عوامل بروز آسیب های اجتماعی و راه کارهای مقابله با آن**، پشتون، تهران
- احمدی، اشرف، (۱۳۳۸)، **قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان**، وزارت فرهنگ و هنر، تهران
- احمدی، علی اصغر، (۱۳۸۵)، **تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران**، انتشارات انجمن اولیا و مربیان وزارت آموزش و پرورش
- احمدی، علی اصغر، (۱۳۸۴ الف)، **روان شناسی روابط درونخانواده**، انتشارات رضایی، تهران
- احمدی، علی اصغر، (۱۳۸۴ ب)، **شخصیت و رفتار**، انتشارات رضایی، تهران
- احمدی حکمتی کار، حسن، (۱۳۷۶)، **بررسی تاثیر اعتیاد والدین بر رشد شخصیت نوجوانان دختر و پسر مدارس راهنمایی استان کرمان در سال ۱۳۷۵-۷۶**، خلاصه مقالات همایش شناخت فرهنگ عمومی استان کرمان
- اسدی، رقیه، (۱۳۷۶)، **بررسی نظر دانش آموزان دختر سال سوم راهنمایی نسبت به ارتباط با جنس مقابل و ارتباط آن با ویژگیهای اقتصادی اجتماعی و ساختار خانوادگی**، وزارت آموزش و پرورش
- اصلانیور، اعظم، (۱۳۷۴)، **بررسی نحوه برخورد مادران با ناهنجاریهای رفتاری (ارتباط با جنس مقابل) و مقایسه آن با ملاکهای روانشناختی دختران دوره راهنمایی ورامین**، وزارت آموزش و پرورش، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران
- اعتمادالسلطنه، (۱۳۰۹)، **دارالتیجان فی تاریخ بنی الاشکان**، [بی.نا.]، [بی.جا.]
- افلاطون، بهمین، (۱۳۸۲)، **از هوس تا عشق (دوست دختر، دوست پسر)**، دفتر نشر مصطفی
- البرز، شها، (۱۳۷۹)، **بررسی مقایسه خود ارزشیابی رفتاری در سه موقعیت خانه، مدرسه، همسالان در بین دختران و پسران سنین مختلف**، چهارمین سمینار بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان
- امامی، مهشید، (۱۳۷۶)، **رابطه با والدین و مدرسه، آینده‌نگری و بهداشت روانی در نوجوانان دختر و پسر**، خلاصه مقالات اولین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران.
- انصافیور، غلامرضا، (۱۳۴۶)، **قدرت و مقام زن در ادوار تاریخ ایران**، آفتاب، [بی جا]
- انوشه، منیره، (۱۳۷۰)، **بررسی مشکلات بهداشت جسمی دوران بلوغ دانش‌آموزان دختر**، دانشگاه تربیت مدرس
- انوشه، منیره، (۱۳۷۴)، **رسالت نشریات و مطبوعات در بهداشت دوران بلوغ دختران**، مجموعه مقالات سمینار بررسی سیمای دختر بچه ها در جمهوری اسلامی ایران.
- بانکی، امیرحسین و همکاران (۱۳۸۵)، **دختران آفتاب**، انتشارات سروش، تهران
- بشردوست، سیمین، ()، **تعارضات زندگی زناشویی و تاثیر آن بر سازگاری نوجوانان دختر مقطع راهنمایی شهر تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رودهن.
- بهفر، زهرا، (۱۳۸۳)، **تاثیر کارکرد خانواده بر اختلالات درون ریزی دختران نوجوان و مقایسه کارکرد خانواده آسیب دیده و عادی**، خلاصه مقالات نخستین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران.
- پرویزی، سرور، (۱۳۸۳)، **پارادوکس آزادی- محدودیت و سلامت دختران نوجوان**، دانشکده علوم پزشکی تهران، دانشکده پرستاری و مامایی ارائه شده در خلاصه مقالات همایش سراسری زنان، مسائل فرهنگی- اجتماعی و جهانی سازی
- پیرنیا، حسن؛ اقبال، حسن، [بی تا]، **دوره تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه**، به کوشش محمد دبیر سیاقی، کتابخانه خیام، تهران
- پیرنیا، حسن، [بی تا]، **ایران باستان**، مطبوعه مجلس، تهران
- پیگولوسکایا، ن. - یاکوبوسکی، ا. - پتروشفسکی، ای.ب.، (۱۳۵۴)، **تاریخ ایران از دوره باستان تا پایان سده هیجدهم میلادی**، ترجمه‌ی کریم کشاورز، پیام، چاپ چهارم، تهران

- پیوسته گر، مهرانگیز، (۱۳۸۳)، بررسی رابطه نوجوان با والدین و نقش آن در استقلال جوانی، خلاصه مقالات نخستین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران.
- تقدیسی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، بررسی اولویت های آموزش بهداشت بلوغ در دختران ۱۰-۱۴ ساله اصفهانی، والدین اصفهانی و مربیان آنها و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۰، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- تقوی، سیدمحمدرضا، (۱۳۸۳)، بررسی عوامل مؤثر در فرار دختران از خانه، مطالعه موردی در شهر شیراز با استفاده از روش کیفی، خلاصه مقالات نخستین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران.
- ثابت قدم، صدیقه، (۱۳۷۸)، بررسی مقایسه نگرش دانش آموزان دختر و پسر به رفتار والدین با آنها در سن بلوغ در مدارس راهنمایی ۱۹ گانه آموزش و پرورش تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، معاونت پژوهشی، ارائه شده در خلاصه مقالات کنگره سراسری مراقبت های پرستاری
- ثانوی نوش آبادی، طاهره، (۱۳۷۷)، بررسی ویژگیهای روانی، اجتماعی و شناختی نوجوانان دختر پرورشگاهی و عادی شهر تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
- جاودانی، نیاز، ()، روابط دختر و پسر در جامعه امروز، انتشارات کتاب درمانی،
- جوادی یگانه، محمدرضا، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- حاجیلری، عبدالرضا، (۱۳۸۴)، شناخت نگرش دانشجویان پیرامون وضعیت روابط دختر و پسر در دانشگاه ها و آگاهی آن ها از حدود شرعی روابط بین دو جنس، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی، به سفارش نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها
- حسینی، معصومه، (۱۳۷۴)، بررسی مشکلات دوران بلوغ در دختران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد اراک.
- حشمتی، فاطمه، (۱۳۷۶)، بررسی ارتباط گرایش دینی و افسردگی در دختران دبیرستانهای شهرستان کرج، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج.
- حمودی‌شن، غلامرضا، (۱۳۷۴)، بررسی مقایسه‌ای تصویر ذهنی خود نوجوانان دختر و پسر ۱۸-۱۱ ساله مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های منتخب شهر گرگان ۱۳۷۴، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پرستاری و مامائی.
- حمیدی، فریده، (۱۳۸۳)، بررسی ساخت خانواده، سبک دل‌بستگی در دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آنها، خلاصه مقالات کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران.
- حیات اجتماعی زن در تاریخ معاصر ایران، (۱۳۶۹)، دفتر پژوهش های فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی- سینمایی، امیرکبیر، تهران
- خاکپور، مسعود، (۱۳۸۳)، نقش خانواده در فرار دختران از منزل، خلاصه مقالات کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران.
- خدادادی، مریم، (۱۳۸۳)، نقش آسیب های اجتماعی خانواده در ایجاد پدیده دختران فراری، خلاصه مقالات کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران.
- خسروی، زهره و آقاجانی، مریم، (بی تا)، بررسی رابطه بین سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله ای دانش آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه شهر تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا (س)، تهران
- خوشنویسی، محمدعلی، (۱۳۷۶)، روابط درون خانوادگی والدین و بهداشت روانی نوجوانان و جوانان در شمال و جنوب تهران، خلاصه مقالات همایش نقش و جایگاه فرهنگ و هنر در بهداشت روان.
- دارابی، جعفر، (۱۳۸۳)، رابطه جو خانواده با وسواس فکری در نوجوانان دختر، خلاصه مقالات کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران.
- درویزه، زهرا، (بی تا)، بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا (س)
- دستجردی، رضا، (۱۳۸۳)، مبانی روانشناختی تعارض با والدین، از دیدگاه نوجوانان مقطع متوسطه شهر بیرجند، نخستین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
- دوران‌ت، ویل، (۱۳۷۲)، تاریخ تمدن (مشرق زمین گاهواره تمدن)، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، تهران
- دولتمند، آرزو، (۱۳۷۵)، مقایسه خصوصیات روانی دختران نوجوان عادی به دختران نوجوانی که مورد سوء رفتار و غفلت والدین قرار گرفته اند، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- راوندی، مرتضی، (۱۳۶۴)، تاریخ اجتماعی ایران، امیرکبیر، تهران

- رضائی، منیره، (۱۳۷۲)، **رابطه تحول اخلاقی نوجوانان (دختر) با نگرشهای تربیتی والدین**، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی
- رقیمی، مهنوش، (۱۳۷۸)، **بررسی علل انحرافات اخلاقی دختران شهرستان زاهدان**، دفتر امور بانوان استانداری سیستان و بلوچستان، زاهدان
- رئیسی، فاطمه، (۱۳۷۶)، **بررسی تاثیر مشاوره گروهی بر کاهش بحران هویت نوجوانان دختر مقطع متوسطه نواحی ۳ و ۴ شهر اصفهان**، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی
- روحانی، سید ابراهیم، (۱۳۷۴)، **مقایسه نقش مدرسه در آماده سازی دانش آموزان دختر و پسر برای زندگی اجتماعی از نظر دبیران پایه سوم و چهارم دبیرستان های سمنان سال تحصیلی ۱۳۷۵-۱۳۷۴**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رودهن.
- زکی، محمدعلی، (۱۳۸۳)، **بررسی و آزمون نقش از هم گسیختگی خانواده در بروز مسائل اجتماعی جوانان**، خلاصه مقالات کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران.
- سامانی، سیامک، (۱۳۷۶)، **بررسی تاثیر عوامل فرهنگی بر نشانه‌شناسی اختلال ناپختگی رفتار در دختران و پسران ۶ تا ۱۱ ساله**، خلاصه مقالات دومین کنگره روانپزشکی فرهنگی و اجتماعی.
- سپهریان‌آذر، فیروزه، (۱۳۷۶)، **بررسی ارتباط عزت نفس با افسردگی، پیشرفت تحصیلی و میزان تحصیلات والدین در نوجوانان دختر و پسر ارومیه**، خلاصه مقالات اولین کنگره انجمن روانشناسی ایران.
- سناری، جلال، (۱۳۷۵)، **سیمای زن در فرهنگ ایران**، نشر مرکز، چاپ دوم، تهران
- سلیمانی، فاطمه، (۱۳۷۳)، **بررسی رابطه خصوصیات شخصیتی نوجوانان با تعداد فرزند خانواده در ناحیه آموزش و پرورش شهر ری**، وزارت آموزش و پرورش، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران
- سهرابی، فرامرز، (۱۳۶۹)، **بررسی اختلالات رفتاری نوجوانان شاهد محروم از والدین (ساکن در موسسات شبانه روزی بنیاد شهید)**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- شریفی، خدیجه، ()، **بررسی میزان ارضاء نیازهای جسمی، روانی، اجتماعی نوجوانان دختر دبیرستانهای تهران توسط والدین آنها**، دانشگاه تربیت مدرس.
- شفیع آبادی، عبدالله، (۱۳۷۲)، **نقش خانواده در رشد عواطف نوجوانان**، خلاصه مقالات سمینار بررسی مسایل نوجوانان و جوانان با تاکید بر مسایل جوانان ایرانی.
- شمسیان، داود، (۱۳۷۱)، **سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان دختر و پسر شهر تهران**، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، تهران
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی، (۱۳۷۷) **نظریه های شخصیت**، ترجمه یحیی سید محمدی، از نسخه ۱۹۹۸، نشر هما، تهران
- ظهروند، راضیه، (۱۳۷۵) **بررسی تحلیلی ملاک‌ها و کیفیت دوستی و رابطه کیفیت دوستی با روش های مقابله با فشارهای روانی در نزد کودکان و نوجوانان دختر**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران
- عابدینی، یاسمین، (۱۳۸۲)، **رابطه کیفیت دوستی و راه های مقابله با تنیدگی در نوجوانان دختر: بررسی نقش واسطه ای جایگاه اجتماعی - اقتصادی**، مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران، سال سی و سوم شماره ۲ پائیز و زمستان ۱۳۸۲؛
- علم مهرجردی، نسرین، (۱۳۸۱)، **روابط دختر و پسر در جامعه کنونی**، انتشارات آن
- غریب رضا یزدی، عصمت، (۱۳۷۲)، **بررسی علل و عوامل مؤثر در کمرویی دانش آموزان مقطع متوسطه دختر و پسر استان یزد**، سال ۱۳۷۱-۱۳۷۲، اداره کل آموزش و پرورش استان یزد.
- غمی، بدرالدین، (۱۳۷۵)، **بررسی ارتباط بین عملکرد خانواده و محبوبیت اجتماعی نوجوانان در گروه همسال**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رودهن.
- فرجاد، محمد حسین، (۱۳۶۳)، **آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات**، انتشارات بدر، تهران
- فردوست، حسین، (۱۳۷۰)، **ظهور و سقوط سلطنت پهلوی**، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، انتشارات اطلاعات، تهران
- فرقانی، شهلا، (۱۳۷۷)، **شناسایی تنوع و فراوانی ناهنجاری های رفتاری دانش آموزان کشور در سه دوره تحصیلی**، دفتر مشاوره معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- فلاح، حقگو، (۱۳۷۵)، **بررسی نحوه برخورد مادران با ناهنجاریهای رفتاری (ارتباط با جنس مقابل) و مقایسه آن با ملاکهای روانشناختی دختران راهنمایی ناحیه ۲ شهری، وزارت آموزش و پرورش**

- فیروز صمدی، خدیجه، (۱۳۸۰)، بررسی تاثیر تعارضات خانوادگی در بروز انواع اختلالات رفتاری دانش آموزان دختر دوره راهنمایی شهر تهران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- قشقایی، معصومه، ()، بررسی تأثیر میزان تحصیلات مادران در چگونگی گذران دوران بلوغ دختران، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- کالیکان، ویلیام، (۱۳۵۰)، مادی ها و پارسی ها، ترجمه اسعد بختیار گودرزی، شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، تهران
- کریمی، هوشنگ، ()، شناخت خصوصیات رفتار نوجوانان پسر و دختر، دانش آموزان دبیرستانی تهران در سنین بلوغ (۱۶-۱۸)، دانشگاه تهران.
- کریمی، هوشنگ، (۱۳۴۹)، شناخت خصوصیات رفتار نوجوانان پسر و دختر دانش آموز دبیرستانی شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی.
- کریمی پور، زهرا، (۱۳۷۳)، بررسی زمینه‌های مؤثر در مدرکایی در بین دانش آموزان دختر مقطع متوسطه ناحیه یک اراک، وزارت آموزش و پرورش.
- کریمی نیا، محمدعلی، (۱۳۸۱)، پسران: دوستی ها و عبرت ها، چاپ اسوه
- کریمی نیا، محمدعلی، (۱۳۸۱)، دختران: دوستی ها و عبرت ها، چاپ اسوه
- کوثری، محمدرضا، (۱۳۷۴)، بررسی علل رابطه با جنس مختلف (مخالف) در دانش آموزان دختر دوره راهنمایی تحصیلی منطقه ۱۸ آموزش و پرورش شهر تهران و ارائه راه حل های مساله در سال تحصیلی ۱۳۷۲-۱۳۷۳، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- کوچتکف، و. د. لایبیک، و. م. (۱۳۶۱)، روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ترجمه تقی زاده، محمد، انتشارات بنیاد، تهران
- گدازنده، زهرا میترا، (۱۳۷۳)، بررسی میزان عزت نفس و تحصیلات مادران با میزان عزت نفس دختران در نمونه ای از دختران ۱۶-۱۷ ساله (در دوره نوجوانی) ساکن شهر تهران، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- گلزاری، محمود، (۱۳۸۶ خرداد)، دوستی و ارتباط با جنس مخالف، مجله سپیده دانایی
- گلمن، دانیل، (۱۳۸۰)، هوش هیجانی، ترجمه نسرین پارسا، انتشارات رشد، تهران
- گیرشمن، رومن، (۱۳۴۴)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
- ماسن، پاول. هنری و دیگران، (۱۳۶۸) "رشد و شخصیت کودک". تهران، نشر مرکز.
- محسنی، نیکچهره. احدی، حسن، (۱۳۷۱) "روانشناسی رشد" تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- محمدخانی، پروانه، (۱۳۷۱)، بررسی عوامل مؤثر در سازگاری دانش آموزان دختر مناطق ۱۹-۱۱-۳ آموزش و پرورش شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران.
- محمدی، نسرین، (۱۳۵۵)، بررسی مشکلات دختران و پسران دوره راهنمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی.
- محمدی نیا، اسدالله، (۱۳۸۱)، روابط دختر و پسر، انتشارات سبب اکر
- محمودی‌شن، غلامرضا (۱۳۷۴)، بررسی مقایسه‌ای تصویر ذهنی خود نوجوانان دختر و پسر ۱۸-۱۱ ساله مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های منتخب شهر گرگان، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پرستاری و مامائی
- مس نجف آبادی، فاطمه، (۱۳۶۹)، تاثیر عوامل اجتماعی (خانواده، گروه همسالان و در ملا و منظر عام بودن) بر نحوه پوشش دختران دبیرستانی در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- مطهری، مرتضی، (بی تا)، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، انتشارات صدرا، تهران
- معظمی، احترام، (۱۳۷۶)، بررسی ویژگی های شخصیتی دختران بزهکار، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج
- معصومی، سید مسعود، (۱۳۸۶)، احکام روابط زن و مرد و مسایل اجتماعی آن، موسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- معین، زهرا، (۱۳۷۴)، تاثیر طلاق والدین در افسردگی دختران، مجموعه مقالات سمینار بررسی سیمای دختر بچه‌ها در جمهوری اسلامی.

- ملك افصلي ، حسين، (۱۳۷۷)، بررسی نیازهای آموزشی بهداشت دوران بلوغ دختران سال سوم راهنمایی جنوب تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
- موسوي، زهره، (۱۳۷۳)، بررسی رابطه اختلالات رفتاری نوجوانان (دختر و پسر) سال اول دبیرستانی با نگرش آنان به خانواده در جنوب شهر تهران، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم، تهران
- ناصري ، نيره، (۱۳۷۴)، بررسی نحوه برخورد مادران با ناهنجاریهای رفتاری (ارتباط باجنس مخالف) و مقایسه آن با ملاکهای روانشناختی دختران دوره راهنمایی منطقه ۱۹ تهران، وزارت آموزش و پرورش، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران
- ناظري، معصومه، (۱۳۶۷)، بررسی علل ترک تحصیل نوجوانان دختر و پسر، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- نظری، بهروز و همکاران، (۱۳۸۵)، مناسب سازی روابط دختران و پسران در محیط های دانشگاهی، جهاد دانشگاهی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، به سفارش نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها
- نوبخت، محمد، (۱۳۷۳)، بررسی رابطه بین قضاوت اخلاقی و منبع کنترل در بین دانش آموزان پسر و دختر کلاس سوم متوسطه شهرستان استهبان دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران
- نوروزي، اصغر، (۱۳۷۸)، رابطه بین احساس هویت و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دختر و پسر واجد و فاقد والدین غیر شاهد در شهرستان ساری، دانشگاه آزاد اسلامی- واحد رودهن
- نقوي، فاتحي زاده. عابدي(۱۳۸۴) "بررسی پدیده کودک آزاری و آثار عاطفی و شخصیتی آن بر نوجوانان دختر شهر اصفهان" مجله روانشناسی و علوم تربیتی. سال سی و پنجم شماره ۲.
- هالچین، ریچارد پی؛ کراس، سوزان، (۱۳۸۳)، آسیب شناسی روانی، ترجمیه سید محمدی، یحیی، نشر روان.
- یوسفیان اصل، ماندانا، (۱۳۷۵)، بررسی ارتباط عدم ارضای نیازهای اساسی، با بروز اختلالات رفتاری در دانش آموزان دبیرستان شهرستان اهواز، دانشگاه شهید چمران.

- Berndt, T. J, (۱۹۹۹), **Friend's influence on students adjustment to school**, Educational Psychologist, ۳۴, pp, ۱۵- ۲۸
- Crick, N. R. Dodge, K. A. (۱۹۹۴), **A review and reformulation of social information processing mechanisms in children's social adjustment.** Psychological Bulletin, ۱۱۵, pp. ۱۰۰- ۱۷۴
- Haselager , J. H. et al (۱۹۸۳), **Similarities between friends and nonfriends in middle childhood**, Child Development, ۶۹(۴), pp. ۱۹۸-۲۰۸
- Parker, J. Gottman J . M. (۱۹۸۹), **Toward a definition of social isolation in children.** Child Development, ۴۸, pp. ۵۱۳-۵۱۸
- Turner, S. J. & Helms, B. D., (۱۹۸۷) **"Life Span Development,"** New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Younis, J. (۱۹۸۱), **Parents and peers in social development**, Chicago, university of Chicago press.

Abstract

This investigation is studying the relationship between boys and girls, in Iran, with a metaanalytic method. The major data, which are used in this study, are gathered from the following sources: a) data published by general organizations as police and justice centers. b) Data gathered via scientific methods. c) Educational, psychological and sociological specialists' viewpoints. And d) clinical facts

Final results of this analysis show that friendship between girls and boys, in Iran, is a social trouble and a pathological source for both of them, especially for girls. It is as a result of irregularity of friendship between two genders, both in religion and in societal belief as a social forbidden behavior. And also for its historical social irregularity, this companionship has not found any acceptable social structure and a vivid method during last decades.

In the last part of this report, we offered three stages of approach for this social problem. Through selecting one of these approaches, we can make a decision on our strategy for solving this problem.

In the name of God

University of Tehran

Faculty of psychology and educational science

Final report of:

**Pathology of puberty and contact between boys
and girls and finding the methods of educate
them regular companionship**

Ordered by:

**Education commission of
Higher council of cultural evolution**

By:

Aliasghar Ahmadi PHD

January

۲۰۰۸

SCCcr.ir